

وزارت معارف

زبان و ادبیات دری

صنف هفتم



دری صنف هفتم

سال چاپ: ۱۳۹۹ هـ . ش



سرود ملی

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هېواد به تل ځلیږي
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مو دی رهبر

دا عزت د هر افغان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه یان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زړه وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر



بسم الله الرحمن الرحیم



وزارت معارف

زبان و ادبیات دری

صنف هفتم

سال چاپ: ۱۳۹۹ هـ . ش.



مشخصات کتاب

مضمون: دری

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش دری نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: هفتم

زبان متن: دری

انکشاف‌دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۹ هجری شمسی

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهۀ سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادۀ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هیچ نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندۀ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه‌یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادۀ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

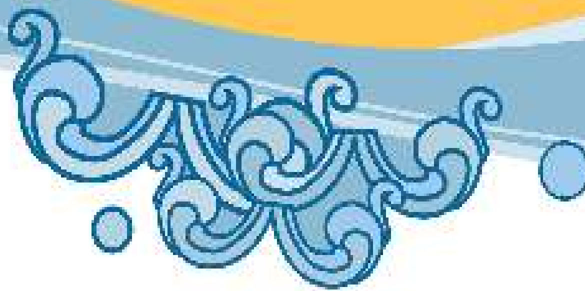
در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه‌یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست



درس اول

بهترین سرآغاز



به نام خداوندی که انسان را آفرید و خرد را، زبان را آفرید و ما را به فراگیری دانش دستور داد.

اولین درس سال نو تعلیمی را با حمد زیبایی از شاعر بزرگ و توانای شعر و ادب دری، نظامی گنجه‌یی آغاز می‌کنیم. این درس بیانگر ثنا و ستایش خداوند ﷻ است و هدف ما توجه و علاقه‌مندی به مسایل دینی و عقیدتی و تقویت مهارت‌های اساسی زبان، طرز خوانش شعر و آشنایی با «کلمه» می‌باشد؛ پس بگویید که هر کار را با نام و یاد کی آغاز می‌کنیم؟

ای نام تو بهترین سرآغاز	بی‌نام تو نامه[۱] کی کنم باز
ای یاد تو مونس روانم	جز نام تو نیست بر زبانم
ای کارگشای هر چه هستند	نام تو کلید هر چه بستند
ای هست‌کن اساس هستی	کوته ز درت درازدستی
از آتش ظلم و دود[۲] مظلوم	احوال همه تو راست معلوم
هم قصهٔ نانموده دانی	هم نامهٔ نانوشته خوانی
ای عقل مرا کفایت از تو[۳]	جستن زمن و هدایت از تو
هم تو به عنایت الهی	آن‌جا قدمم رسان که خواهی
از ظلمت خود رهایی‌ام ده	با نور خود آشنایی‌ام ده

لیلی و مجنون - نظامی



۱. نامه در اینجا به معنای کتاب است.

۲. دود در اینجا به معنای آه؛ دود مظلوم: آه ستم‌دیده.

۳. ای عقل مرا کفایت از تو: ای خداوندی که توانایی و شایسته‌گی خرد من از توست.



قواعد دستوری

در سال‌های گذشته قواعد دستوری را به طور فشرده خواندید، حالا با کلمه و اقسام آن آشنا می‌شویم، به مثال‌های زیر توجه کنید:

از آتش ظلم و دود مظلـــوم — احوال همه تو راست معلــوم
ای عقل مرا کفایت از تـــــو — جستن ز من و هدایت از تو

در بیت‌های بالا، (آتش، ظلم، دود، همه، عقل، کفایت و هدایت) کلمه‌های ساده اند.

کلمه، کوچک‌ترین واحد بامعنای زبان بوده و دارای معنای مستقل و لغوی است و از نگاه شکل سه نوع می‌باشد: کلمهٔ ساده، مشتق و مرکب.

۱. کلمهٔ ساده: که تنها یک جزء بوده و قابل تجزیه به اجزای مستقل یا نامستقل‌نباشد؛ مانند: نام، مونس، آتش، روز، روشن، بزرگ و...

۲. کلمهٔ مشتق: آن است که از یک جزء آزاد و چند جزء وابسته ساخته شده باشد؛ مانند: هم‌سفر، فروتن، امروز، نادار و...

۳. کلمهٔ مرکب: آن است؛ که از دو جزء آزاد تشکیل شده باشد؛ مانند: روزنامه، زردآلو، شورانگیز، سیاه‌چشم و...

به تمام کلمه‌های ساده، مشتق و مرکب، کلمه‌های مستقل نیز می‌گویند.

خلاصهٔ درس

خدایا! نام پاک تو بهترین سرآغاز کارهای ما، حضور تو انیس تنهایی ما، یاد تو یگانه همدم و یار ما است و جز نام پاک و برحق تو نام دیگری بر زبان ما نیست. ما را از جهل و تاریکی دور نگهدار و با نور ایمان و تقوا آراسته بگردان.



◆ فعالیت اول

- چرا هر کاری را با نام و یاد خداوندﷻ آغاز می‌کنیم؟
- چگونه می‌توان به قدرت‌های خداوندﷻ پی برد؟
- خداوندﷻ برای بنده‌گانش عقل داد که چه بکنند؟
- بیت‌های زیر را بخوانید و کلمه‌های سادهٔ آن را مشخص نمایید:

ای نام تو بهترین سرآغاز　　　بی‌نـام تو نامه کی کنم باز

ای یاد تو مونـس روانـم　　　جز نام تو نیسـت بر زبانم

- مقصد شاعر را از بیت زیر بیان دارید:

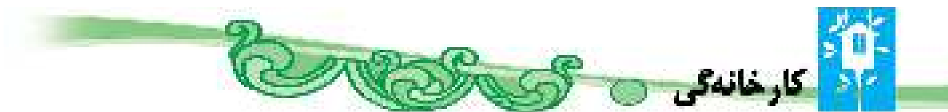
ای عقل مرا کفایت از تو　　　جستن ز من و هدایت از تو

◆ فعالیت دوم

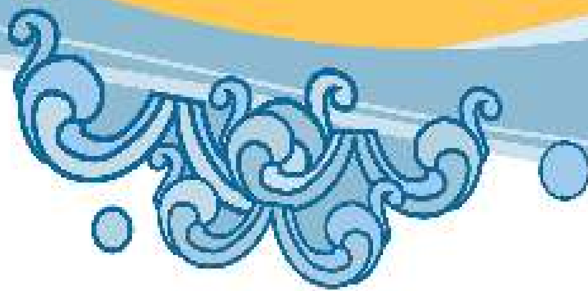
در گروه‌ها تقسیم شده و از هر گروه یک شاگرد متن شعر را با لحن و آهنگ مناسب بخواند.

- شعر را از بیت اول الی آخر املا بنویسید.
- کلمه‌های جدید درس را درگروه‌ها معنا نموده و برای هر یک طوری جمله بسازید که با مفهوم درس ارتباط داشته باشد.
- مفهوم بیت زیر را در یک جمله بنویسید:

ای کارگشای هر چه هستند　　　نام تو کلید هر چه بستند



برداشت خود را از متن درس در شش سطر خلاصه نموده و در کتابچه‌های تان بنویسید.



درس دوم

خرد دانا به نور روی او شد



دومین درس ما شعر زیبایی است از شیخ فریدالدین عطار، که در وصف پیامبر گرامی و بزرگوار اسلام، حضرت محمد ﷺ سروده شده است. هدف ما ایجاد علاقه و تقویت عقیدهٔ راسخ به سیرت پاک سردار عالم حضرت محمد ﷺ، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با کلمه‌های نامستقل در متن درس است. حالا بگویید که سرور و سادات عالم کیست؟

درود از حضرتش بر جان آن کس | که نـامـد در جهان مانند او کس
مـلایک تـا بـشر جمله طفیلـش | نبـوده بـا کسی پیـوند و میلش[1]
مهـــین و برتـرین آفـــرینش | سر و چشم خرد را تاج و بینش
خـرد دانـا به نـور روی او شـد | معطـر از نسیـم کـوی او شـد
مـرفـه انـبیـا در زیـر جـاهش | مشـرف اولـیـا از خـاک راهش
به جودش انبیـا گشتـند محتاج | ز گفتش اولیـا بـر سر نهنـد تاج
فـتـوح انـبیـا و اولـیـا زوست | چه گویم گر بدانی جمله خود اوست
در این عالم هر آن کو برتری یافت | ز خاک درگـهٔ او سروری یـافت

از آن از آفرینش برتر آمـد
که بر جمع دل، او سرور آمد

عطار



نبوده با کسی پیوند و میلش: یعنی پیامبر ﷺ مانند افراد عادی و بر اساس انگیزه‌ها و کشش‌های غیر دینی با کسی میل و پیوند نداشت.



قواعد دستوری

◆ کلمه‌های نامستقل

در درس گذشته با کلمه‌های مستقل آشنا شدیم، در این درس می‌خواهیم بدانیم که کلمه‌های نامستقل کدام‌ها اند؛ به طور مثال:

خـرد دانـا به نـور روی او شـد — مـعطر از نسیـم کـوی او شد
درود از حضرتش بر جان آن کس — که نامد در جهان مانند او کس

در بیت‌های بالا کلمه‌های به، از، بر و در، کلمه‌های نامستقل‌اند.

در جمله‌های زیر، کلمه‌هایی که زیر شان خط کشیده شده است، کلمه‌های نامستقل اند:

۱. من از کتاب‌فروشی برای برادر و خواهر کوچکم دو کتاب خریدم.
۲. خاموش باشیم و بااحترام به سخنان بزرگان گوش بدهیم.

کلمه‌های نامستقل کلمه‌هایی را گویند که دارای معنای دستوری اند؛ ولی به صورت جداگانه و آزاد به کار برده نمی‌شوند و معنای کامل و مستقل ندارند؛ مانند: بر، برای، از، با و...

خلاصهٔ درس

بــه گفــتار پیغمبرت راه جوی — دل از تیره‌گی‌ها بدین آب شوی

اگر واقعاً به گفتار پیامبر گرامی خود حضرت محمد ﷺ عمل کنیم و آن را سرمشق زنده‌گی خود قرار دهیم، هیچ‌گاهی گناهی را مرتکب نخواهیم شد. او یگانه پیامبری است که بنده‌گان خداوند ﷻ را به دین مقدس اسلام مشرف گردانید و همه را از جهل و نادانی به سوی روشنایی و صفا رهنمون شد و همه بنده‌گان خداوند ﷻ را برای پرستش و عبادت خالق آن‌ها خواند.



◆ فعالیت اول

شاگردان مفهوم درس را با زبان ساده بیان کنند و به پرسش‌های زیر پاسخ بگویند:

- چرا حضرت محمد ﷺ را آخرین پیامبران می‌گویند؟
- مقصد شاعر از بیت زیر چیست؟

در این عالم هر آن‌کو برتری یافت ز خاک درگه او سروری یافت

- چرا حضرت محمد ﷺ مهین و برترین آفرینش است؟
- هر گروه در مورد دو بیت مختلف از نعت شریف بحث کرده و در آخر نتیجه را یک شاگرد از هر گروه به دیگران بیان کند.

◆ فعالیت دوم

- به صورت گروهی در مورد مفهوم درس باهم بحث کنید.
- کلمه‌های جدید و دشوار درس را در کتابچه‌های خود یادداشت نموده و معنای آن‌ها را از همدیگر بپرسید.
- درس را به صورت دقیق بخوانید و نکات عمدهٔ آن را از یکدیگر سؤال کنید.
- یک نماینده از هر گروه در مورد درس یک جمله روی تخته بنویسد.
- در مورد سیرت حضرت محمد ﷺ یک مطلب پنج سطری بنویسید که در آن کلمه‌های نامستقل به کار رفته باشد.



شعر را به نثر برگردان نموده و مفهوم آن را در کتابچه‌های خود بنویسید.

درس سوم

امانت‌داری و راست‌کاری

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: (سوره نساء آیت ۵۸)

إِنَّ اللهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤَدُّواْ الأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا

خداوند جل جلاله به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها بسپارید.

در این درس یکی از حکایت‌های آموزندهٔ ابراهیم ادهم را از کتاب تذکرة الاولیای عطار که در مورد امانت‌داری و راست‌کاری است، می‌خوانیم، می‌آموزیم و سرمشق خود قرار می‌دهیم. تذکرة الاولیای عطار کتابی است به نثر فارسی دری که در آن سرگذشت ۹۶ تن از اولیا و مشایخ صوفیه با ذکر مواعظ و سخنان حکمت‌آمیز شان آمده است. سبک تحریر کتاب ساده و خالی از تکلف است.

هدف ما ایجاد علاقه به صفت امانت‌داری، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با اسم در متن درس است.

هدف از امانت‌داری و راست‌کاری چیست؟

ابراهیم ادهم[1] گفت: وقتی باغی به من دادند، تا نگهدارم، خداوند باغ[2] آمد و گفت: انار شیرین بیاور، بیاوردم ترش بود گفت: انار شیرین بیاور، طبقی دیگر بیاوردم ترش بود. گفت: ای سبحان‌الله، چندین‌گاه[3] در باغ باشی انار شیرین ندانی! گفتم من باغ ترا نگه می‌دارم و طعم انار ندانم که نچشیده ام. مرد گفت: بدین زاهدی که تویی گمان برم که ابراهیم ادهمی؛ چون این بشنیدم از آن‌جا برفتم.

تذکرة‌الاولیای عطار

راستی موجب رضای خداست — کس ندیدم که گم شد از ره راست

راستی کن که راستان رستند — در جهان راستان قوی‌دستند



۱. ابو اسحاق ابراهیم بن ادهم از امیرزاده‌گان بلخ بود. سال تولد او را ۱۰۰ هـ. ق. و سال وفات او را ۱۶۰ هـ. ق. روایت کرده اند. به گفتهٔ عطار، بعد از ترک بلخ به نیشاپور رفت و مدت نُه سال در غاری به عبادت و ریاضت پرداخت؛ سپس به مکه رفت و مجاورت خانهٔ خداوند‌ﷻ را برگزید.

۲. مالک باغ، صاحب باغ

۳. بسیار وقت، دیر زمان



قواعد دستوری

◆ **اسم – اسم یکی از انواع کلمه‌های مستقل است.**

در درس گذشته با کلمه‌های نامستقل آشنا شدید، در این درس با اسم آشنا می‌شویم. به مثال‌های زیر توجه نمایید:

ابراهیم ادهم گفت: وقتی باغی به من دادند، تا نگهدارم، خداوند باغ آمد و گفت: انار شیرین بیاور.

در جمله‌های بالا کلمه‌های، ابراهیم، باغ، انار و... اسم اند.

اسم کلمه‌یی است که به انسان، حیوان، مکان، نبات یا چیزی اطلاق شود و یا به سخن کوتاه‌تر اسم، نام اشیا و اشخاص است.

خلاصهٔ درس

خصلت نیک و پسندیدهٔ امانت‌داری و راست‌کاری انسان را به مقام و جایگاه بلند می‌رساند، هر کسی که این خصلت را دارد، نزد خداوند ﷻ و بنده‌گان خداوند ﷻ عزیز و دوست‌داشتنی است.

فعالیت‌ها

◆ **فعالیت اول**

- چرا ابراهیم ادهم ندانست که انار شیرین کدام است؟
- چرا راستی موجب رضای خداوند ﷻ می‌شود؟
- چگونه می‌توانیم که امانت‌دار و راست‌کار باشیم؟
- در جمله‌های داده شده اسم‌های آن را مشخص نمایید:

مرد گفت: بدین زاهدی که تویی، گمان برم که ابراهیم ادهمی!

- مفهوم درس را با زبان ساده بیان کنید.

◆ فعالیت دوم

چند تن از هر گروه مفهوم متن درس را بیان کنند.

- فکر کنید و بگویید که مقصد شاعر از بیت زیر چیست:

راستی کن که راستان رستند　　　در جهان راستان قوی‌دستند

- برداشت‌تان را از مفهوم درس، در چهار سطر خلاصه نمایید.

....

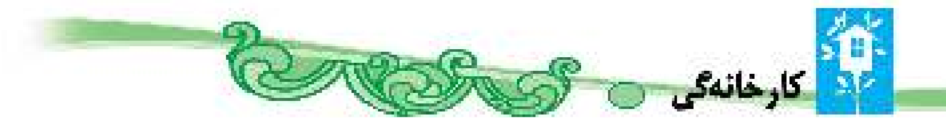
....

....

....

....

- کلمه‌های جدید درس را در گروه‌ها معنا نموده و به هر یک جمله بسازند.
- هر کدام از گروه‌ها یک جمله بنویسند که اسم در آن به کار رفته باشد.



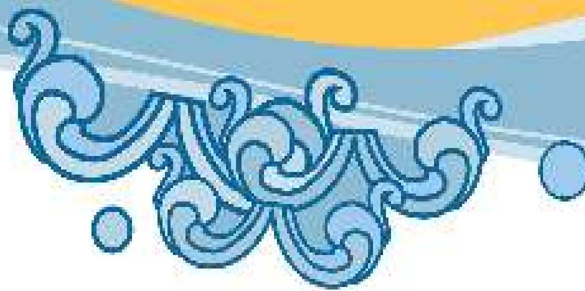
کلمه‌های زیر را در جمله‌های مناسب به کار برده و در کتابچه‌های‌تان بنویسید:

امانت ....

موجب ....

زاهد ....

گمان ....



درس چهارم

بشردوستی



در این درس برادری، برابری و احترام گذاشتن به حقوق یکدیگر را یاد می‌گیریم و خواهیم دانست که چگونه از تعصبات مذهبی، قومی و نژادی دوری کنیم و چطور خود، خانواده، جامعه و کشور خود را از بدبختی‌ها نجات داده و در آبادی و شگوفایی آن سهم ارزنده و فعال بگیریم. هدف ما ایجاد علاقه و تقویت حس بشردوستی، مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با اسم عام و خاص در متن درس است.

به نظر شما، اتحاد و اتفاق در آسایش و آبادی وطن چه نقشی دارد؟

انسان یک موجود اجتماعی است. هیچ انسانی را نمی‌توان مشاهده کرد که دور از اجتماع به تنهایی زنده‌گی نماید؛ زیرا این امر ناممکن است.

زمانی نقش انسان در اجتماع تبارز می‌کند که در برابر جامعه و مردم مهربان باشد و حس بشردوستی خویش را تقویه نماید؛ همواره در خدمت بشر قرار بگیرد و بدون در نظرداشت زبان، مذهب، قوم، ملیت، دین و نژاد، با همهٔ مردم و اطرافیان خود رفتار و رویهٔ خوب داشته باشد؛ زیرا همه انسان‌ها دارای حقوق مساوی‌اند.

با ظهور دین مقدس اسلام، در جوامع بشری تحول عظیمی رونما گردید. این دین کامل توانست در توسعهٔ روابط اجتماعی، تأمین عدالت اجتماعی، اتحاد، اتفاق و تساوی حقوق حقهٔ انسان‌ها نقشی بس ارزنده را ایفا نماید. اسلام همواره مردم را به اخوت و برادری دعوت نموده است.

حضرت محمد ﷺ می‌فرمایند: «افراد مسلمان در دلسوزی و مهربانی با یکدیگر مانند اندام‌های یک پیکر استند، که هرگاه عضوی به درد آید، دیگر عضوها نیز به درد می‌آیند.» این بهترین دستورالعمل حیات، برای ایجاد یک ملت زنده، بیدار، پیشرفته و متمدن است.

پس انسانیت و بشردوستی یک امر بزرگ اسلامی است و وظیفهٔ هر مسلمان است که همواره در هر جا بشردوستانه عمل نماید، تا جامعهٔ بشری به سوی خیر و رستگاری حرکت نموده، زنده‌گی بهتری را برای انسان امروز و فردا آماده سازد.

سعدی شیرین‌سخن گفته است:

بنی آدم اعضای یکدیگراند — که در آفرینش ز یک گوهراند
چو عضوی به درد آورد روزگار — دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی — نشاید که نامت نهند آدمی



قواعد دستوری

◆ اسم عام و اسم خاص

در درس گذشته اسم را آموختیم و حالا با اسم عام و خاص آشنا می‌شویم، به مثال‌های زیر توجه کنید:

انسان یک موجود اجتماعی است.

زمانی نقش انسان در اجتماع تبارز می‌کند که در برابر جامعه و مردم مهربان بوده و همواره در خدمت بشر قرار بگیرد.

حضرت محمد ﷺ می‌فرمایند: «افراد مسلمان در دلسوزی و مهربانی با یکدیگر مانند اندام‌های یک پیکر استند.

سعدی شیرین‌سخن گفته است:

تو کز محنت دیگـــران بی‌غمی   نشایـــد کـــه نامت نهند آدمـــی

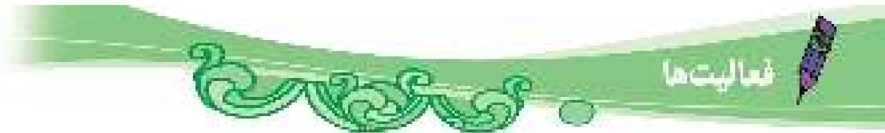
در جمله‌های بالا کلمه‌های (انسان، مردم و بشر) اسم عام و کلمه‌های (حضرت محمد ﷺ و سعدی) اسم خاص اند.

اسم عام: آن است که بر افراد هم‌جنس خود شامل باشد؛ یعنی بر همه افراد گروه خود دلالت کند مانند: انسان، شهر، میوه، مردم و...

اسم خاص: آن است؛ که برای یک شخص معین و یک چیز خاص دلالت کند؛ مانند: نادیه، احمد، محمد، سعدی، کابل و...

خلاصۀ درس

انسانیت و بشردوستی امر بزرگ اسلامی و دینی هر مسلمان است که همواره آن را در جامعه مراعات باید کرد، تا در دنیا و آخرت رستگار و کامگار باشیم.



◆ فعالیت اول

- چرا انسان نمی‌تواند به تنهایی زنده‌گی کند؟
- در بیت زیر منظور از بنی آدم چیست:

بنی آدم اعضای یکدیگراند   که در آفرینش ز یک گوهراند

- چگونه می‌توان حس بشردوستی را در خود تقویت کرد؟
- بشردوستی در پیشرفت و ترقی جامعه چه تأثیری دارد؟

گروه‌های شاگردان اسم‌های خاص و عام متن درس را مشخص کنند؛ سپس یک‌تن به نماینده‌گی گروه خود، اسم‌ها را برای دیگران بخواند.

◆ فعالیت دوم

- چند تن از هر گروه برداشت‌های‌شان را از مفهوم درس بیان کنند.

فکر کنید و بگویید که در بیت زیر، شاعر چه کسانی را خطاب قرار داده است؟

تو کز محنت دیگران بی‌غمی   نشاید کـــه نامت نهند آدمی

- کلمه‌های جدید درس را در گروه‌ها معنا نموده و جمله بسازید.
- هر کدام از گروه‌ها در ارتباط به مفهوم درس یک جمله بنویسند که اسم‌های خاص و عام در آن به کار رفته باشد.

....



در بارهٔ بشردوستی، یک مقالهٔ شش سطری در کتابچه‌های‌تان بنویسید.

درس پنجم

هدیه به مادران



در این درس در مورد مقام والا و ارزش‌مند مادر، مطالبی را می‌خوانیم، می‌آموزیم و آن‌ها را سرمشق زنده‌گی خود قرار می‌دهیم. شعری را که در این باره انتخاب کرده ایم یکی از مثنوی‌های مشهور استاد، خلیل‌الله خلیلی می‌باشد.

هدف ما آگاه ساختن و پی بردن به مقام والای مادر، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با جمع بستن اسم در متن درس است.

به باور شما، چرا خداوند متعال بهشت را زیر پای مادران قرار داده است؟

رهروی روشن‌دلی از بایزید[1] / کرد پرسش کای مراد هر مُرید
باز گو آخر کجا بشتافتی / کاین همه گنج سعادت یافتی
گفت از یک قطره اشک مادرم / شاهد مقصود آمد در بَرَم
گنج‌ها[2] در دیدهٔ نمناک اوست / این گُهرها اشک‌های پاک اوست
شام‌ها چون باز خفتی مادرم / بود در پایان پایش بسترم
تا دل شب داشت با من رازها / گفتگوها، قصه‌ها، آوازها
قصه‌ها شیرین‌تر از شهد و شکر / نغمه‌ها جان‌بخش چون باد سحر
ناگهان شامی هوا بس تیره شد / برف بر شهر و ده ما چیره شد
خون به تن از شدت سرما فسرد / شعله از دم‌سردی ایام مرد
نیمه‌شب شد مادرم از خواب خاست / از من افسرده جامی آب خواست
تا گرفتم لرز لرزان جام آب / مادرم را بار دیگر برد خواب
من ستادم خشک بر جا از ادب / چشم بر ره، جام بر کف، جان به لب
آب را از فرط سردی بَست یخ / جام را با دست من پیوست یخ
صبح شد چون بارگاه فیض باز / مادرم برخاست از بهر نماز
دید سوی من که لرزانم چو بید / گشته‌ام چون برف سر تا پا سپید
گفت ای فرزند بر کف جام چیست / راست گو این لرزه بر اندام چیست
از چه رو این جام را نگذاشتی / خویش را در رنج و محنت داشتی
گفتم ای مادر! خطا بود این که من / می‌نهادم جام بهر خویشتن
تو ز من گر آب می‌کردی طلب / خفته می‌دیدی مرا دور از ادب
مادر از گفتار من بی‌تاب شد / دل میان سینهٔ وی آب شد
سر زد آهی از دل غم‌دیده‌اش / قطرهٔ اشکی چکید از دیده‌اش
اشک مادر گنج گوهرزا شود / مرد از آن یک قطره چون دریا شود

توضیحات

۱. عارف مشهور قرن دوم و سوم هجری

۲. اشک‌های مادر و دعاهای او در حق فرزند باعث سعادت در دنیا و آخرت است.

۳. استاد بزرگ ادبیات دری خلیل‌الله خلیلی در سال ۱۲۸۴ هـش. در باغ جهان‌آرای کابل دیده به جهان گشود. پدرش مستوفی‌الممالک میرزا محمد حسین خان و مادرش دختر یکی از خانان کوهستان بود. او یکی از چهره‌های برجسته در تاریخ ادبیات معاصر افغانستان است. تعداد آثار او در مجموع ۱۲ اثر منثور و منظوم در عرصه‌های مختلف هنر، ادب، سیاست، فلسفه و عرفان است.



قواعد دستوری

◆ جمع بستن اسم‌ها

در درس گذشته با اسم عام و خاص آشنا شدیم، در این درس جمع بستن اسم‌ها را می‌خوانیم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

گنج‌ها در دیدهٔ نمناک اوست　　　این گهرها اشک‌های پاک اوست

تا دل شب داشت با من رازها　　　گفتگوها، قصه‌ها، آوازها

جوانان افغان با شور و شوق فراوان در اعمار مجدد افغانستان سهم می‌گیرند.

در بیت‌ها و جملهٔ بالا (گنج‌ها، گُهرها، اشک‌ها، گفتگوها، قصه‌ها، آوازها، رازها و جوانان) کلمه‌های جمع اند.

جمع اسم آن است که بر بیش از یکی دلالت کند و نشانه‌های آن در زبان دری (ان) و (ها) است، که در پایان اسم علاوه می‌شود؛ مانند: گنج - گنج‌ها، مرد- مردان، اشک - اشک‌ها، کودک - کودکان، جوان - جوانان و...

خلاصهٔ درس

از بایزید بسطامی پرسیدند: این مقام ارزشمند را چگونه یافتی؟

گفت: شبی، مادرم از من آب خواست. نگریستم، آب در خانه نبود. کوزه برداشتم و به طرف جوی رفتم که آب بیاورم؛ چون باز آمدم، مادر را خواب برده بود؛ پس با خویش گفتم: «اگر بیدارش کنم، خطاکار خواهم بود.» آنگاه ایستادم تا مگر بیدار شود.

هنگام بامداد، او از خواب برخاست؛ سر بر کرد و پرسید: چرا ایستاده ای؟

قصه را برایش گفتم.

او به نماز صبح ایستاد و پس از به جای آوردن فریضه، دست به دعا برداشت و گفت:

خدایا! چنان که این پسر را بزرگ و عزیز داشتی، اندر میان خلق نیز او را بزرگ و عزیز گردان.



◆ **فعالیت اول**

- در بیت زیر منظور از گنج‌ها چیست؟

گنج‌ها در دیدهٔ نمناک اوست　　　این گهرها اشک‌های پاک اوست

- چرا بایزید بسطامی نخواست که دوباره بخوابد؟
- دعای مادر در زنده‌گی بایزید بسطامی چه تأثیر گذاشت؟
- مفهوم ابیات زیر را بگویید:

سر زد آهی از دل غـمدیده‌اش　　　قطـرهٔ اشکـی چکید از دیـده‌اش
اشک مادر گنج گـوهرزا شـود　　　مرد از آن یک قطره چون دریا شود

◆ **فعالیت دوم**

- متن شعر را با لحن، آهنگ مناسب و تلفظ درست کلمه‌ها بخوانید.
- گروه‌ها در مورد مفهوم درس و کلمه‌های جمع در متن با همدیگر بحث نمایند.
- بیت‌های ناتمام زیر را تکمیل نمایید:

رهروی روشن‌دلی از.....................　　　کرد پرسش کای..................... هر مرید
.... آخر کجا بشتافتی　　　کاین همه..................... سعادت یافتی

- هر گروه یک جمله در مورد مقام والای مادر بنویسد.

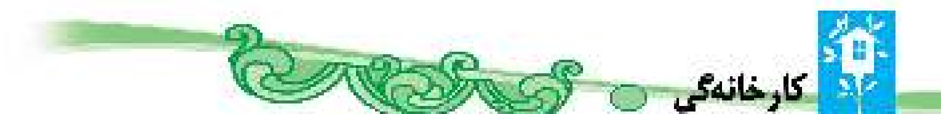
....

....

....



..



در مورد مقام والا و ارزشمند مادر یک مقالهٔ زیبا در کتابچه‌های‌تان بنویسید.

....

....

....

درس ششم

سرزمین من



در این درس با ارزش تاریخی و عظمت شاعران و نویسنده‌گان شعر و ادب دری آشنا می‌شویم و مطالب خوبی را می‌آموزیم. هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به تاریخ ادبیات دری، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با اسم نکره در متن درس است. آیا می‌دانید در کشور ما چه بزرگانی زنده‌گی کرده‌اند؟

کشور عزیز و پرافتخار ما افغانستان سرزمین علم و فرهنگ است. این سرزمین مهد پرورش دانشمندان، شاعران، نویسنده‌گان و هنرمندان بزرگ و وارسته به شمار می‌رود. افغان‌ها مردمانی‌اند که به علم، ادب، استعداد، هنر و مهمان‌نوازی شهرت دارند. شهرهای بزرگ و تاریخی این سرزمین چون: بلخ (ام‌البلاد)، هرات (هری)، غزنی (غزنه)، غور و... روزگاری بزرگترین مراکز اساسی تعلیم و تعلم، حکمت و هنر و سیاست بوده‌اند. با ظهور دین مقدس اسلام زمینه برای گسترش فرهنگ در کشور ما بیشتر فراهم شد؛ زیرا قرآن مجید، این بزرگترین کتاب آسمانی راه را برای دسترسی به درس و تعلم بیشتر و روشنتر کرد. می‌بینیم که مشهورترین شاعران و دانشمندانی چون: ابوعلی سینای بلخی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، رابعهٔ بلخی، سیدجمال‌الدین افغان، عنصری بلخی، مولانا عبدالرحمن جامی، رحمان بابا، مخفی بدخشی، خواجه عبدالله‌انصاری، عایشهٔ درانی، سنایی غزنوی، دقیقی بلخی، خوشحال خان ختک، لیلا صراحت روشنی و صدها تن دیگر از این بزرگان، شعر عرفانی را به حد اعلای آن رسانیده و آثار گرانبها و ارزشمندی در تاریخ و فرهنگ سرزمین علم پرور ما به جا گذاشته‌اند. این آثار به زبانهای مختلف دنیا نیز ترجمه شده‌اند، از آن جمله می‌توان از کتاب الشفاء و قانون شیخ ابوعلی سینای بلخی و مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی به گونهٔ مثال نام برد که بسیاری از دانشمندان بزرگ جهان از آثار این بزرگمردان استفاده کرده‌اند.

هر چند یونسکو سال ۲۰۰۷ م. را به نام مولانا نام‌گذاری کرد؛ اما مولانا شاعر همه زمان‌ها و زمین‌هاست و از اقیانوس اندیشهٔ او همه‌گان سیراب می‌شوند.

همین افتخارات، زیبایی‌ها و دلکش بودن زبان دریست که شاعران زیادی کلمهٔ دری را در اشعار خود به کار برده اند. بیت زیر از شاعر توانای کشور ما ناصر خسرو بلخی است:

صفات روی تو آسان بود مرا گفتن

گهی به لفظ دری و گهی به شعردری

قواعد دستوری

اسم نکره

در درس گذشته جمع بستن اسم‌ها را آموختیم؛ اکنون با اسم نکره آشنا می‌شویم. به مثال‌های زیر توجه کنید:

افغان‌ها مردمانی‌اند که به علم، ادب، استعداد، هنر و مهمان‌نوازی شهرت دارند.

بلخ، هرات، غزنی و غور روزگاری بزرگترین مراکز اساسی تعلیم و تعلم حکمت و هنر و سیاست بوده‌اند.

می بینیم که مشهورترین شاعران و دانشمندانی؛ چون: ابوعلی سینای بلخی و.... آثار گرانبها و ارزشمندی در تاریخ و فرهنگ سرزمین علم‌پرور ما به جاگذاشته‌اند.

در جمله‌های بالا کلمه‌های (مردمانی، روزگاری، دانشمندی و ارزشمندی اسم نکره اند.

اسم نکره: نکره یا غیرشناسا آنست که نزد مخاطب معلوم و معین نباشد؛ مانند: کتابی را خریدم. مردی را دیدم، شاعرانی چون: و...

خلاصهٔ درس

افغانستان سرزمین علم و فرهنگ و مهد پرورش بزرگترین شاعران و نویسنده‌گان است. آثار این بزرگمردان به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شده است که امروز جهان اسلام به آنها افتخار می‌کند. سال ۲۰۰۷ م. به نام مولانا نام‌گذاری شد که این خود ارزش فرهنگی و ادبی سرزمین ما را نشان می‌دهد.

فعالیت‌ها

فعالیت اول

- ظهور دین مقدس اسلام چه تأثیراتی در علم و فرهنگ ما گذاشت؟

- سال ۲۰۰۷ م. به نام کی نامگذاری شد؟

- مولانا جلال الدین محمد از کدام ولایت زیر است:

الف) غزنی ب) غور ج) بلخ د) هیچکدام

- اسم نکره را در جملهٔ زیر مشخص کنید:

«شاعری بود که‌کلمهٔ دری را در اشعار خود به کار برده بود.»

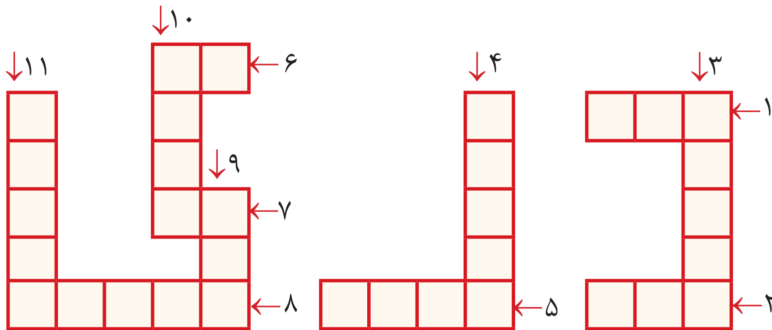
◆ فعالیت دوم

- با کلمه‌های زیر جمله بسازید:

۱- وارسته ۲- گسترش۳- فراهم

-جدول زیر را حل کنید:

۱. یکی از رنگ‌های بیرق کشور ما. ۲. یکی از کشورهای عربی که یاقوتش معروف است ۳. صاحب کتاب حدیقه ۴. داستان وامِق و عذرا را نوشته است ۵. به عربی طرف راست را گویند ۶. ضمیر فاعلی۷. عدد اصلی۸. از سمرقند بود و شعر «بوی جوی مولیان آید همی» از سروده‌های اوست ۹. مترادف سیاحت۱۰. متضاد بدی۱۱. صاحب کتاب خمسه.





دربارهٔ این شعر چند سطر در کتابچه‌های خود بنویسید:

ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه — که لطف طبع و سخن گفتن دری داند

درس هفتم

سنایی غزنوی



با دو قبله در ره توحید نتوان رفت راست
یا رضای دوســت باید یا هوای خویشتن

شاعران بزرگی در سرزمین ما زیسته اند که یکی از آن‌ها ابو المجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی است. در این درس می‌خواهیم با ابعاد و جنبه‌های گوناگون زنده‌گانی سنایی آثار و نمونۀ کلام او بیشتر آشنا شویم. هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به شاعران و نویسنده‌گان ادب دری، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با اسم معرفه در متن درس است. آیا می‌توانید از چند شاعر بزرگ افغانستان نام ببرید؟

بیت صفحهٔ قبلی از شاعر بزرگ و توانای کشور ما سنایی غزنوی است که در قرن ششم ه.ق. زنده‌گی می‌کرد، سنایی به نام حکیم غزنوی نیز شهرت دارد، او تحصیلات خود را در شهر غزنی که در آن هنگام از شهرهای مهم علمی و فرهنگی خراسان بود به پایان رساند و از انواع علوم مروج روزگارش بهره‌ها برد.

سنایی جهت تکمیل علوم و تجربیات به شهرهای خراسان آن روز (بلخ، سَرَخس، مرو و نیشاپور) سفر کرد. از بزرگان روزگارش استفاده‌ها نموده و از محضر آنان فیض برد. این شاعر در سال ۵۱۸ هق. به شهر غزنی برگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند.

این سفرها در زنده‌گی سنایی خیلی ارزشمند بود و مسیر زنده‌گی او را کاملاً تغییر داد. در این دوره است که به سرودن قصاید معروف خود در زهد و وعظ، خداپرستی و ایجاد منظومه‌های مشهور حدیقة‌الحقیقه، طریق‌التحقیق، سیرالعباد الی المعاد، کارنامهٔ بلخ، عشق‌نامه و عقل‌نامه، توفیق یافت و این چند بیت از جملهٔ اشعار دور دوم زنده‌گی اوست که در وصف خداوند‌ﷻ سروده است:

ملکا ذکر تـــو گویم که تو پاکی و خدایی
نروم جز به همـــان ره که تـــو ام راه نمایی
همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم
همه توحید تـــو گویم که به توحید سزایی
لب و دندان سنایی همـــه توحید تو گوید
مـــگر از آتش دوزخ بـــودش روی رهـــایی

در آغاز کار، سنایی شاعری مداح بود و روش شاعران دورهٔ اول زنده‌گی خود به خصوص عنصری و فرخی را تقلید می‌کرد. در دور دوم زنده‌گی‌اش که دورهٔ تغییر حال و تکامل معنوی اوست، آثار او پر از معارف، حقایق عرفانی، حکمی و اندیشه‌های دینی، زهد و وعظ است که با بیان شیوا و استوار ادا شده است.

سنایی را می‌توان بنیانگذار شعر عارفانه دانست. او نخستین کسی بود که تصوف را وارد شعر نمود و همچنان از آثار، اشعار و شیوهٔ عارفانهٔ او، گوینده‌گان و نویسنده‌گان متعدد چه در هنگام حیات و چه بعد از مرگش پیروی نموده اند؛ چنانکه مولانا جلال‌الدین محمد بلخی می‌گوید:

عطار روح بود و سنایی دو چشم او　　　ما از پی سنایی و عطار آمدیم

خاقانی شروانی که در شعر مقام خود را برتر از عنصری بلخی و رودکی سمرقندی می‌دانست، به سنایی به دیدهٔ قدر می‌نگریست و خود را پیرو او می‌خواند.

سنایی بالاخره در حدود سال ۵۴۵ هـ.ق. در شهر غزنی وفات نمود و در همان جا مدفون است. آرامگاه وی زیارتگاه مردم است.

نمونهٔ کلام

منشیـــن با بدان که صحبـــت بد　　　گـــر چـــه پاکی ترا پلـــید کـــند
آفـــتابـــی بدیـــن بـــزرگـــی را　　　پاره‌یی ابـــر نـــاپـــدیـــد کـــند

***

مسلمانان، مسلمانان، مسلمانی! مسلمانـــی!
از این آیین بی‌دینان، پشیمانی، پشیمانی
مسلمانی کنون اسمیست بر عرفی و عاداتی
دریغا کو مسلمانی؟ دریغا کو مسلمانی؟
بمیرید از چنین جانی کزو، کفر و هوا خیزد
ازیرا[1] در چنان جان‌ها فرو ناید مسلمانی

◆ اسم معرفه

به جمله‌های زیر دقت نموده و بگویید که کدام نوع اسم در آن‌ها به کار رفته است:

۱. سنایی شاعر بزرگ افغانستان است.

۲. این شاعر در سال ۵۱۸ هـ.ق. به شهر غزنی برگشت.

۳. او را می‌توان بنیانگذار شعر عارفانه دانست.

۴. حدیقة‌الحقیقه، الهی‌نامه و سیرالعباد از جملهٔ آثار اوست.

اگر به جمله‌های بالا دقت کنیم، دیده می‌شود که کلمه‌های: افغانستان، سنایی، این شاعر، الهی‌نامه، حدیقة‌الحقیقه و.... اسم‌های معرفه‌اند؛ پس اسم معرفه را می‌توان چنین تعریف کرد:

اسم معرفه (شناسا) به اسمی گویند که نزد شنونده یا مخاطب معلوم و معین باشد. در زبان دری به اسمی معرفه می‌گویند که دارای مشخصات زیر باشد:

۱. اسم خاص باشد؛ مانند: افغانستان، سنایی، الهی‌نامه و...

۲. ضمیر باشد؛ مانند: من، او، شما و...

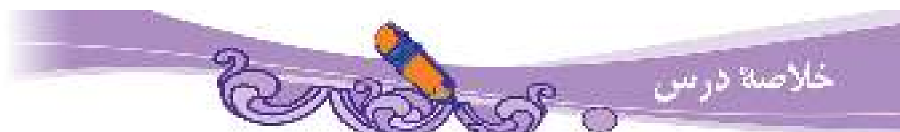
۳. اسمی که به اسم خاص یا ضمیر مضاف شده باشد؛ مانند: قلم مسعود، الهی نامه و...

۴. مشارالیه باشد؛ یعنی بعد از کلمهٔ اشاره (این یا آن) واقع شده باشد؛ مانند: این شاعر، آن نویسنده و...

۵. اسمی که یک‌بار ذکرش در کلام آمده باشد؛ مانند: دیروز یک کتاب و یک قلم خریدم. کتاب نزد خواهرم و قلم نزد برادرم است.



ازیرا: در این جا به معنای بدین سبب، بدین علت



ابو المجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی یکی از شاعران عارف و بزرگ زبان و ادبیات دری است که در قرن ششم زنده‌گی می‌کرد. زنده‌گی او دو دوره داشت. دور اول زنده‌گی او، در مدح شاهان و دور دوم زنده‌گی او در مدح خداوند(ج)، زهد و عرفان سپری شده است. **حدیقة‌الحقیقه**، الهی‌نامه، سیرالعباد الی المعاد و طریق‌التحقیق از جملهٔ آثار اوست. مجموعهٔ اشعار او افزون بر سیزده هزار بیت است سنایی را می‌توان بنیان‌گذار شعر عارفانه دانست.



◆ فعالیت اول

- اشعار دور دوم زنده‌گی سنایی کدام ویژه‌گی زیر را دارد؟

الف) غنایی　　　　ب) اخلاقی

ج) عرفانی　　　　د) هر سه

- چه کسانی از آثار و افکار سنایی پیروی کرده‌اند؟
- آثار سنایی را نام بگیرید.
- خصوصیات عمدهٔ اسم معرفه کدام‌ها اند؟ توضیح دهید.

◆ **فعالیت دوم**

- جاهای خالی زیر را پر کنید:

اسم معرفه اسمی را گویند که نزد .... و .... معلوم و معین باشد.

با دو قبله در ره توحید نتوان رفت............. یا رضای دوست باید یا............... خویشتن.

سنایی را می‌توان بنیان‌گذار شعر .... دانست.

....

- برای هر یک از خصوصیات اسم معرفه مثال‌هایی پیدا نموده و بنویسید.
- با کلمه‌های زیر، جمله بنویسید:

سیرالعباد، شاعر، شهرت، بلخ و اسم معرفه

- کلمه‌های تکراری این درس کدام‌ها اند؟
- مفهوم بیت زیر را در چند سطر بنویسید:

منشین با بدان که صحبـت بد　　　گرچه پاکی ترا پلید کند

آفتــابی بدیـــن بزرگــــی را　　　پاره یی ابر ناپدید کنـــد

....

....

....



نمونهٔ کلام سنایی را حفظ نموده و در مورد آن چند سطر در کتابچه‌های خود بنویسید.

....

....

....

درس هشتم

ملت



آسیا یک پیکر آب و گل است　　　ملت افغان در آن پیکر، دل است

علّامه اقبال لاهوری

این درس بیانگر وحدت، برادری و شجاعت ملت غیور و مسلمان افغانستان می‌باشد.

هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به نوع‌دوستی، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با صفت در متن درس است.

به نظر شما، مقصد از ملت چیست؟

هزاران سال است که در سرزمین پهناور افغانستان مردمی زنده‌گی می‌کنند که استوارتر از کوه‌ها در مقابل رنج‌ها، دشواری‌ها و حملات بیگانه‌گان ایستاده‌اند و استقلال، وحدت و آزادی خویش را حفظ کرده‌اند. ملت با ایمان افغان، مردمانی سخت‌کوش، مبارز، مؤمن، هوشمند و شجاعی‌اند، با فرهنگ و تمدن بزرگ و دیرپا. فرهنگی که آوازۀ آن از مرزها گذشته و در سراسر جهان طنین انداخته است.

در سرزمین افغانستان، اقوام گوناگون را می‌توان یافت؛ اما این اقوام دست به دست هم همچون زنجیری ناگسستنی وحدت و همبسته‌گی خود را حفظ کرده‌اند. هرگاه دشمنی قدم بر این خاک گذاشته، مردم در صفوف محکم با مردانه‌گی و جان‌فشانی و ایمان، دست دشمن را از این خاک کوتاه نمودند و آزادی و استقلال خویش را حفظ کرده‌اند. افغان‌ها را برهنه‌پایان توفان‌آفرین[1] و شیران سنگر شکن[2] نامیده‌اند. افغان‌ها در مقابل دشمن همچون شمشیر برنده و در برابر همدیگر به لطافت حریر و صمیمیت نسیم رفتار می‌کنند.

هر کس به افغانستان سفر کند، مردمی را می‌بیند که دوست، برادر و غم‌خوار همدیگراند. در غم‌ها با هم اشک می‌ریزند و در شادی‌ها با هم لبخند می‌زنند. مردمی که به علم و دانش علاقه‌مند اند و در راه پیشرفت کشور خود صادقانه و خالصانه تلاش می‌کنند.

ملت افغان، از قرآن آموخته‌اند که نفاق و اختلاف را طرد کنند و وحدت و یکپارچه‌گی را شعار و رفتار خود سازند؛ چنان‌که خداوندﷻ در قرآن کریم فرموده است:(**وَلاَ تَنَازَعُواْ فَتَفْشَلُواْ وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ**) **ترجمه:** (و با هم نزاع و اختلاف نورزید که سستی می‌آورد و اعتبار شما را می‌برد.) «سوره انفال، آیت ۴۶»

استاد خلیلی، شاعر توانمند و بزرگ کشور ما در مورد ملت ما چنین سروده است:

قوم اگر گفتم، مرادم ملت است — ملت ار گویم، اساسش وحدت است
ملت ما اندرین سخت آزمون — کرده ثابت وحدت خود را به خون
جوهر این ملت ایمان است و بس — رهبرش خورشید قرآن است و بس

ما افتخار می‌کنیم که در این سرزمین زنده‌گی می‌کنیم و می‌کوشیم تا معمار آیندۀ آن باشیم و در پرتو تعالیم اسلام، وحدت و کوشش همیشه‌گی فردای دلپذیر و زیباتری را برای کشور خود بنا کنیم.

توضیحات

۱. برهنه‌پایان توفان‌آفرین: مراد مردم نادار افغانستان است که در برابر بیگانه‌گان تجاوزگر توفان‌ها بر پا کرده‌اند.

۲. شیران سنگرشکن: مجاهدان دلیر افغان که همیشه سنگرهای تجاوز را در هم شکسته‌اند.

قواعد دستوری

◆صفت

به جمله‌های زیر دقت کنید و صفت و موصوف را در آن‌ها مشخص کنید:

- ملت غیور، مسلمان و باایمان افغان، مردمانی سخت‌کوش، مبارز، مؤمن، هوشمند و شجاع‌اند.
- این مردم در صفوف محکم با مردانه‌گی، جان‌فشانی و ایمان دست تجاوز بیگانه‌گان را شکسته‌اند.

در جمله‌های بالا کلمه‌های (افغان، ملت، مردم) موصوف و کلمه‌های (مردانه‌گی، سخت‌کوش، مبارز، مؤمن، هوشمند، شجاع، جان‌فشانی) صفت خوانده می‌شوند.

صفت آن است که حالت و چگونه‌گی اسم را بیان می‌کند. اسمی که برای صفت ذکر شده باشد، موصوف نام دارد؛ مانند: پدر مهربان، مرد جنگی و...

خلاصهٔ درس

ملت افغان از وحدت همه اقوام ساکن در افغانستان تشکیل گردیده است. افغان‌ها از دین،

عقیده، ناموس و استقلال خویش با مردانه‌گی و جان‌نثاری دفاع کرده‌اند.

ملت مسلمان افغان به علم و دانش و تعلیم و تربیت، بسیار علاقه دارند و از نفاق و اختلاف بیزار اند، چرا که دین مقدس اسلام نفاق و اختلاف را نکوهش کرده است.



◆**فعالیت اول**

- منظور از قوم در بیت زیر چیست:

قوم اگر گفتم، مرادم ملت است — ملت ار گویم، اساسش وحدت است

- اتحاد و اتفاق در آسایش مردم و شگوفایی یک کشور چه تأثیر دارد؟
- یک تن از شاگردان در مورد ملت مسلمان افغانستان سخنرانی کند.
- فکر کنید و بگویید که در متن درس کدام کلمه بیشتر ذکر گردیده است؟
- راه‌های تحکیم وحدت کدام‌ها است؟
- در جملهٔ زیر صفت را مشخص کنید:

ملت مسلمان افغانستان از اختلاف و نفاق بیزار اند.

◆**فعالیت دوم**

- نکات مهم و ارزندهٔ درس را یادداشت کنید.
- چند تن از هر گروه به نوبت متن درس را با صدای بلند بخوانند.



مفهوم شعر درس را در سه سطر خلاصه نموده، در کتابچه‌های خود بنویسید.

درس نهم

نظافت



«اَلطُّهُورُ شَطرُالایِمانَ» حضرت محمد ﷺ فرموده‌اند: «نظافت جزء ایمان است.»

در این درس در مورد اهمیت و فایدهٔ نظافت در زنده‌گی روزانه مطالبی خوبی را می‌خوانیم. هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به نظافت و پاکی، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با صفت فاعلی در متن درس است.

نظافت در شخصیت و تندرستی ما چه نقشی دارد؟

سلامتی جسم و جان از آرزوهایی است که هر انسان خواهان آن است. هر انسان دوست دارد که صحتمند، سالم و خندان باشد. یکی از راه‌های رسیدن به این آرزو، رعایت‌کردن نظافت و پاکی بدن، محیط و خانواده است. زمانی می‌توانیم از این نعمت بزرگ بهره‌مند شویم که نظافت و پاکی دهان، دندان، موی سر و صورت، بدن، لباس، پوشاک، خانه، لوازم خانه، کوچه، بازار، ده و شهر را مراعات نماییم؛ زیرا همه می‌دانیم که اساس یک جامعهٔ مترقی بر مبنای سلامت جسم و روان افراد پایه‌گذاری می‌شود و نادیده گرفتن این مسألهٔ مهم در طول تاریخ بشر، سبب خسارات جبران‌ناپذیری شده است؛ پس نباید این خسارات را بعد از این متحمل شویم؛ بلکه دست به دست هم بدهیم و به حیث افراد دانا در رعایت نظافت و پاکی خود و جامعهٔ خود کوشا باشیم، تا در آیندهٔ نزدیک یک افغانستان مترقی، پویا و متمدن داشته باشیم.

اگر خواستار سلامتی بیشتر بدن خود استیم، باید به پاکی دهان و دندان‌های خود توجه جدی نماییم؛ زیرا اهل تخصص می‌گویند: سلامتی جسم و بدن به خصوص جهاز هاضمه بسته‌گی به نظافت و پاکی دهان و دندان‌ها دارد.

باید بعد از صرف هر غذا دهان و دندان‌های خود را با مسواک یا برس، کریم و آب پاک بشوییم، با این کار از یک طرف به سلامتی دهان و دندان‌های خود کمک کرده‌ایم و از طرف دیگر از مخارج سنگین درمان دندان‌های خود جلوگیری می‌نماییم؛ زیرا دندان‌هایی که خداوند دادگر به ما عنایت فرموده، نعمتی بس بزرگ است که ما بنده‌گان پرستندهٔ خداوندﷻ باید در حفظ و سلامتی آن‌ها سخت بکوشیم؛ چنانچه در این شعر ایرج میرزا می‌خوانیم:

دریاب سحر کنار جو را — پاکیزه بشوی دست و رو را
صابونت اگر بودی میسر — بر شستن دست و رو چه بهتر
کن پاک و تمیز گوش و گردن — کاین کار ضرورت است کردن
چرکین مگذار بیخ دندان — کان وقت سخن شود نمایان
پیراهن خویش کن گزیده — هم شسته و هم اتو کشیده

از نرم و خشن هر آنچه پوشی   باید که به پاکـیش بکوشی

چون باادب و تمیز باشی

نزد همه کس عزیز باشی

ایرج میرزا



صفت فاعلی

در درس گذشته با صفت آشنا شدیم. در این درس می‌خواهیم با صفت فاعلی که نشان‌دهندهٔ حالت و چگونه‌گی فاعل است، آشنا شویم. به مثال‌های زیر توجه نمایید:

بیایید دست به دست هم بدهیم و به حیث افراد دانا در رعایت نظافت و پاکی کوشا باشیم.

دندان‌هایی را که خداوند دادگر به ما عنایت فرموده، نعمتی بس بزرگ است.

هر انسان دوست دارد که صحتمند، سالم و خندان باشد.

در جمله‌های بالا کلمه‌های (دانا، دادگر، خندان) صفت فاعلی اند.

پس صفت فاعلی را می‌توان چنین تعریف کرد:

صفت فاعلی کلمه‌یی است که بر حالت و چگونه‌گی فاعل، یعنی انجام‌دهندهٔ کاری دلالت کند؛ مانند: گوینده، بینا، پروردگار، شنوا و دادگر.

در زبان دری صفت فاعلی دارای پساوندهای زیر می‌باشد:

۱. (-َ نده) که در آخر فعل امر در آید؛ مانند: بافنده، گوینده، تابنده، پرستنده و...

۲. (- ان) که در آخر فعل امر در آید؛ مانند: خواهان، خندان، دوان، جوشان‌و...

۳. (- ا) که در آخر فعل امر در آید؛ مانند: گویا، بینا، دانا، جویا، شکیبا و...

۴. (- گار) که بیشتر در آخر فعل امر و ماضی در آید؛ مانند: آموزگار، آفریده‌گار،

کردگار، پروردگار و...

۵. (- کار) که غالباً به آخر اسم معنا می‌پیوندد؛ مانند: ستمکار، فراموش کار و...

۶. (گر) که در آخر اسم معنا می‌پیوندد؛ مانند: دادگر، ستمگر، رامش گر و...

این پسوند با اسم معنا شغل را می‌رساند؛ مانند: آهن گر، مس گر و...

۷. (- ار) که در آخر فعل ماضی در آید؛ مانند: خریدار، خواستار، برخوردار و...



اگر خواستار سلامتی بدن خود استیم، باید به پاکی دهان و دندان‌های خود توجه جدی نماییم؛ زیرا اهل تخصص می‌گویند: سلامتی جسم و بدن به خصوص جهاز هاضمه بسته‌گی به نظافت و پاکی دهان و دندان‌ها دارد.



◆ فعالیت اول

- چرا پیامبر ﷺ ما را به نظافت و پاکی امر فرموده است؟
- مفهوم اساسی ابیات ایرج میرزا را به طور خلاصه بگویید.
- خصوصیات عمدهٔ صفت فاعلی کدام‌ها اند؟ توضیح دهید.
- چرا انسان پاک و نظیف را همه دوست دارند؟



◆ فعالیت دوم

- کلمه‌های جدید درس را بیرون‌نویس کنید.
- جاهای خالی زیر را کامل کنید:

صفت فاعلی کلمه‌یی است که بر................ و............ فاعل دلالت می‌کند.

- برای کلمه‌های زیر جمله بنویسید:

۱. سلامتی ....

۲. نظافت ....

۳.دندان ....

۴.کثیف ....

به نظر شما چطور می‌توانیم محیط و جامعهٔ خود را پاک نگهداریم؟

- در مورد تصویر و بیت زیر چهار جمله بنویسید:

چون بـــاادب و تمـــیز باشی
نــــزد همه کــس عزیز باشی





کارخانگی

در مورد مفهوم حدیث مبارک حضرت محمدﷺ، شش سطر در کتابچه‌های خود بنویسید:

«اَلطُّهُورُ شَطرُالاِیمانَ» «نظافت جزء ایمان است.»

....

....

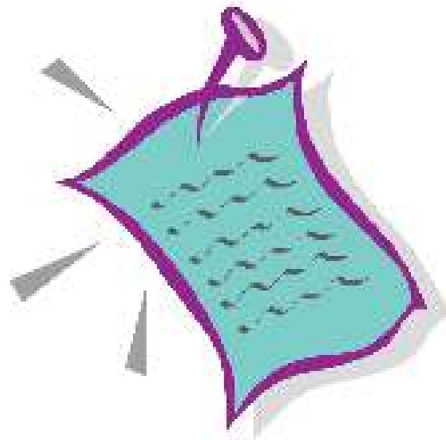
....

....

....

....

.



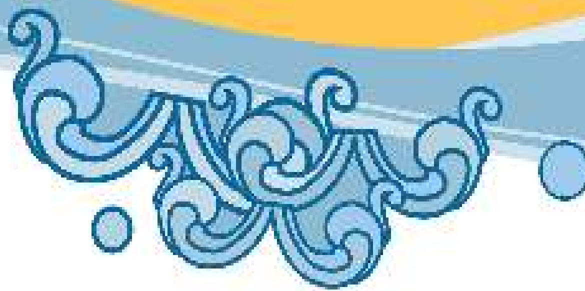
....

....

....

....

....



درس دهم

ارزش آب در زنده‌گی



در درس گذشته در مورد نظافت و پاکی چیزهایی را خواندیم و دانستیم که آب یگانه منبع پاکی و نظافت به شمار می‌رود. در این درس ارزش و اهمیت آب را در زنده‌گی می‌خوانیم. هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به درک ارزش آب، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با صفت تفضیلی در متن درس است.

اگر آب نمی‌بود چه اتفاقی می‌افتاد؟

آب برای حیات ما اهمیت زیادی دارد؛ زیرا حیات همهٔ زنده‌جان‌ها وابسته به آب می‌باشد. بدون آب زنده‌گی انسان‌ها، حیوانات و نباتات ناممکن است؛ چنانچه خداوند اقدس و توانا در قرآن کریم، پارهٔ ۱۷ سورهٔ انبیاء آیت ۳۰ در مورد اهمیت و ارزش آب در زنده‌گی فرموده است:

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاء كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ (سورهٔ انبیاء آیت.۳)

ترجمه: و هر چیز زنده‌یی را از آب پدید آوردیم؛ آیا باز هم ایمان نمی‌آورند؟

پس می‌توان گفت در هر جایی که آب جریان دارد، در آنجا باغ‌ها و کشتزارها نیز وجود دارد و حیات انسان‌ها و سایر زنده جان‌ها در آنجا خوب‌تر تأمین می‌شود؛ اما درجاهایی که آب وجود ندارد آنجا خشک و بدون کشت و سرسبزی باقی می‌ماند و زنده‌گی کردن در آنجا مشکل است؛ بنابراین گفته می‌توانیم که آب برای زنده‌گی، بزرگترین نعمت خداوندج است؛ پس نباید به آن بی‌توجه بود. در برخی از مناطق کشور ما مردم از آب دریاها، جوی‌ها، چشمه‌ها، کاریزها و چاه‌های آزاد که معمولاً با گرد و خاک و مکروب‌های مختلف آلوده می‌باشند، استفاده می‌کنند. حیوان‌ها نیز از این جوی‌ها و چشمه‌ها آب می‌خورند؛ پس مصرف این نوع آب‌ها برای آشامیدن مناسب نیست. جوش دادن آب بهترین شیوه‌یی است که آب را صحی و قابل نوشیدن می‌سازد و یا هم این‌که مطابق به هدایت کارمندان فنی صحی، ادویهٔ ضد مکروب (کلورین) را با آن علاوه نماییم تا آبی را که می‌نوشیم پاک شده و به صحت و سلامتی ما ضرر نرساند.

پس می‌توان گفت که آب برای زنده‌گی همهٔ موجودات زنده باارزش است و در حقیقت آب بخش عمدهٔ وجود زنده‌جان‌ها را تشکیل می‌دهد.

بریده شد از این جوی جهان آب — بهارا بازگرد و وارسان آب
چو باشد آب‌ها، نان‌ها برویند — برون است از زمین وآسمان آب
روان و جانت آنگه شاد گردد — کز این جا سوی تو آید روان آب

دیوان شمس

قواعد دستوری

صفت تفضیلی

جمله‌های زیر را بخوانید و بگویید که کدام قاعدهٔ دستوری در آن‌ها به کار رفته است:

۱. در هر جایی که آب جریان دارد، حیات انسان‌ها و سایر زنده‌جان‌ها در آن‌جا بهتر تأمین می‌شود.

۲. آب برای زنده‌گی همه موجودات زنده باارزشتر است.

۳. حوریه داناتر از بهرام است.

۴. گل سرخ زیباتر از گل زرد است.

۵. احمد از محمود کلانتر است.

اگر به جمله‌های بالا دقت نمایید دیده می‌شود که کلمه‌های خوبتر، با ارزش‌تر و مشکل‌تر صفت تفضیلی می‌باشند؛ پس صفت تفضیلی را می‌توان چنین تعریف کرد: صفت تفضیلی آن است که برتری یک موصوف را بر موصوف دیگر، یا برتری یک شی را بر شی دیگر نشان دهد و نشانهٔ آن (تر) است؛ مانند: خوبتر، بدتر، تازه‌تر، پژمرده‌تر، سبزتر، بلندتر، لایق‌تر، کلان‌تر و...

خلاصهٔ درس

حیات تمام زنده‌جان‌ها وابسته به آب بوده و بدون این مادهٔ ارزشمند حیاتی زنده‌گی کردن ناممکن است؛ همچنین آب یک نعمت بزرگ خداوندی است که خداوند آن را برای مخلوقات خود ارزانی نموده است.



فعالیت‌ها

◆ فعالیت اول

- در مورد مفهوم درس صحبت نمایید.
- چرا بدون آب زنده‌گی امکان‌پذیر نیست؟
- کدام کلمه‌ها در متن این درس زیاد به کار رفته است؟
- صفت تفضیلی چیست؟
- چرا باغ‌ها، مزرعه‌ها و کشتزارها بدون آب، سرسبز و شاداب بوده نمی‌توانند؟
- چگونه می‌توان آب‌های غیرصحی را صحی ساخت؟

◆ فعالیت دوم

نشانهٔ صفت تفضیلی کدام یک از کلمه‌های زیر است:

الف) ترین　　ب) برین　　ج) تر　　د) هیچکدام

- سه جمله از جملات زیبای درس را بنویسید.
- با کلمه‌های زیر جمله بسازید:

۱- ارزش ۲- حیات ۳- بهترین ۴- نظافت

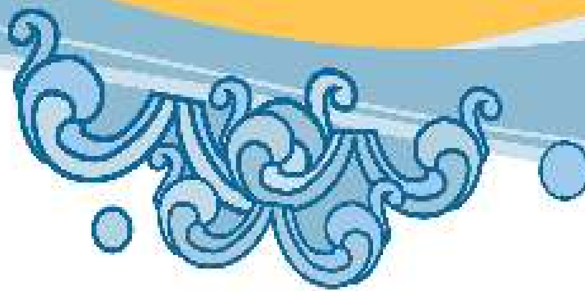
- دو جمله بنویسید که در آن صفت تفضیلی به کار رفته باشد.

متن درس را بخوانید و کلمه‌های جدید و مشکل آن را بیرون‌نویس کنید.

- متن را در گروه‌های خود بخوانید و از موضوعات مهم آن پرسش تهیه نمایید.
- شما برای صحی ساختن آب چه پیشنهادی دارید؟
- اگر برای یک انسان چند روزی آب میسر نشود، چه رخ خواهد داد؟

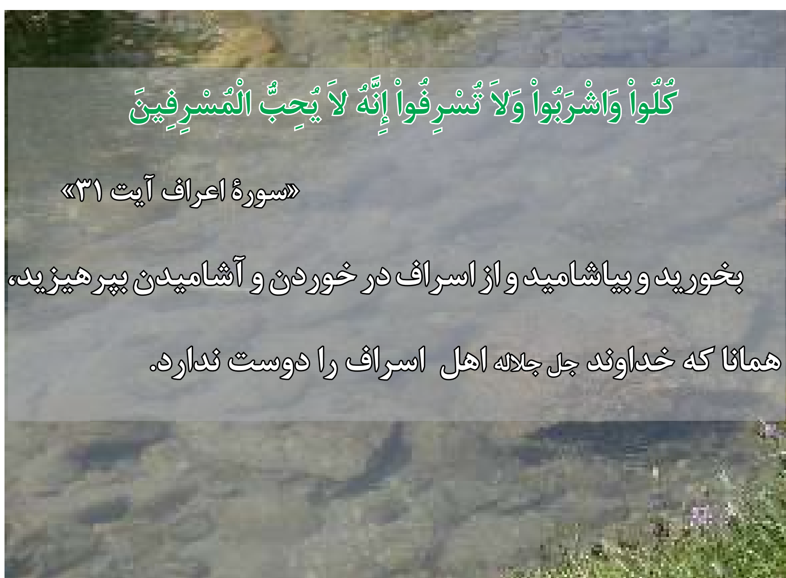
کارخانه‌گی

در مورد آب و اهمیت آن مطلبی بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.



درس یازدهم

اسراف



در این درس مطالب مفید و ارزشمندی پیرامون پرهیز از اسراف گنجانده شده است که آن‌ها را خوانده و از آن‌ها خواهیم آموخت. هدف ما توجه و ایجاد علاقه‌مندی به صرفه‌جویی، تقویت مهارت‌های اساسی زبان، مشخص کردن اسم و صفت در متن درس است.

اگر در مصرف آب، برق و دیگر چیزها صرفه‌جویی نکنیم چه می‌شود؟

چرا اسراف زشت و ناپسند است؟

برای این‌که بتوانید این پرسش پاسخ دهید؛ به مثال زیر توجه کنید. برای بارورشدن یک درخت سیب، چه مقدار انرژی آفتاب لازم است، چه مقدار آب، هوا و مواد معدنی باید مصرف شود و چه افرادی باید زحمت بکشند تا یک سیب به دست شما برسد؟

وقتی قسمتی از یک میوه را دور می‌اندازید؛ در حقیقت نتیجهٔ آن همه کار و زحمت را دور انداخته اید، علاوه بر این، انسان دیگری را از نعمت‌های خداوندﷻ محروم نموده اید و حق او را تلف کرده‌اید.

آیا راضی می‌شوید، کودکی گرسنه بخوابد و شما مقداری از غذای خود را دور بیندازید؟ یا میوه‌ها را نیم‌خورده و مصرف نشده در خاکروبه بیندازید؟ آیا راضی می‌شوید، کودکی تشنه بماند و شما آب را بیهوده تلف کنید؟ و یا کودکی با نداشتن‌قلم، کتاب، کتابچه و کاغذ، از تحصیل محروم شود و شما کاغذ و کتابچهٔ خود را بی‌جهت پاره کنید، یا نانوشته و سفید به دور بیندازید آیا سزاوار است شما بیش از مقدار احتیاج، برق مصرف کنید و دیگران به قدر کافی روشنایی و برق نداشته باشند؟ در صورتی که خداوندجل‌جلاله آب، آفتاب، خاک، هوا و نعمت‌های دیگرش را برای همه انسان‌ها آفریده است و هر انسانی باید از این نعمت‌ها بهره‌مند گردد.

پس بر ما لازم است تا از همهٔ این نعمت‌ها استفادهٔ درست و به جا نماییم، تا از یک طرف فرهنگ اسلامی و انسانی را در زنده‌گی خود نهادینه سازیم و از طرف دیگر رضایت و خوشنودی خداوندﷻ را حاصل کنیم؛ چرا که خداوندﷻ اسراف‌کننده‌گان را دوست ندارد.



قواعد دستوری

در درس‌های گذشته با اسم و صفت آشنا شدید؛ اکنون به پرسش‌های زیر پاسخ داده و اسم و صفت آن‌ها را مشخص کنید:

- دین مقدس اسلام، اسراف را چگونه عملی می‌داند؟
- در مورد استفادهٔ بیجا و بی‌مورد از برق چه نظر دارید؟
- اگر ما هر چیز را به قدر ضرورت مصرف کنیم، چه اتفاقی می‌افتد؟

خلاصهٔ درس

در این درس آموختیم که باید از هر نعمتی که خدای تعالی به ما عطا کرده است، بهترین استفاده را بکنیم و در بهره بردن از آن‌ها زیاده‌روی و اسراف نکنیم، تا همه ساکنان کرهٔ خاکی بتوانند از نعمت‌های خدادادی بهره ببرند. نعمت‌هایی که تنها به خوراک و پوشاک محدود نمی‌شوند؛ بلکه تمام امکانات مادی و معنوی را شامل می‌گردند.

فعالیت‌ها

◆ فعالیت اول

- چرا باید در مصرف خوراکه‌ها و آب اسراف نکنیم؟
- آیا درست است که با اسراف نمودن، حق دیگران را تلف کنیم؟
- خداوند (جل‌جلاله) در مورد اسراف‌کننده‌گان چه فرموده‌است؟
- کی می‌خواهد در مورد پیام درس صحبت‌کند؟

◆ فعالیت دوم

- از هر گروه یک شاگرد متن درس را با صدای بلند بخواند؛ طوری که در زمان خواندن یک گروه، گروه‌های دیگر با دقت تمام گوش داده و در مورد تلفظ درست کلمه‌ها نظر دهند.

- کلمه‌های جدید درس را در کتابچه‌های خود بنویسید.
- یک یک شاگرد از هر گروه کلمهٔ اسراف را روی تخته در جمله‌های مختلف به کار ببرند.

جاهای خالی زیر را پر کنید:

در صورتی که خداوند (جل جلاله) آب،................، خاک،................ و نعمت‌های................ را برای همه انسان‌ها .... است و هر انسانی باید از .... بهره‌مند گردد.

....

....

....

....



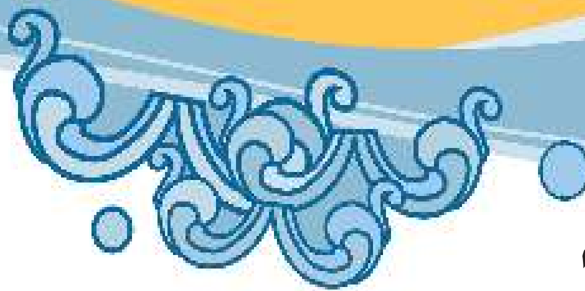
چند کلمهٔ جدید را از متن درس انتخاب، در جمله‌ها به کار برده و در کتابچه‌های خود بنویسید.

....

....

....

....



درس دوازدهم

رقعه‌نویسی



مکتب جای آموختن علم و دانش است. احترام به معلمان و هم‌صنفان، رویهٔ نیک، رعایت نظم و پاکی و نظافت بدن، لباس و موی سر، خوب نگهداری از کتاب، کتابچه و دیگر ضروریات مکتب، داشتن حاضری منظم، فرستادن رقعه در هنگام ضرورت یا هم مریضی، همه و همه وظیفهٔ هر شاگرد مکتب است که باید آن‌ها را رعایت کند.

هدف ما از این درس، ایجاد علاقه‌مندی به نامه‌نگاری و نوشتن رقعه در موقع ضرورت، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و مشخص کردن اسم‌های عام و خاص در متن درس است.

اگر بخواهید رقعه بنویسید، چگونه می‌نویسید؟

به مدیریت محترم لیسهٔ استقلال!

من احمد فرزند محمود متعلم صنف هفتم «الف» نسبت مریضی‌یی که شامل حالم گردیده است نمی‌توانم به دروس خویش حاضر گردم.

امید است از جملهٔ غیر حاضران شمرده نشوم.

با احترام

امضا............

به مدیریت محترم لیسهٔ رابعهٔ بلخی!

من فرزانه فرزند فرهاد متعلم صنف هفتم «ب» نسبت کار ضروری که برایم پیش آمده است، نمی‌توانم به مکتب حاضر شوم.

آرزومندم تا عذر بنده را بپذیرید.

با احترام

امضا............



قواعد دستوری

اسم خاص و عام

شما در درس‌های قبلی با اسم خاص و عام آشنا شدید، حال در مثال‌های زیر اسم‌های خاص و عام را مشخص کنید:

- من احمد فرزند محمود متعلم صنف هفتم نسبت مریضی نمی‌توانم به دروس خویش حاضر گردم.
- به مدیریت محترم لیسه رابعۀ بلخی
- من فرزانه فرزند فرهاد.....

خلاصۀ درس

برای این که اداره‌ٔ مکتب را از حال و احوال خود باخبر سازیم، نیاز است تا نوشتن رقعه را فرا بگیریم تا در مواقع ضرورت و یا مریضی، مشکلی در نوشتن آن نداشته باشیم و از طرف دیگر فراگیری نامه‌نگاری به تقویت املا و انشای ما کمک می‌کند.

فعالیت‌ها

◆ فعالیت اول

- چرا رقعه می‌نویسیم؟
- اگر بدون نوشتن رقعه، غیر حاضری نماییم، چه خواهد شد؟
- یک تن از شاگردان اسم عام و خاص را تعریف نماید و یک تن دیگر برای آن مثال بدهد.

◆ فعالیت دوم

- یک شاگرد از هر گروه، متن درس را با صدای بلند و بخواند و کلمه‌ها را درست تلفظ کند.
- گروه‌ها در مورد نوشتن رقعه و اهمیت آن در پابندی به قوانین مکتب بحث نمایند و نتیجه را از هر گروه یک شاگرد به دیگران بیان کند.
- جمله های زیر را در کتابچه های تان بنویسید جاهای خالی آن را پر کنید:

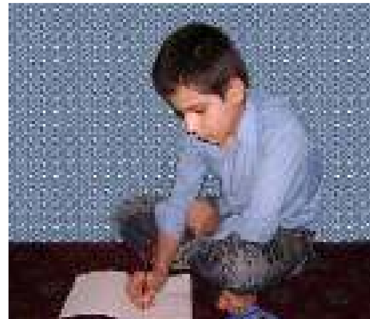
به...............محترم لیسه................

من...............فرزند.................متعلم صنف................نسبت................نمی توانم

به.........................خویش................گردم.

.....................غیر حاضر...................نشوم.

- کلمه‌های جدید متن درس را در جمله‌های مناسب به کار ببرید.

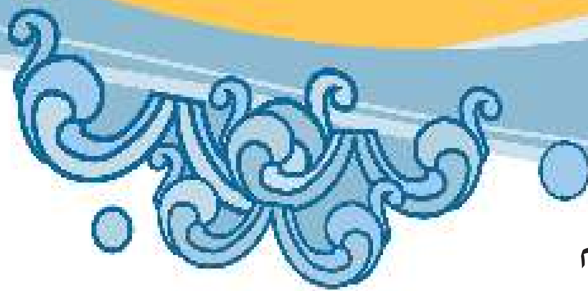




- در گروه‌های کوچک تنظیم شوید و برای هر گروه یک نماینده انتخاب کنید؛ سپس برداشت تان را از متن درس در سه جمله بنویسید، طوری که وظیفۀ نوشتن را به عهدۀ یکی از اعضای گروه بگذارید و در آخر نمایندۀ هر گروه نوشتۀ خود را با آواز بلند و مناسب بخواند.



هر کدام از شاگردان متن رقعۀ مریضی و رخصتی را درکتابچه‌های خود بنویسد.



درس سیزدهم

میرغیاث‌الدین غیاثی



میرغیاث‌الدین غیاثی یکی از شاعران قرن دوازدهم هـ.ق. سرزمین ما است که در این درس با زنده‌گی، تحصیل، آثار، سبک و شعری او آشنا خواهیم شد. هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به شاعران و نویسنده‌گان ادبیات فارسی دری، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با صفت مفعولی در متن درس است.

میرغیاث‌الدین غیاثی از کجا بود؟

مولانا میر غیاث‌الدین غیاثی از جملهٔ علما، نویسنده‌گان و شعرای عارف شناخته شدهٔ کشور ما است. او در روستای حصارک ولسوالی جُرم ولایت بدخشان درسال ۱۱۱۷ هـ . ق. زاده شد. پدرش میر سید میرک، برادر علی همدانی، عارف مشهور است.

غیاثی آموزش‌های ابتدایی را در زادگاهش نزد خانواده‌اش فراگرفت و در ۱۴ ساله‌گی به غرض تحصیل علم به هندوستان سفر کرد و در آنجا به فراگیری علوم فقه، تفسیر، حدیث، ادبیات عربی و فارسی پرداخت و به درجهٔ مولوی رسید.

غیاثی بعد از ختم دورهٔ تحصیل در شهر لاهور به خدمت مرشدان بزرگ رسید، به سیر و سلوک روحی پرداخت و به مرتبهٔ ارشاد و بزرگی نایل گردید. وی پس از ۳۰ سال دوری از وطن، در ۴۴ ساله‌گی به جرم بدخشان برگشت، اساس مدرسه و خانقاهی را در آنجا گذاشت. به تدریس علوم دینی و ارشاد مریدان و عاشقان الهی پرداخت و بیشتر از چهار صد مرید و شاگرد از کشورهای مختلف جهان؛ چون: هند، عربستان و آسیای میانه در محضر غیاثی مشغول آموزش و پرورش بوده اند که میریوسف از امیرزاده‌گان بلخ، شهباز از کاشغر و حضرت خلیفه صاحب از جرم بدخشان از شمار مریدان مشهور وی بودند.

غیاثی در هنگام تحصیل به سرودن شعر پرداخت و موضوعات شعرهای او را بیشتر مسایل دینی، عرفانی و اجتماعی تشکیل می‌دهد. او در دیوان خویش به مدح آفریده‌گار هستی، پیامبر اکرم ﷺ، امامان دینی و به خصوص شاه معصوم ثانی مرشد خود پرداخته است.

وی اشعار خود را در قالب‌های قصیده[۱]، غزل[۲]، رباعی[۳] و مثنوی[۴] سروده و دیوانش در شهر پیشاور به چاپ رسیده است.

بالاخره غیاثی در سال ۱۱۸۲ هـ.ق. در فیض‌آباد بدخشان وفات کرد و در جوار مسجدی که به نام وی شهرت داشت دفن شده است.

نمونهٔ سخن

لاف زنــی که عــاشقم، دیــدهٔ اشکــبار کــو؟
سوزش جان و دل کجا؟سینهٔ پرشرار کــو؟
ای که ز سیر عشق او، زخم به سینه خوردهیی
در دل شــب ز درد آن، گــریهٔ زار زار کــو؟
گــر تو شــه طــریقتــی، خضــر ره حقیقتــی
قــلب ز ما ســوا بری، باطــن بی‌غبــار کــو؟
نیست ترا اگر به دل، مــیل به جیفهٔ جهــان
مال و مــتاع جان و دل، در رهٔ حق نثار کــو؟
مــرگ رســید بر سرت، نیست هــنوز باورت
بهــر نجــات آخرت، فکــر کــجا و کار کــو؟
گر به مثل شهنشهی، گشته جهان مسخرت
عمــر مخلــدی کــجا، دولــت پایــدار کــو؟
دبدبهٔ کــیان چه شد، دغدغهٔ شهان چه شد
جاه و جلال وسلطنت، این همه گیر و دارکــو؟
گــر تو غیاثــی عارفــی، از ره فقــر واقفــی
عاجزی و شکسته‌گی، پستی و انکسار کو؟



۱. **قصیده:** نوع شعری است که بر یک وزن و قافیه در مورد یک موضوع معین سروده می‌شود و تعداد بیت‌های آن معمولاً بیشتر از ۱۳ بیت بوده و تا ۳۰۰ بیت می‌رسد.

۲. **غزل:** شعری است بر یک وزن و قافیه با مطلع مصرع که حد معمول بیت‌های آن

پنج تا دوازده بیت می‌باشد.

۳. **رباعی:** قالب شعرهایی را گویند که از چهار مصراع تشکیل شده و قافیه در هر دو مصراع بیت اول و مصراع چهارم آن رعایت شود.

۴. **مثنوی:** شعری است که هر بیت آن دارای قافیۀ مستقل باشد.

قواعد دستوری

◆ صفت مفعولی

جمله‌های زیر را بخوانید و بگویید که صفت مفعولی آن کدام‌ها اند:

- غیاثی از شمار نویسنده‌گان و شعرای شناخته شدۀ کشور است.
- بلخی، شهباز و خلیفه صاحب از شمار مریدان مشهور وی بوده اند.
- او در دیوان خویش به مدح آفریده‌گار هستی... پرداخته است.
- وی اشعار خود را در قالب‌های قصیده، غزل و رباعی سروده است.

در جمله‌های بالا کلمه‌های (شناخته، بوده، پرداخته و سروده) صفت مفعولی‌اند که می‌توان آن را چنین تعریف کرد:

صفت مفعولی، صفتی است که بر چگونه‌گی مفعول؛ یعنی موجود که کار برروی آن واقع شده دلالت می‌کند، که با حذف (ن) مصدری از پایان اسم فعل و اضافه نمودن (هـ) غیر ملفوظ ساخته می‌شود؛ مانند: دست شکسته، در بسته، سخن گفته، گل شگفته که (شکسته، بسته، گفته و شگفته) صفت مفعولی استند.

خلاصۀ درس

غیاثی از جملۀ شاعران و نویسنده‌گان قرن دوازدهم است که در ولایت بدخشان در سال ۱۱۱۷هـ . ق. زاده شده است، درس‌های ابتدایی خود را در زادگاهش به اتمام رسانده؛ سپس غرض تحصیل به هندوستان سفر کرد و به فراگیری علوم مختلف پرداخت؛

بعد از مدت زیادی دوری از وطن در سن ۴۴ ساله‌گی به سرزمین خویش بازگشت و به تدریس و ارشاد پرداخت.

او در هنگام تحصیل به سرودن شعر نیز دست یافت و اشعار او را مسایلی چون باورهای دینی، عرفانی و اجتماعی تشکیل داده است. وی بالاخره در سال ۱۱۸۲هـ. ق. در فیض آباد بدخشان وفات کرد.



◆ فعالیت اول

غیاثی در کدام یکی از این ولایت‌های زیر به دنیا آمده است؟

الف) بغلان　　　　ب) کابل

ج) غزنی　　　　د) بدخشان

- غیاثی را به شکل مختصر معرفی نمایید.
- غیاثی در کدام قالب‌ها، شعر سروده و کدام موضوعات را بیان کرده است؟
- درگروه‌ها در مورد بیت زیر گفتگو نموده و نمایندۀ هر گروه نتیجه را بیان کند:

مرگ رسید بر سرت، نیست هنوز باورت
بهر نجات آخرت، فکر کجا و کار کو؟

◆ فعالیت دوم

- کلمه‌هایی را که به شکل مکرر در متن درس تکرار شده است یادداشت کنید.
- سه جمله بنویسید که در آن صفت مفعولی به کار رفته باشد.

- با کلمه‌های زیر جمله بسازید:

۱. صفت مفعولی

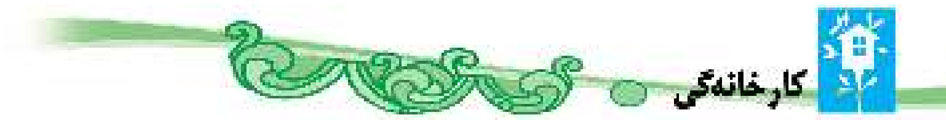
۲. شاعران

۳. تحصیل

۴. شعر

جدول زیر را در کتابچه های تان نوشته بعد، مطابق هدایت، کامل کنید:

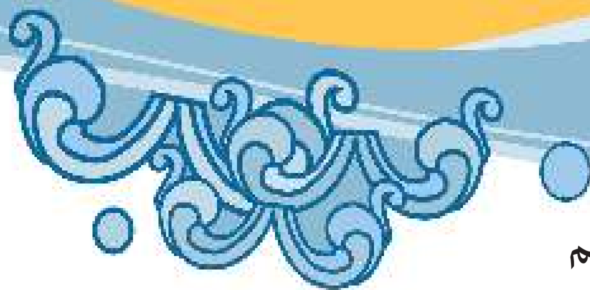
صفت مفعولی کلمه‌های داده شده را بنویسید.		**اسم فعل صفت‌های داده شده را بنویسید.**	
اسم فعل	صفت مفعولی	اسم فعل	صفت مفعولی
شکستن	شکسته	خوردن	خورده
بستن			نوشیده
گفتن			پریده
سرودن			ستوده
پیوستن			شناخته
نوشتن			ربوده
کردن			شده
بردن			نشسته



در مورد سه بیت اول نمونهٔ کلام غیاثی، در کتابچه‌های خود چند سطر بنویسید.

....

....



درس چهاردهم

فولکلور



در این درس در مورد فولکلور مطالبی را می‌خوانیم و می‌آموزیم و با ادبیات عامیانهٔ سرزمین ما آشنا می‌شویم. هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به ادبیات عامیانه، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با صفت عالی است.

چیستان به گونهٔ نثر بیان می‌گردد یا نظم؟

آیا تا به حال چیستان شنیده اید؟

مراد از فولکلور یا فرهنگ عامیانه مجموعهٔ آداب، رسوم، افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها، چیستان‌ها، اساطیر، سحر و جادو، طب عامیانه، اعتقادات و سنت‌ها در بارهٔ تولد، مرگ و ازدواج، پیشگویی‌ها و مانند آن‌هاست.

فولکلور کلمهٔ آلمانی است که معادل آن، در زبان دری فرهنگ، فرهنگ مردم یا فرهنگ و دانش توده گفته شده است.

برای نخستین بار برخی آثار فولکلوری در اواسط قرن ۱۹ در آلمان به ثبت رسیده اند که از آن جمله اثر معروف ادبیات عامیانهٔ آلمان تحت نام افسانه‌های پریان گردآوری و نشر شد. بعد از آن ثبت ادبیات عامیانه در تمام مؤسسات فرهنگی و ادبی جهان به خصوص در اروپا رواج یافت.

نخستین بار درکشور ما افغانستان نشر مطالبی از ادبیات عامیانه در صفحات سراج‌الاخبار در زمان امیر حبیب‌الله‌خان(۱۲۸۰-۱۲۹۸هـ . ش.) آغاز شد که بیشترین موضوعات آن شامل چیستان، دوبیتی، ترانه‌های ملی و محلی و... بود. بعدها آهسته‌آهسته در مطبوعات و نهادهای علمی، راه خود را باز کرد.

در این درس از گونه‌های فولکلور یا فرهنگ عامیانهٔ سرزمین ما چیستان را انتخاب کرده‌ایم که با آن آشنا می‌شویم و جالب‌ترین نمونه‌های آن را می‌خوانیم.

چیستان: (چیست آن) یک جملهٔ کوتاه و یا نظمی است که در آن بعضی از خواص، علایم، اوصاف و خصوصیات یک شخص یا یک چیز به شکل سخن سربسته یا غیر مستقیم بیان می‌شود.

قدیمی‌ترین نوع چیستان در ادبیات دری به شکل منظوم بوده است که در آن هنگام، به نام‌های مُعَما و لُغَز خوانده شده است. اگر به طریق سؤال(چیست آن) گفته شود آن را چیستان می‌گویند، در غیر آن مُعَما و لُغَز گفته می‌شود که به دو شکل نظم و نثر بیان شده است.



مثال:

۱. آن جرم پاک چیست چو ارواح انبیا
چون روح پرلطافت و چون عقل باصفا
گه خوار و گه عزیز و گهی پست و گه بلند
گه تیره، گاه صافی و گه درد و گه دوا آب

۲. یکی اسپی عجیب دیدم که شش پا و دو سم دارد
عجایب‌تر از آن بشنو میان پشت دم دارد. ترازو

۳. قدش به قلم ماند و بویش به صنوبر
شش ناک تُنگ دارد و یک کاسه مزعفر گل نرگس

۴. برگ سبز چمنی، ورق ورق می‌شکنی. کاهو

۵. چیست آن‌که سه بازیگر و دوازده تماشاچی دارد؟ ساعت

۶. آن چیست که در بحر یکی و در دریا دوتا است؟ نقطه

۷. آن چیست که در کابل چهار، در پروان پنج، در کندهار شش و در مزار شریف هشت تاست؟ حرف



قواعد دستوری

◆ صفت عالی

در درس گذشته صفت مفعولی را خواندیم؛ حالا با صفت عالی آشنا می‌شویم. به جمله‌های زیر توجه کنید:

قدیمی‌ترین نوع چیستان در ادبیات دری به شکل منظوم بوده است.

جالب‌ترین نمونه‌های آن را می‌خوانیم.

بیشترین موضوعات سراج الاخبار را چیستان‌ها، دوبیتی‌ها و... تشکیل می‌داد.

در جمله‌های بالا کلمه‌های (بیشترین، قدیمی‌ترین و جالب‌ترین) صفت عالی اند.

صفت عالی برتری یک موصوف را بر تمام موصوف‌های دیگر که دارای صفت مشترک باشند نشان می‌دهد و علامت آن «ترین» است که در آخر صفت ساده اضافه می‌شود؛ مانند:

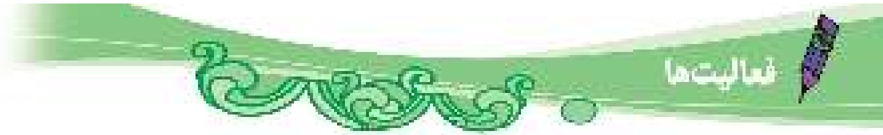
زیبا	ترین	زیباترین
بیش	ترین	بیشترین
قدیمی	ترین	قدیمی ترین
جالب	ترین	جالب ترین
بزرگ	ترین	بزرگترین

خلاصهٔ درس

فولکلور کلمهٔ آلمانی است و معادل آن در زبان دری فرهنگ مردم است که مجموعهٔ آداب، رسوم، افسانه‌ها، چیستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و... می‌باشد.

در افغانستان مطالبی در بارهٔ فولکلور بار اول در جریدهٔ سراج الاخبار در زمان حکومت امیر حبیب الله خان به نشر رسید. چیستان یک جملهٔ کوتاه و یا نظمی است که

خواص، علایم، اوصاف و خصوصیات یک شخص یا یک چیز به شکل سخن سربسته یا غیر مستقیم بیان می‌شود.



◆ فعالیت اول

کلمهٔ فولکلور مربوط کدام یک از زبان‌های زیر است؟

الف) دری　　　　ب) فرانسوی

ج) آلمانی　　　　د) روسی

- در کشور ما افغانستان نشر مطالبی در بارهٔ فولکلور در کدام جریده و در زمان کدام پادشاه آغاز شد؟
- فولکلور در برگیرندهٔ کدام موضوعات است؟
- از هر گروه یک چیستان نو بگویید.

◆ فعالیت دوم

- در هر گروه یک چیستان را انتخاب کرده، در مورد مفهوم آن با همدیگر بحث کنید و نتیجه را در آخر یک تن به نمایندهگی از هر گروه به دیگران بیان کنند.
- چیستان‌ها را در کتابچهٔ خود بنویسید.
- کلمه‌های زیر را در جمله به کار ببرید:

۱. اساطیر

۲. رسوم



جدول زیر را حل کنید:

۱. عنوان همین درس

۲. جمع رسم، مجموعهٔ آداب و رواج‌ها

۳. کشوری که در شمال‌شرق افغانستان و هم‌مرز با ولایت بدخشان است.

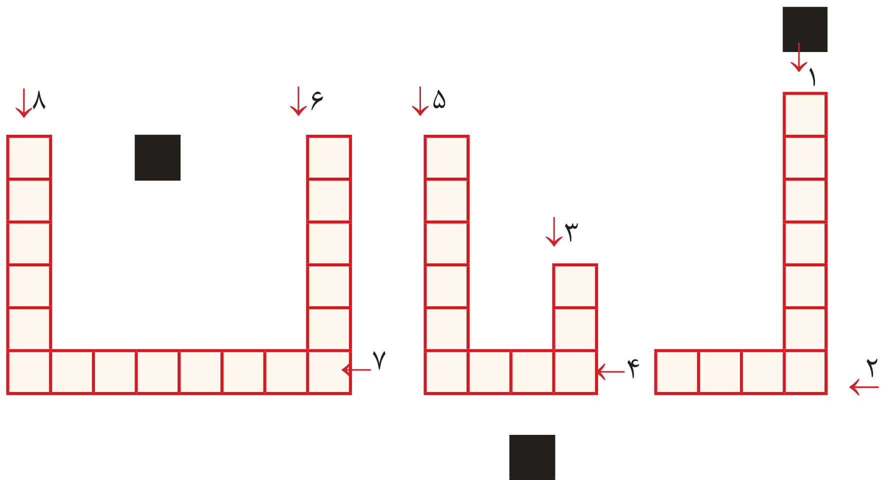
۴. منسوب به آهوی ختن است که مشک آن معروف است.

۵. جزء ادبیات فولکلور

۶. برگزیدن کسی یا چیزی را گویند.

۷. کتاب مشهور نورالدین عبدالرحمن جامی.

۸. به آن سخن سربسته، لُغَز و مُعما نیز می‌گویند.





هر کدام از شاگردان سه چیستان نو در کتابچه‌های خود بنویسند.

درس پانزدهم

زبان دری



گرچه هندی در عُذوبَت شکر است
طرز گفتار دری شیرین‌تر است
علامه اقبال

تاریخ دیرینه و کهن زبان و ادبیات فارسی دری را در این درس به طور خلاصه می‌خوانیم، مطالب مفید و سودمندی را از درس آموخته و نکات مهم و ارزندهٔ آن را به خاطر می‌سپاریم. هدف ما ایجاد علاقه‌مندی به زبان شیرین و دلپذیر فارسی دری، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با صفت نسبتی در متن درس است.

- آیا فرقی میان دری و فارسی وجود دارد؟

زبان شیرین و دلپذیر دری، زبان نیاکان ماست. زبان شاعران و نویسنده‌گانی که جاودانه‌ترین آثار را آفریده، ادبیات، علوم و فنون را با این زبان شیوا و رسا به جهانیان عرضه کرده‌اند.

خاستگاه یا محل پیدایش زبان دری کجاست؟ به درستی نمی‌توان گفت؛ اما گفته‌اند نخست در خراسان بزرگ (بلخ، بخارا، سمرقند و خجند) به دنبالهٔ زبان پهلوی از ترکیب زبان‌های سغدی، خوارزمی و تخاری به میان آمده است و از آن جا به سرزمین‌های دیگر راه یافته است.

زبان دری، فارسی و تاجکی در واقع یک زبانی است که اکنون این زبان در افغانستان به نام زبان دری، در ایران به نام زبان فارسی و در تاجیکستان به نام زبان تاجیکی شهرت دارد.

زبان فارسی دری در گذشته دارای یک قلمرو بود و کشورها و نام‌های امروز آن با دیروز نیز تفاوت دارد. قسمتی از افغانستان را خراسان، ایران را فارس، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان را ماوراءالنهر یا پاردریا می‌نامیدند. در متون نظم و نثر قدیم هر جایی که کلمهٔ ایران ذکر شده، مراد از آن، اکثر مناطق یادشده است. دولت ایران در سال ۱۹۳۵م. از دنیا خواست تا نام این کشور را در نوشته‌های خود از پارس به ایران تغییر دهند.

زادگاه اصلی زبان دری یا فارسی با توجه به شواهد تاریخی مناطقی است که بیشتر در افغانستان امروز قرار دارد. این زبان یکی از دو زبان رسمی‌کشور ما است. و زبان رسمی کشورهای ایران و تاجکستان نیز می‌باشد. زبان دری علاوه بر کشورهای یادشده در مناطقی از ازبکستان و ترکمنستان نیز رواج دارد و برخی از مردم درکشورهای پاکستان، هند، عراق و دیگر سرزمین‌ها با آن آشنایی دارند.

وقتی دیوان شاعران بزرگ افغانستان و ایران را مطالعه می‌کنیم، مثنوی‌های پرشور، غزل‌های دلنشین، قصاید بلند و پرشکوه و آثار ارزشمند ادبی؛ مانند: مثنوی معنوی مولانا، قصاید ناصر خسرو، حدیقهٔ سنایی، بوستان و گلستان سعدی، غزل‌های حافظ، شاهنامهٔ فردوسی، غزلیات بیدل و... همه و همه با این زبان سروده شده اند.

زبان دری آنقدر زیبا است که شاعران صدای کبک کوهستان، نغمهٔ روح‌پرور

بلبل، آواز موج دریا و نسیم صبحگاهی را به آن تشبیه کرده اند. این زبان یکی از زبان‌های زندۀ دنیاست؛ زبانی که ابوعلی سینا و خواجه عبدالله انصاری با آن سخن گفته اند، زبان نیایش‌هـا، مناجات‌هـا، حکمت‌ها و کتب علمی ما اسـت. این زبان میـراث گرانقدر و از افتخارات سـرزمین ما به شـما می‌رود که باید آن را بیاموزیم و آثار گرانقدری که به این زبان نوشته شده را بشناسیم و از آن‌ها استفاده کنیم؛ چنان‌که شاعران زیادی کلمۀ دری را در اشعار خود به کار برده اند:

من آنم که در پای خوکان نریزم   مـر ایـن قیمتی دُر لفـظ دری را

*** ناصرخسرو

هزار بلبل دستانسرای عاشق را   بباید از تو سخن گفتن دری آموخت

*** سعدی

یکی تازه کن قصـۀ زردهـشت   به نظم دری و بـه خـط درشـت

فردوسی



قواعد دستوری

◆صفت نسبتی

به جمله‌های زیر توجه نموده و فکر کنید که چه نوع صفتی در آن‌ها به کار رفته است؟

- این زبان یکی از دو زبان رسمی‌کشور ما است.
- در تاجیکستان به نام زبان تاجیکی یاد می‌شود.

در جمله‌های بالا کلمه‌های (تاجیکی و رسمی) صفت نسبتی اند.

صفت نسبتی آن است که کسی یا چیزی را به چیزی یا جایی نسبت دهد و نشانه‌های آن عبارت اند: (ی، ین، ینه، انه، ه) که در آخر اسم افزوده می‌شوند؛ مانند:

ی: فولادی، گلابی، هراتی و...

ین: زرین، آتشین، دیرین و...

ینه: سبزینه، دوشینه، دیرینه و...

انه: دلیرانه، مردانه، عاقلانه و...

ه: دو روزه، سده، دهه و...





زبان دری، فارسی و تاجکی در واقع یک زبان است، که در افغانستان به نام دری، در ایران به نام فارسی و در تاجیکستان به نام تاجیکی یاد می‌شود. در قدیم افغانستان را به نام خراسان ، ایران را به نام پارس یا فارس تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان را به نام ماوراءالنهر یا پاردریا یاد می‌کردند.

زبان فارسی دری یکی از دو زبان رسمی‌کشور ما و از جملهٔ زبان‌های زندهٔ دنیا است.



◆فعالیت اول

- مردمان کدام کشورهای زیر به زبان فارسی دری تکلم می‌کنند:

الف- تاجیکستان ب- ایران ج- افغانستان د- هر سه

- خراسان، فارس و ماوراءالنهر یا پاردریا، در قدیم نام کدام کشورها بود؟
- شاگردان در گروه‌های خود، زیباترین کلمهٔ متن درس را انتخاب؛ سپس یک تن به نماینده‌گی گروه خود، کلمهٔ مورد نظر را به دیگران بگوید.
- یک تن از هرگروه مفهوم درس را به زبان ساده بیان و صفت نسبتی را در متن درس مشخص کند.

◆فعالیت دوم

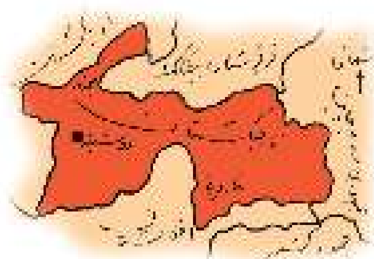
- کلمه‌های جدید و مشکل درس را یادداشت کنید.
- از هر گروه دو تن متن درس را با صدای بلند بخوانید و کلمه‌ها را درست تلفظ کنید.
- متن درس را املا بنویسید و صفت‌های نسبتی آن را نشانی کنید.

- کلمه‌های زیر را در جمله به کار ببرید:

شیوا، پاردریا، قلمرو و عرضه

- در مورد هر یک از تصویرهای زیر سه سطر بنویسید که با متن درس ارتباط داشته باشد:


افغانستان


تاجیکستان


ایران



در مورد زبان‌های رسمی کشور یک مقاله تحریر کنید.

درس شانزدهم

زیب‌النسا مخفی



دختر شاهم و لیکن رو به فقر آورده ام
زیب و زینت بس همینم نام من زیب‌النساست

در این درس در مورد زیب‌النسا مخفی شاعر دری‌زبان، نمونهٔ کلام، زادگاه و موضوعات شعری او مطالبی را می‌خوانیم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با شاعران دری‌گوی، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با ضمیر در متن درس است.
آیا تا به حال نام زیب‌النسا مخفی را شنیده اید؟

زیب‌النسا بیگم متخلص به مخفی یکی از زنان شاعر و معروف زبان و ادب فارسی دری است. او در سال ۱۰۴۸ هـ. ق. در هندوستان به دنیا آمد. پدرش اورنگ‌زیب از پادشاهان بزرگ سلسلهٔ گورگانیهٔ[۱] هند است.

مخفی آموزش‌های نخستین را از محضر بانو حافظه مریم فرا گرفت و قرآن کریم را حفظ کرد؛ سپس نزد ملا سید اشرف مازندرانی به آموزش ادبیات فارسی دری، عربی و تمرین خط پرداخت و نگارش انواع خط فارسی دری را به وجه نیکو فرا گرفت.

زیب‌النسا در بیست و یک ساله‌گی به شعرگویی آغاز کرد و واژهٔ «مخفی» را به عنوان تخلص شعری خود گزید، او در قصر خویش کتابخانهٔ بزرگی داشت و آن را به دسترس علاقه‌مندان قرار می‌داد. او همواره علما و شعرا را با دادن جوایز تشویق می‌کرد که به همت و حمایت وی کتب متعددی از سوی دانشمندان علوم، انشا و تألیف شده است.

مخفی با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو شد؛ چنان‌که شعر گفتن را از پدرش پنهان می‌کرد و مدتی هم مورد سرزنش او قرار گرفت. مخفی در قفس طلایی دربار با سرایش شعر تسلی خاطر می‌نمود و حتی تا پایان عمر مجرد زنده‌گی کرد و هرگز همسری به خود انتخاب نکرد. مخفی شاعر مدیحه‌سرا و نهایت هوشمند و بااستعداد بود. در مشاعره‌ها و بدیهه‌گویی از دیگران پیشی می‌گرفت؛ چنان‌که روزی خادمش که چینی نام داشت آیینهٔ نفیسی را نزد او می‌آورد که اتفاقاً آیینه بر زمین می‌افتد و می‌شکند و می‌گوید:

«از قضا آیینه را چینی شکست» و زیب‌النسا فوراً پاسخ می‌دهد:

«خوب شد اسباب خودبینی شکست»

مخفی در اشعار خویش از شعرای متعددی پیروی نموده؛ ولی بیشتر از همه به حافظ و سبک شعری او تمایل و گرایش نشان داده است. او در اشعار خود به داستان‌های عاشقانهٔ لیلی و مجنون و فرهاد و شیرین اشاره‌های مکرر داشته و از داستان یوسف و زلیخا بارها یاد کرده است، اشعار مخفی بیشتر محتوای عاشقانه داشته و گاهی هم، رنگ عارفانه را به خود گرفته است.

مجموع اشعار او به بیش از چهار هزار بیت می‌رسد که در قالب‌های مختلف شعر ارائه

شده است. او در سن ۶۵ ساله‌گی در شاه‌جهان آباد(دهلی) وفات کرده است.

نمونهٔ سخن

بی‌شبنم رویت به چمن نشو و نما هیچ
بی‌پـرتو رویت به رخ شمس ضیا هیچ
روزی کـه مـحیط کـرمت مـوج برآرد
بر موجهٔ هر موجه دو صد کوه خطا هیچ
گـر خون جگـر در رهت از دیده بریزد
بی‌حسن قبولت ز سمک تا به سما هیچ
بی‌روی تو کونین به یـک جو نسـتانیم
بی‌جلوهٔ حسن تو مرا هر دو سرا هیچ
رفتیـم از این غمـکده و جـز غـم ایام
در بدرقهٔ خویش ندیدم به قفا هیچ
مخفی به فغان کوش که در گلشن مقصود
بی‌زمزمهٔ مرغ چمن ساز و نوا هیچ

***

نه هر سر، تاج و تخت سروری یافت
نه هـر اسـکندری پیغمـبری یافـت
نه هر جـامی جهان‌بین جهان شد
نـه هـر آیینـه‌یی اسکندری یافت
نه در هر چشمه‌یی آب حیات است
نه هر خضری در این ره، رهبری یافت



۱. **چینی** نام کنیز زیب‌النسا مخفی بود.



◆ **ضمیر**

در درس‌های گذشته با صفت و انواع آن آشنا شدیم؛ حال در این درس می‌خواهیم بدانیم که ضمیر چیست و موارد کاربرد آن کدام‌ها است.

به جمله‌های زیر دقت کنید:

۱. مخفی در اشعار خود به داستان‌های عاشقانهٔ لیلی و مجنون اشاره‌های مکرر داشته است.

۲. او در سال ۱۰۴۸ هـ ق. در هندوستان به دنیا آمد.

۳. **دختر شـاهم و لیکن رو به فقر آورده ام**
زیب و زینت بس همینم نام من زیب‌النساست

۴. **بی‌روی تو کونین به یک جو نستانیم**
بی‌جلوهٔ حسن تو مرا هر دو سرا هیچ

در جمله‌های بالا، کلمه‌های او، خود، من و تو(شما) ضمیر نامیده می‌شوند؛ پس ضمیر را می‌توان چنین تعریف کرد:

ضمیر کلمه‌یی است که جای اسم را می‌گیرد و برای جلوگیری از تکرار آن استعمال می‌شود؛ مانند: پرویز ناهید را دید و به او گفت. در این جمله«او» به جای «ناهید» نشسته است و اگر چنین نمی‌بود، ما ناگزیر بودیم که بگوییم: پرویز ناهید

را دید و به ناهید گفت. دیده می‌شود که تکرار کلمه از رسایی سخن می‌کاهد. در این جمله «ناهید» را مرجع ضمیر می‌گویند، مرجع ضمیر کلمه‌یی است که ضمیر به آن بر می‌گردد؛ به طور مثال:

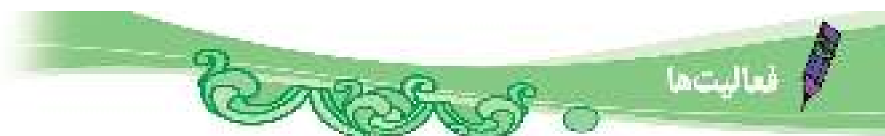
پرویز ناهید را دید و به او گفت.

مرجع ضمیر

ضمیر انواع مختلفی دارد که در درس‌های بعدی با آن‌ها آشنا می‌شویم.



زیب‌النسا بیگم یکی از زنان شاعر زبان فارسی دری است که درسال ۱۰۴۸ هـ . ق. در هندوستان به دنیا آمد. آموزش‌های نخستین را از محضر بانو حافظه مریم فرا گرفت و سپس نزد ملا سیداشرف مازندرانی به آموزش ادبیات دری، عربی و تمرین خط پرداخت. او در ۲۱ ساله‌گی به شعرگویی آغاز کرد، اشعار او بیشتر محتوای عاشقانه داشت و گاهی هم رنگ عارفانه را به خود گرفته است. مجموعهٔ اشعار او به بیش از ۴۰۰۰ بیت می‌رسد که در قالب‌های مختلف سروده شده است.



◆ **فعالیت اول**

- در مورد مفهوم نمونهٔ کلام مخفی در گروه‌ها با هم گفت و شنود کرده و نتیجهٔ آن را نمایندهٔ هر گروه بیان کند.
- در مورد زنده‌گی‌نامهٔ مخفی به طور مختصر صحبت کنید.
- در جمله‌های زیر ضمیر و مرجع ضمیر را مشخص نمایید:

احمد یک پسر باهوش است، او هر روز مطالعه می‌کند.

حوریه و ثریا به مکتب می‌روند، آن‌ها شاگردان وقت‌شناسی استند.

کتاب مجالس سبعهٔ مولانا جلال‌الدین را خریدم و آن را مطالعه کردم.

- در مورد این بیت بحث کنید:

نه هر سر، تاج و تخت سروری یافت

نه هر اسکندری پیغمبری یافت

◆ فعالیت دوم

- متن درس را بخوانید و کلمه‌هایی را که با حرف (م) شروع شده است بیرون‌نویس کنید.
- جمله‌های زیر را گسترش داده در کتابچه‌های تان بنویسید:

مخفی آموزش‌های نخستین..

....

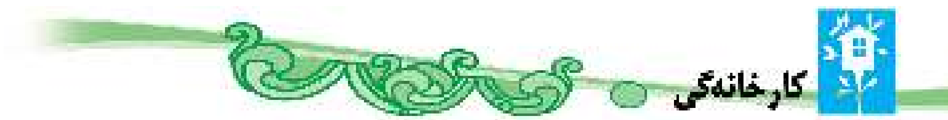
..../.

مجموع اشعار او..

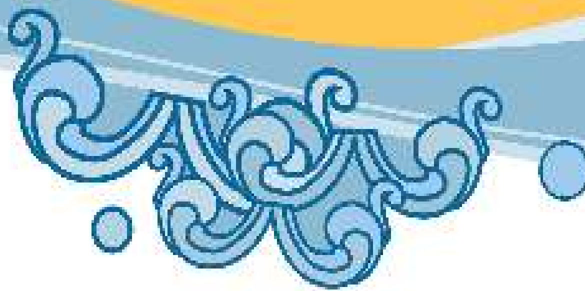
....

..../.

- چند جمله بنویسید که در آن‌ها ضمیرهای (او، من، ما و آن‌ها) به کار رفته باشد.
- به نظر شما، هر کسی می‌تواند شعر بسراید؟ در سه سطر بنویسید.



از نمونهٔ سخن مخفی یک بیت را انتخاب کنید و برداشت خود را از آن، در کتابچه‌های خود بنویسید.



درس هفدهم

ضرب‌المثل‌ها



ما با نام ضرب‌المثل آشنا استیم؛ زیرا در درس‌های قبلی مطلبی را زیر عنوان فولکلور یا ادبیات عامیانه خواندیم که ضرب‌المثل‌ها نیز جزء مهم آن به حساب می‌روند. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با فولکلور و ادبیات عامیانه، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با ضمیر مبهم در متن درس است.

کی می‌تواند یک ضرب‌المثل بگوید؟

ضرب‌المثل‌ها جزء مهم ادبیات عامیانه اند که به صورت عموم از یک فقره یا یک جملهٔ کوتاه ساخته شده اند. در ضرب‌المثل‌ها، معانی دقیق و گسترده به صورت فشرده گنجانیده شده است. به تعبیر دیگر، ضرب‌المثل‌ها را نه تنها در عبارت‌ها و جمله‌های عامیانه؛ بلکه در لا به لای متن‌های نثر و شعرهای شاعران نیز می‌توان یافت. در حقیقت ضرب‌المثل‌ها از نگاه ساختمان ظاهری و محتوای معنوی به مثابهٔ کوزه‌یی است که بحری از معانی در آن‌ها گنجانیده شده است. ضرب‌المثل‌های هر زبان نزد همه ملل جهان از جملهٔ بزرگترین و با ارزشترین بخش ادبیات عامیانهٔ همان ملت‌ها محسوب می‌شود. چند ضرب‌المثل زبان دری را با موارد استعمال آن می‌خوانیم:

۱. از کیسهٔ خلیفه بخشیدن.

هر که پول نقد و یا جنسی را از مال دیگران به شخصی ببخشد، از این ضرب المثل استفاده می‌کنند.

۲. آب ناخواسته مراد است.

وقتی به کسی آب نوشیدنی پیش می‌کنید که طلب نکرده باشد. این عمل را به فال نیک گرفته، آن را می‌نوشد.

۳. پایت را به اندازهٔ گلیمت دراز کن.

این ضرب‌المثل هنگامی گفته می‌شود که کسی کاری را که در صلاحیتش و قدرتش نیست انجام دهد؛ همچنان گاهی برای جلوگیری از اضافه خرجی و متوجه ساختن طرف مقابل به میانه‌روی و اقتصاد، مورد کاربرد قرار می‌گیرد.

۴. آب را نادیده موزه از پا کشیدن.

به کسی گفته می‌شود که کار ناسنجیده‌یی را انجام دهد و حرفی را بدون تفکر بگوید و یا یک عمل را پیش از وقت آن انجام دهد.

۵. آزموده را آزمودن خطاست.

وقتی یک شخص و یا یک شی یکبار آزموده و یا امتحان شده باشد آزمودن دوبارهٔ آن لازم نیست؛ زیرا باعث ضیاع وقت است.

۶. کور خود بینای مردم.

هر که عیب خود را نادیده بگیرد و عیب دیگران را بگوید.

۷. قصاب که زیاد شد، گاو مردار می‌شود.
یک وظیفه را به دو یا چند شخص سپردن، در صورتی که مسؤول اصلی آن معلوم نباشد.
۸. برگ سبز تحفهٔ درویش.
هر گاه یکی به دیگری هدیه دهد و بخواهد از کمی و ناچیزی آن هدیه عذرخواهی کند، از این ضرب المثل استفاده می‌شود.
ضرب المثل‌ها را شاعران در شعر خود نیز آورده اند که به نام صنعت ارسال المثل یاد می‌شود و هدف آن تأکیدی ساختن گفته‌های‌شان بر مردم می‌باشد.

برگ سبزیست تحفهٔ درویش　　　چه کند بینوا ندارد بیش سعدی

قواعد دستوری

◆ **ضمیر مبهم**

در این درس ضمیر مبهم را می‌خوانیم. به مثال‌های زیر دقت کنید:
هر که پول نقد و یا جنسی را، از مال دیگران به شخصی ببخشد از این ضرب‌المثل استفاده می‌کنند: از کیسهٔ خلیفه بخشیدن.
هرگاه یکی به دیگری هدیه دهد و از کمی و ناچیزی آن هدیه عذرخواهی کند، از این ضرب‌المثل استفاده می‌کند. برگ سبز تحفهٔ درویش.
◆ هر که عیب خود را نادیده بگیرد و عیب دیگران را بگوید، از این ضرب المثل استفاده می‌کنند. کور خود بینای مردم.
در جمله‌های بالا کلمه‌های (دیگران، هر که ، یکی و دیگری) ضمیرهای مبهم‌اند.
ضمیرمبهم آن است که کسی یا چیزی را نامعین و نامشخص بیان کند؛
مانند: هر که آمد، عمارتی نو ساخت، یکی رفت و دیگری آمد و...

خلاصهٔ درس

ضرب‌المثل‌ها جزء مهم ادب عامیانه استند که از نگاه ساختمان ظاهری و محتوای معنوی درست به مثابهٔ کوزه‌یی اند که بحری از معانی در آن‌ها گنجانیده شده است. ضرب‌المثل‌های هر

زبان از جملهٔ بزرگترین و با ارزشترین بخش‌های ادبیات عامیانهٔ آن ملت محسوب می‌شوند.



◆ فعالیت اول

- مورد استعمال ضرب‌المثل زیر را بگویید:

(بار کج به منزل نمی‌رسد.)

- ضرب‌المثل‌ها جزء مهم کدام قسمت ادبیات به حساب می‌روند؟
- دو تن از هر گروه یک ضرب‌المثل نو بگویند.
- مفهوم متن درس را به زبان خود بیان کنید.

◆ فعالیت دوم

- نکات مهم و ارزندهٔ درس را یادداشت کنید.
- گروه‌ها فکر کنند و بگویند که در ضرب‌المثل زیر منظور از کاربرد واژهٔ مراد چیست:

(آب ناخواسته مراد است.)

- ضمیرهای مبهم را در جملهٔ زیر مشخص کنید:

یکی رفت و دیگری آمد.

- متن درس را املا بنویسید.
- کلمه‌های جدید درس را روی تخته نوشته و معنا کنید.
- در گروه‌های پنج نفری در مورد ضرب‌المثل زیر بحث نموده، برداشت خود را از آن بنویسید.

هر که نان از عمل خویش خورد　　　منت حاتم طایی نبرد



پنج ضرب‌المثل نو در کتابچه‌های خود بنویسید و مفهوم آن‌ها را در چند سطر خلاصه نمایید.

حکایت



بهارستان جامی کتابی است به نثر فارسی دری، که تألیف شاعر و عارف بزرگ مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی می‌باشد. در این درس دو حکایت شیرین از کتاب بهارستان این بزرگ‌مرد شعر و ادب را انتخاب کرده ایم که مطالب خوبی را از آن‌ها می‌آموزیم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با کتاب بهارستان، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با ضمیر مشترک در متن درس است.

- در مورد شخصیت مولانا جامی چه می‌دانید؟

نگاه دزدانه

فاضلی به یکی از دوستان صاحب‌راز خود نامه می‌نوشت. شخصی پهلوی او نشسته بود و به گوشهٔ چشم نوشتهٔ او را می‌خواند. بر وی دشوار آمد، بنوشت: اگر در پهلوی من دزدی ننشسته بودی و نوشتهٔ مرا نمی‌خواندی، همهٔ اسرار خود بنوشتمی.

آن شخص گفت: والله مولانا، من نامهٔ تو را نمی‌خواندم، گفت: ای نادان! پس از کجا دانستی که یاد تو در نامه است؟

شاعر دزد

روزی انوری در بازار بلخ می‌گشت، هنگامه‌یی دید. پیش رفت و سری در میان کرد. مردی را دید که ایستاده و قصاید انوری را به نام خود می‌خواند و مردم او را آفرین می‌خواندند. انوری پیش رفت و گفت: ای مرد، این اشعار کیست که می‌خوانی؟ گفت: اشعار انوری. گفت: تو انوری را می‌شناسی؟ گفت: چه می‌گویی؟ انوری منم! انوری بخندید و گفت: شعر دزد شنیده بودم؛ اما شاعر دزد ندیده بودم.



◆ **ضمیر مشترک**

به جمله‌های زیر دقت نموده و ضمیر مشترک آن‌ها را مشخص کنید:

◆ فاضلی به یکی از دوستان صاحب‌راز خود نامه می‌نوشت.

◆ اگر پهلوی من دزدی ننشسته بودی و نوشتهٔ مرا نمی‌خواندی، همهٔ اسرار خود بنوشتمی.

◆ مردی را دید که ایستاده و قصاید انوری را به نام خود می‌خواند.

◆ کتاب خویش را گرفت.

◆ خویشتن را ملامت کرد.

در جمله‌های بالا کلمه‌های (خود، خویش و خویشتن) ضمیرهای مشترک اند.

ضمیر مشترک، به جای اسم به کار می‌رود و برای مفرد و جمع یکسان کاربرد دارد.

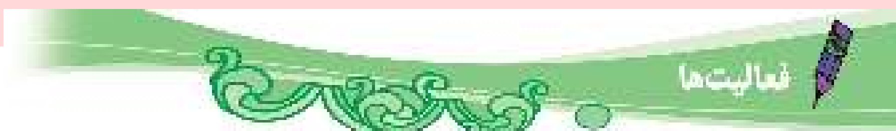
ضمیرهای مشترک در زبان دری عبارت از: خود، خویش و خویشتن می‌باشد.

مثلاً:

خود گفتم	خود گفتی	خود گفتید	خود گفت
خودم گفتم	خودت گفتی	خودتان گفتید	خودش گفتند
من خود گفتم	تو خود گفتی	شما خود گفتید	او خود گفت
خود من گفتم	خود ما گفتیم	خود شما گفتید	خود او گفت

ضمیرهای مشترک خویش و خویشتن استعمال کمتر داشته، به تنهایی و بدون ضمیر شخصی به کار می‌رود؛ مانند:

خانهٔ خویش را فروختم.	خانهٔ خویش را فروختیم.	خانهٔ خویش را فروختی.	خانهٔ خویش را فروختید.	خانهٔ خویش را فروخت.	خانهٔ خویش را فروختند.
عزت خویشتن را نگه دارم.	عزت خویشتن را نگه داریم.	عزت خویشتن را نگه داری.	عزت خویشتن را نگه دارید.	عزت خویشتن را نگه دارد.	عزت خویشتن را نگه دارند.



فعالیت اول

- چرا آن شخص فاضل نتوانست همهٔ اسرار خود را بنویسد؟
- در جملهٔ زیر منظور از کلمهٔ بنوشتمی چیست:

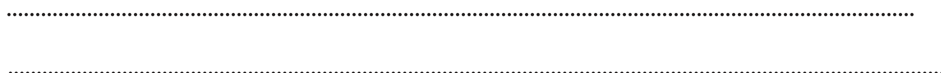
همهٔ اسرار خود بنوشتمی.

- نامهٔ کسی را دزدانه خواندن، چه نوع عملی است؟
- فکر کنید و بگویید که برای هر دو حکایت چه عنوان‌هایی را مناسب می‌دانید؟

◆ فعالیت دوم

- در گروه‌ها تنظیم شده کلمه‌های جدید درس را از یکدیگر بپرسید؛ طوری‌که یک گروه کلمه را بلند بخواند و گروه دیگر معنای آن را بگوید.
- از هر گروه یک تن ضمیرهای مشترک متن درس را روی تخته بنویسد.
- هر کدام یک جمله بنویسید که ضمیر مشترک در آن به کار رفته باشد.
- در مورد هر یک از تصویرهای زیر دو جمله بنویسید:







برداشت‌تان را از مفهوم درس در سه سطر در کتابچه‌های خود بنویسید.

درس نزدهم

کمپیوتر



در این درس با کمپیوتر، تاریخچهٔ مختصر و اهمیت آن در زنده‌گی آشنا می‌شویم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با کمپیوتر، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با عدد، عدد ترتیبی، اصلی و ترکیبی است.

کمپیوتر از زمان پیدایش تا حال مسیر طولانی را در مدت محدودی طی کرده است. قبل از پیدایش کمپیوترهای امروزی، وسایل محاسباتی مختلفی ساخته شده بود که قدیمی‌ترین آن چوت است که با آن محاسبات ریاضی را انجام می‌دادند. بعد از چندین سال ماشین حساب اختراع شد و همین‌طور طی قرن‌ها علم پیشرفته‌تر شد و این بار ماشین جدیدی به نام کمپیوتر به بازار آمد که موجب پیشرفت‌های فراوان در علم و صنعت شد و این مغز متفکر جای تمام ماشین‌های حساب دنیا را گرفت؛ نخستین کمپیوتر در سال ۱۹۴۶ میلادی توسط یک تیم به سرپرستی اکرت‌ماچلی ساخته شد.

کمپیوتر در لغت به معنای شمارنده و یا ماشین حساب است و وسیله‌یی است که قادر به انجام محاسبات پیچیده و تصمیم‌گیری‌های منطقی با سرعت میلیون‌ها بار سریع‌تر از انسان می‌باشد؛ برای مثال: امروز کمپیوترها می‌توانند صدها میلیون محاسبه را در عرض چند ثانیه انجام دهند؛ در حالی که یک حسابدار برای انجام چنین کاری شاید به سال‌ها وقت احتیاج داشته باشد که سرانجام نتیجه‌اش هم احتمال دارد دقیق نباشد.

کمپیوتر از چهار قسمت اساسی ساخته شده است:

۱. CPU (بخش پردازندۀمرکزی): این بخش مغز کمپیوتر است و حافظه‌های دستگاه را در خود دارد.

۲- Monitor (نمایش‌گر): این نمایش‌گر به یک تلویزیون کوچک می‌ماند؛ اما کار دیگری را انجام می‌دهد. ما بر صفحۀ نمایش‌گر، آن چه را که از کمپیوتر می‌خواهیم انجام می‌دهد؛ مانند: جا به جایی واژه‌ها، کوچک و بزرگ‌سازی تصاویر و ...

۳. Keyboard (صفحۀ کلید): این صفحه به یک ماشین حرف‌نگاری می‌ماند؛ اما کلیدهای مخصوصی نیز برای سایرکارها دارد. ما از صفحۀ کلید برای وارد کردن حرف‌ها، عددها و فرمان‌ها به کمپیوتر بهره می‌گیریم.

۴. Mouse (موس): که توسط آن کمندها (فرمان‌ها) را اجرا می‌نماییم. کمپیوتر تمام

کارهای ما را در حافظهٔ خود نگه می‌دارد و هر وقت که بخواهیم دوباره آن را به دست آورده و تغییر داده می‌توانیم.

قواعد دستوری

◆ عدد

در درس گذشته با ضمیر و انواع آن آشنایی پیدا کردیم، در این درس می‌خواهیم با یک قاعدهٔ دستوری دیگر که در معاملات روزانه از آن خیلی استفاده می‌نماییم آشنا شویم و آن عبارت از عدد است. عدد در زبان دری پنج گونه است که هر کدام آن را به طور مختصر خواهیم خواند.

عدد: عدد آن است، که شمارهٔ اشیا و اشخاص را بیان کند و چیزی را که شمرده شود معدود گویند؛ مانند: دو میز، چهار کتاب که دو و چهار عدد و میز و کتاب معدود می‌باشد.

۱. **عددهای ترتیبی یا وصفی:** آن است، که درجه و مرتبهٔ معدود را نشان می‌دهد؛ مانند: اول، دوم و ...که آن را به گونهٔ اولین و دومین نیز استعمال کرده‌اند. این نوع عدد را می‌توان قبل از معدود و یا بعد از آن آورد؛ مانند:

اولین شاگرد - شاگرد اولین یا اول شاگرد - شاگرد اول

۲. **عددهای اصلی:** اعدادی اند که به نام اعداد ساده و مطلق نیز یاد می‌شوند؛ مانند: یک، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت، نه، ده، بیست، سی، چهل، پنجاه، شصت، هفتاد، هشتاد، نود، صد، هزار و...

۳. **عددهای ترکیبی:** به اعدادی گفته می‌شود که از ترکیب دو عدد اصلی تشکیل شده باشد؛ مانند: دوازده، بیست، سی و پنج، نود و یک، شش‌صد، دو هزار و...



کمپیوتر در لغت به معنای شمارنده و یا ماشین حساب است و وسیله‌یی است که قادر به انجام محاسبات پیچیده و تصمیم‌گیری‌های منطقی با سرعت میلیون‌ها بار سریعتر از انسان می‌باشد.

کمپیوتر از زمان پیدایش تا حال مسیر طولانی را طی کرده است؛ قدیمی‌ترین آن چوت است. نخستین کمپیوتر در سال ۱۹۴۶ میلادی توسط یک تیم به سرپرستی اکرت‌ماچلی ساخته شد.



◆ فعالیت اول

- قدیمی‌ترین وسیلهٔ محاسباتی چه بوده است؟
- نخستین کمپیوتر در یکی از سال‌های زیر ساخته شده است:

الف) ۱۹۴۹ ب) ۱۹۶۴

ج) ۱۹۵۴ د) ۱۹۴۶

- کمپیوتر چگونه یک ماشینی است؟ توضیح دهید.
- در جمله‌های زیر عدد را نشان دهید:
- کتاب درسی صنف هفتم دارای بیست و هشت عنوان درس است.
- یک صنف درسی باید ۲۵-۳۵ شاگرد داشته باشد.
- وظیفهٔ کیبورد چیست؟
- عدد اصلی به کدام عدد گفته می‌شود؟

◆ فعالیت دوم

- کمپیوتر از چند بخش اساسی ساخته شده است؟

الف) دو بخش	ب) پنج بخش
ج) چهار بخش	د) شش بخش

- عددهای زیر نماینده‌گی از کدام نوع عدد می‌کنند:

سومین، چهارم، هفتم، دهمین، پنج، سه، هفت، سی، چهل، نهم، شصت، صد، هزار، دوازده، پنجاه، نود و یک، ششصد، دو هزار

- جملهٔ زیر مربوط به کدام بخش کمپیوتر می‌شود:

توسط آن کمندها (فرمان‌ها) را اجرا می‌نماییم.

- برای اعداد اصلی ترتیبی، و ترکیبی دو جمله بنویسید.
- در مورد مفهوم درس در گروه‌های خود بحث کنید و آن را در سه سطر بنویسید.
- در جمله‌های زیر عدد و معدود را نشان دهید:

در صنف ما چهل و پنج شاگرد درس می‌خوانند.

موضوع درس نزدهم ما کمپیوتر است.

- به نظر شما، کمپیوتر می‌تواند در کارهای روزانهٔ ما سهولت ایجاد کند؟



کارخانگی

در مورد ارزش کمپیوتر مطلبی بنویسید که اعداد نیز در آن به کار رفته باشد.

....

....

....



....

....

....

....

....

....

درس بیستم

شایق جمال



در این درس با یک تن از شاعران معاصر کشور، شایق جمال آشنا می‌شویم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با شاعران معاصر، تقویت مهارت‌های اساسی زبان و آشنایی با عدد توزیعی و کسری در متن درس است.

آیا تا به حال کدام شعر شایق جمال را خوانده اید؟

شایق جمال از جملهٔ شاعران و نویسنده‌گان معروف افغانستان است. اسم او میر غلام حضرت فرزند حافظ میرجمال‌الدین و از بازمانده‌گان میر واعظ کابلی، شاعر و عارف وارستهٔ کشور است.

این شاعر گرانمایه در سال ۱۲۷۵ هـ ش. در شهر کابل زاده شد. تعلیمات ابتدایی را نزد پدرکلان مادری خود فرا گرفت. در لیسهٔ حبیبیه و دارالمعلمین کابل تحصیل کرد و با گرفتن شهادت‌نامهٔ درجه اول به شغل معلمی و سرمعلمی در مکتب‌های ابتداییهٔ کابل پرداخت.

شایق جمال سال‌های طولانی به تدریس علم و پرورش فرزندان وطن مشغول بود و در این عرصه خدمات قابل قدری انجام داد. او از استعداد خاصی برخوردار بود، هجده پارهٔ قرآن کریم را حفظ داشت و زبان و ادبیات دری و عربی را از نزد دانشمند نامور کشور مرحوم قاری عبدالله فرا گرفت.

او در سال ۱۳۰۰ هـ . ش. در حالی‌که هنوز پانزده ساله بود به سرایش شعر و کارهای علمی و ادبی پرداخت. نخستین شعرش در جریدهٔ سراج‌الاخبار و اشعار دیگرش در جراید امان افغان، اصلاح و انیس به نشر رسیده است.

وی علاوه بر آن که شاعر نازک‌خیالی بود به هنر نویسنده‌گی، خوشنویسی، رسامی و موسیقی نیز مهارت داشت؛ چنانچه مجموعهٔ آثار خود را که مشتمل بر غزل‌ها، قصیده‌ها، قطعه‌ها، رباعی‌ها و قسمتی هم به نثر بوده به خط زیبای خود گرد آورده بود که بخش‌هایی از آن به نام دیوان شعرهای شایق جمال در سال ۱۳۳۴ هـ .ش. به چاپ رسیده است.

شایق جمال از شاعران بذله‌گوی، طنزپرداز و بدیهه‌سرای معروف قرن حاضر است که از حاضرجوابی و مطایبات دلنشین او همواره به طور شفاهی و یا هم به گونهٔ مکتوب در حوزه‌های علمی و فرهنگی کشور یاد شده است که خوشبختانه درسال‌های آخر شماری از طنزها و مطایبات او به نام لطایف و ظرایف گِردآوری شده و در سال ۱۳۸۳ هـ . ش. به چاپ رسیده است.

شایق شاعر وطن‌دوست و با احساسی بود، موضوعات شعرهای او را مسایلی؛ چون: وطن‌دوستی، تأمین عدالت اجتماعی، تعلیم مفاهیم اخلاقی، آزادی‌خواهی، صلح‌دوستی

و اتحاد تشکیل می‌دهد. او مدح و تملق را به دیدهٔ نفرت می‌دید؛ چنانکه خود گوید:

مغرور دست‌بوسی اهل جهان مباش   شایق به اعتقاد کسان اعتبار نیست

استاد خلیل‌الله خلیلی که خود از معاصران شایق جمال و یکی از استادان ارکان ادبیات، به ویژه شعر معاصر دری شمرده می‌شود، اشعار دلنشین شایق را ستوده و او را شاعر نازک‌خیال خطاب کرده است.

شایق جمال سرانجام در اسد سال ۱۳۵۳ هـ . ش. جهان فانی را وداع کرد و او را در جوار زیارت شاه دو شمشیره رحمه‌الله به خاک سپردند.

نمونهٔ سخن

حسن عمل

تا کی از نام پدر، تاج زنی بر سر خویش
باش از حسن عمل، خود پدر و مادر خویش

خوشتر از اطلس و دیبای کسانش بشمر
کهنه کز آبلهٔ دست کنی در بر خویش

نروی تا به در هرکس و ناکس روزی
سایل مفلس و محتاج مران از در خویش

معنی دین و دیانت به خدا چیزی نیست
غیر همدردی و امداد به همدیگر خویش

کی خلاصت کند از کشمکش روز جــزا
این همه تکیه که داری به سیم و زر خویش

با همه لطف و کرم کن به مروت پیش آی
تا کشی شاهد مقصود تو هم در برخویش

داده از بس‌که ز افلاس فشارم گردون
می‌کنم کوچه غلط از همه تا دلبر خویش

حرف دانش نزنی هیچ به بزم جهــلا

پیش کوران نبری آب رخ گوهر خویش

واعظی نیست به وضع تو مناسب شایق

همه واقف شده امروز ز خیر و شر خویش



◆ عدد توزیعی و عدد کسری

در درس گذشته با عدد اصلی، عدد توصیفی و عدد ترکیبی آشنایی پیدا کردیم. در این درس عدد توزیعی و عدد کسری را می‌آموزیم.

عدد توزیعی: تقسیم معدود را به بخش‌های مساوی نشان می‌دهد و از تکرار عددهای اصلی ساخته می‌شود؛ مثلا: دو دو، پنج پنج، هفت هفت و مانند آن.

به هر کدام دو دو هزار افغانی رسید.

یا به غرض اختصار: به هر کدام دو دو هزار رسید.

یا برای جلوگیری از تکرار: به هر کدام دو هزاری رسید.

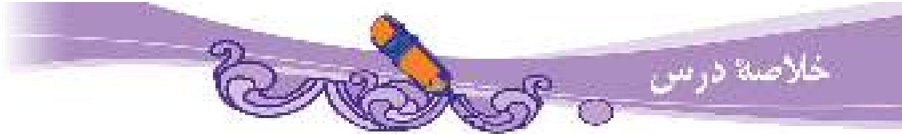
اگر معین‌کننده با واول ختم شده باشد، به جای / ی/ آن/ یی/ می‌آید؛ مثلاً: به هر کدام دوتایی رسید یا چهار دانه‌یی رسید و...

همچنان گاهی معین‌کننده هم نمی‌آید و پسوند / ی / با عدد می‌پیوندد؛ مثلا: کتاب‌ها را بیستی خرید، یعنی بیست بیست افغانی خرید.

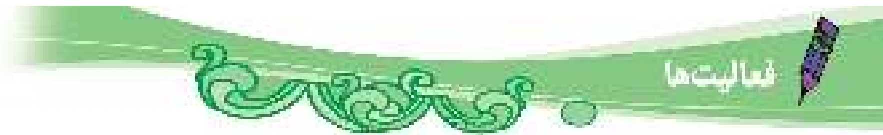
عدد کسری: آن است که قسمی از عدد اصلی را نشان می‌دهد. این نوع عدد در زبان دری به چند صورت گفته می‌شود؛ طور مثال:

پنج یک(یک بر پنج) شش یک(یک بر شش) هشت یک (یک بر هشت)

یک هشتم حصهٔ کتاب گلستان در بارهٔ اخلاق درویشان است.
دفتر اول یک ششم حصهٔ کتاب مثنوی مولوی را تشکیل می‌دهد.



شایق جمال از جملهٔ شاعران و نویسنده‌گان معروف افغانستان است. او در سال ۱۲۷۵ هـ . ش. در شهر کابل به دنیا آمد. وی دروس ابتدایی را در لیسهٔ حبیبه به اتمام رسانید. او از ذوق و استعداد خاصی برخوردار بود که حتی در ۱۵ ساله‌گی به سرایش شعر و کار ادبی پرداخت و شعرهای او در جریده‌های همان روزگار به نشر می‌رسید. شایق شاعری بذله‌گو، طنزپرداز و بدیهه‌سرا بود که اکثر اشعار او را مسایلی؛ چون: وطن‌دوستی، تأمین عدالت اجتماعی، آزادی‌خواهی و صلح‌دوستی تشکیل می‌دهد. او سرانجام درسال ۱۳۵۳ هـ . ش. جهان فانی را وداع گفت.



فعالیت اول

- شایق جمال در چه هنرهایی مهارت داشت؟
- شایق جمال چگونه شاعری بود و مسایل شعری او را چه موضوعاتی تشکیل می‌داد؟
- عدد توزیعی چیست؟ دو مثال خارج از درس بگویید.
- در مورد بیت زیر با هم بحث کنید و نمایندهٔ هر گروه نتیجه را در مقابل صنف بیان کند:

تا کی از نام پدر، تاج زنی بر سر خویش   باش از حسن عمل، خود پدر و مادر خویش

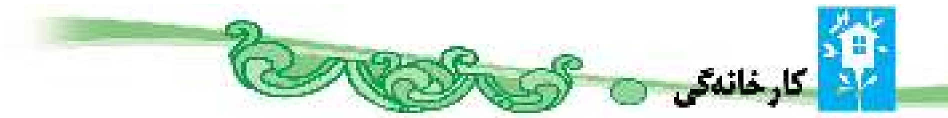
◆ فعالیت دوم

- از نکات مهم درس پنج سؤال تهیه نمایید.
- جاهای خالی زیر را کامل کنید:

با همه.......................... و کرم   کن به.................پیش آی

تا کشی.......................مقصود   تو....................در بر خویش

- دو جمله بنویسید که در آن عدد کسری به کار رفته باشد.
- گروه‌ها متن درس و نمونهٔ کلام شایق را بخوانند و مفهوم آن را نمایندهٔ هرگروه در مقابل همه بیان کند.
- به نظر شما، کدام بیت نمونهٔ سخن شایق جمال زیبا است؟



دو بیت از نمونهٔ سخن شایق را انتخاب و در مورد آن سه سطر در کتابچه‌های تان بنویسید.

....

....

....

....

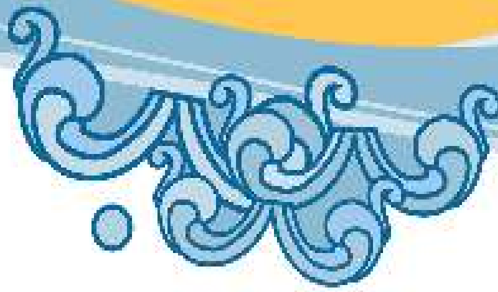
....

....

....

....

....



درس بیست و یکم

شعر تعلیمی



در این درس شعر و تعریف آن، فرق میان شعر و نظم و شعر تعلیمی را می‌خوانیم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با شعر، شعر تعلیمی و قواعد نگارشی از جمله پاراگراف در متن درس است؛ آیا تا به حال نام شعر تعلیمی را شنیده اید؟



شــعر دانی چیــست؟ مُرواریدی از دریای عقل
شاعر، آن افسونگری کاین طرفه مروارید سفت
شــعر، آن باشــد که خیزد از دل و جوشد ز لب
باز در دل‌ها نشیــند هر کــجا گوشی شــنفت
ای بسا شاعر که او در عمر خود نظمی نساخت
و ای بسا ناظم که او در عمر خود شعری نگفت

محمد تقی بهار

شعر کلمهٔ عربی است که معنای دانستن، دریافتن و درک کردن را می‌رساند. شعر در کنار نظم و نثر نوع سوم ادب را تشکیل می‌دهد. در تعریف مناسب از شعر به خیال‌انگیز بودن آن توجه شده است؛ اما اساساً شعر با نظم فرق دارد و تفاوت آن‌ها در این است که: شعر طبق تعریف علمی و دقیق امروزی «گره‌خورده‌گی عاطفه و تخیل است که در زبان آهنگین شکل گرفته باشد»؛ بنابراین تعریف، عناصر سازندهٔ شعر عبارت است از: عاطفه، تخیل، زبان، موسیقی و شکل؛ اما نظم، تنها، سخن موزون و مقفی بوده و از عنصر عاطفه و تخیل به دور و خالی است؛ مثلاً: شعرا با خیال‌انگیزی چهره‌های زیبا را به گل و به مهتاب تشبیه می‌کنند.

شعر از نظر محتوا اقسام مختلفی دارد که یکی از آن شعر تعلیمی است که آن را می‌توان چنین تعریف کرد:

شعر تعلیمی یا پندآموز، شعری است که هدف شاعر در آن آموزش خواننده است؛ بنابراین تعریف، تمامی اشعار دینی، اخلاقی، عرفانی، اجتماعی، سیاسی، علمی، ادبی، هنری و... شامل شعر تعلیمی می‌شود. نظر به تعریف، شعر تعلیمی را می‌توان به دو نوع تقسیم‌بندی کرد؛ نوع اول که موضوع آن خیر و نیکی است(حوزهٔ اخلاق) و نوع دوم که موضوع آن آموزش علوم است (حوزهٔ شعرهایی که مسأله‌یی از علم را می‌آموزانند.)

مثنوی مولانا و بوستـــان سعدی از نمونه‌های بارز و برجستهٔ شعر تعلیمی به شمار

می‌آیند.

نمونهٔ شعر تعلیمی از بوستان سعدی:

دریــغا که بگــذشت عمــــر عزیز — بخواهد گذشت ایــن دم چند نیز
گذشت آنچه در ناصوابی[1] گذشت — ور این نیز هم در نیــابی گذشــت[2]
کنون وقت تخم است اگر پروری — گــــر امید داری که خرمن بری
کنون کوش کآب از کمر در گذشت — نه آنگه که ســیلاب از سر گذشت
کنونت که چشم است اشکی ببار — زبان در دهان است عــذری بیــار
نه پیوســته باشــد روان در بدن[3] — نه همواره گــردد زبان در دهـــن
غنیمت شمــر این گرامــی نفس — کــه بی‌مــــرغ قیمت ندارد قفس



۱. کارهای بد و نادرست

۲. اگر زمان حال را متوجه نشوی، مانند دوران گذشته در گناه و کارهای نادرست می‌گذرد و سپری می‌شود.

۳. روح در جسم آدمی همیشه نمی‌ماند و یک روز بدن انسان خالی از روح می‌شود؛ یعنی مرگ به سراغش می‌رسد.



قواعد نگارشی

◆ نشانه‌گذاری

نشانه‌گذاری که نقطه‌گذاری یا تنقیط نیز گفته شده است، عبارت از به کار بردن نشانه‌ها و علامات خاص در متن است، برای بهتر فهماندن مقصود و آسانی و روانی در خوانش؛ بنابراین به‌کار بردن آن‌ها در جاهای مناسب امری است ضروری.

هدف مهم نشـــانه‌گذاری، صراحت و وضاحت مفهوم جمله‌ها و عبارت‌ها است، تنقیط نشان می‌دهد که کلمه‌های یک جمله- از نظر نشانه‌گذاری- چگونه پهلوی هم قرار بگیرد، تا معنای آن به آسانی فهمیده شود. یکی از بخش‌های نشانه‌گذاری پاراگراف است که در این درس با آن آشنا می‌شویم.

پاراگراف: رعایت چگونه‌گی نوشتن آن چه در چاپ نوشته‌های مختلف و چه در مکتوب‌های رسمی و خصوصی اهمیت فراوانی دارد.

پاراگراف فرورفته‌گی ســطر آغاز بخش‌های مختلف یک متن نظر به سطرهای دیگر است، که یک و نیم سانتی متر به طرف داخل صفحه شروع می‌شود.

از نظر دســتور نگارش هر پاراگراف مطلب کاملی را که متشکل از چندین فکر (چندین جمله) است، نشان می‌دهد.

خلاصهٔ درس

۱- شعر به معنای دانستن، دریافتن و درک کردن است و فرق آن با نظم در این است که شعر علاوه بر موزون و مقفی بودن، مخیل نیز است؛ ولی نظم موزون و مقفی است؛ اما عاری از عنصر خیال‌انگیزی؛ همچنین شعر تعلیمی به شعری گفته می‌شود که مسایلی

چون: باورهای دینی، اخلاقی، عرفانی، اجتماعی، سیاسی و علمی را در بر داشته باشد.

۲- هدف مهم نشانه‌گذاری صراحت و وضاحت مفهوم جمله‌ها و عبارات است و پاراگراف نظر به سطرهای دیگر یک و نیم سانتی متر به طرف داخل صفحه شروع می‌شود.



فعالیت اول

- فرق میان شعر و نظم در چیست؟
- شعر تعلیمی به کدام نوع شعر گفته می‌شود؟
- در مورد بیت زیر در گروه‌های خود باهم مباحثه کنید و نمایندۀ هر گروه نتیجه را مقابل صنف بیان کند:

کنون وقت تخم است اگر پروری   گـــر امید داری که خـــرمن بری

- نشانه‌گذاری در نوشتن چه اهمیت دارد؟

فعالیت دوم

- مفهوم درس را با زبان ساده بیان کنید.
- متن درس را بخوانید و بگویید که چند مطلب کامل یا پاراگراف جداگانه در آن به کار رفته است.
- جاهای خالی زیر را کامل کنید:

پاراگراف که...........................به سطرهای دیگر......................متر به طرف داخل صفحه شروع می‌شود.

- یک بیت را از متن درس انتخاب نموده و در مورد آن دو سطر بنویسید.
- خواندن شعرهای تعلیمی در روند زنده‌گی ما چه تأثیر دارد؟

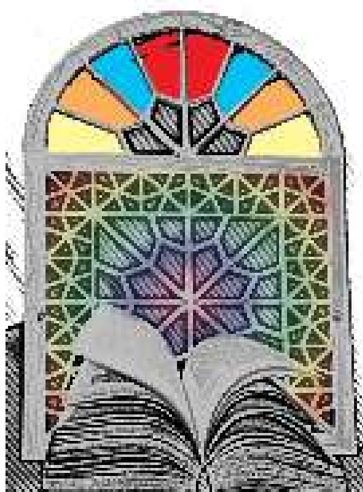


یک قطعه شعر تعلیمی را از مثنوی مولانا انتخاب کرده، در کتابچه‌های تان بنویسید و در صنف بخوانید.

....

....

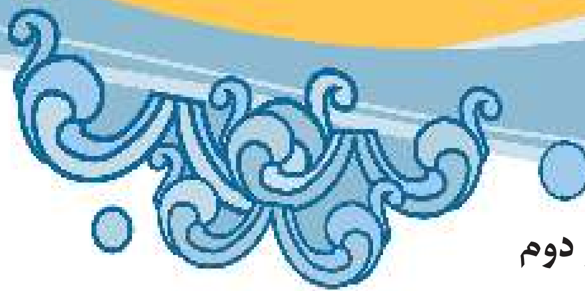
....



....

....

....



درس بیست و دوم

درخت بقا



مثنوی معنوی یک اثر عرفانی و سرودهٔ مولانا جلال‌الدین محمد بلخی است. مثنوی شامل شش‌دفتر و حدود بیست و شش هزار بیت می‌باشد. این اثر، عالی‌ترین منظومهٔ تعلیمی صوفیه در سراسر قلمرو شعر دری به حساب می‌رود.

در این درس‌یک‌حکایت شیرین زیر عنوان درخت بقا از این کتاب انتخاب شده است که مطالب بسیار خوبی را از آن می‌آموزیم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با مثنوی معنوی و قواعد نگارشی از جمله جای کاربرد «علامت نقطه» در نگارش است.

حاکمی را خبر می‌دهند از درختی عجیب در هندوستان، که میوه‌اش زنده‌گی جاودان می‌بخشد. حاکم یکی از نزدیکان خود را برای جستجوی درخت و چیدن میوهٔ آن راهی هندوستان می‌کند. مأمور از جستجوی بسیار خود به نتیجه نمی‌رسد و با هرکس که در این باره گفتگو می‌کند، با تمسخر و تعجب روبه‌رو می‌شود.

آخرالامر چون می‌داند که نشانی از آن درخت نخواهد یافت، مأیوس از طلب، قصد بازگشت می‌کند؛ اما پیش از آن که بار سفر ببندد، با شیخ دانشمندی رو به رو می‌شود و با شگفتی از او پاسخ می‌شنود که درخت بقا همان «درخت علم» است.

شیخ خندید و بگفتش ای سلیم　　این درخت علم باشد ای علیم

تو به صورت رفته‌یی ای بی‌خبـر　　زان، ز شاخ معنا ای، بی‌بـار و بر

گه درختش نام شد، گه آفتاب　　گاه بحرش نام شد، گاهی سحاب

آن یکی کیش صدهزار آثار خاست

کمتـرین آثار او عمـر بقـــاست

مثنوی معنوی

قواعد نگارشی

◆ نقطه [.]

الف: نشانهٔ نقطه در پایان جمله‌هایی که پرسشی، ندایی و تعجبی نباشند، گذاشته می‌شود؛ مانند جمله‌های زیر:

- حاکمی را خبر می‌دهند از درختی عجیب در هندوستان، که میوه‌اش زنده‌گی جاودان می‌بخشد.
- مأیوس از طلب، قصد بازگشت می‌کند.
- فرزانه از سفر برگشته است.
- احسان پسر هوشیاری است.

ب: نشانهٔ نقطه پس از مخففها نیز گذاشته می‌شود؛ مانند:

شایق جمال در سال ۱۲۷۵ هـ . ش. چشم به جهان گشود.



علم را به چیزهای مختلفی تشبیه کرده‌اند، گاه به درخت، گاه به آفتاب، گاه به بحر و گاهی هم به سحاب؛ اما حقیقت آن یک چیز است که برای رسیدن به آن حقیقت، باید از بند مادیات بیرون آمد، تا از ثمره و بارش بهره برد.



◆ فعالیت اول

- آن شخص به خاطر چه کاری راهی هندوستان شد؟
- آیا آن شخص موفق به چیدن میوه‌یی از درخت بقا شد؟
- منظور از بیت زیر چیست؟

شیخ خندید و بگفتش ای سلیم این درخت علم باشد ای علیم

- فکر کنید و بگویید کلمه‌یی که پیام اصلی و اساسی درس را تشکیل می‌دهد، چیست؟
- فکر کنید و بگویید که مراد از درخت بقا چیست؟

◆ فعالیت دوم

- دو تن از هر گروه متن درس را با صدای بلند و مناسب بخوانید و کلمه‌ها را درست تلفظ کنید.
- متن شعر را به صورت مقایسوی با لحن و آهنگ مناسب بخوانید؛ طوری که از هر گروه یک شاگرد بخواند و دیگران تشویقش نمایند.

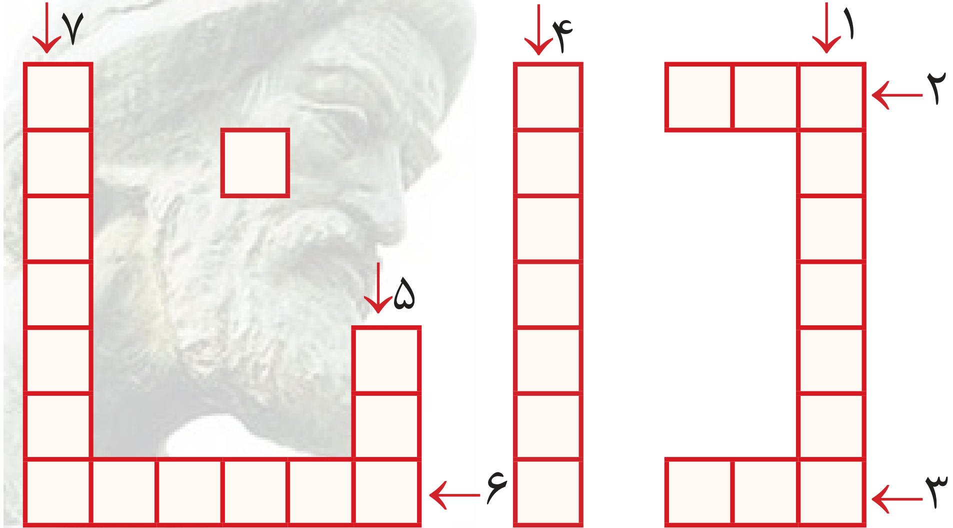
- دو جمله‌یی که نقطه در آن‌ها به کار رفته باشد بنویسید.
- ارتباط شعر زیر را با درس بگویید و برداشت خود را در سه سطر بنویسید:

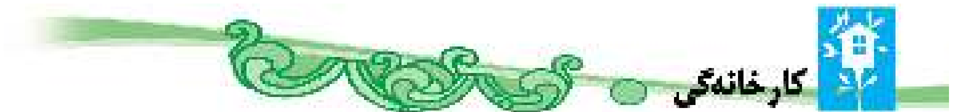
ز دانش زنده مانی جاودانی — ز نادانی نیابی زنده‌گانی
نماند بر تو پنهان هیچ حالی — نبینی از جهان در دل ملالی
اگر کاری کنی، مزدی ستانی — چو بی‌کاری، یقین بی‌مزد مانی

ناصرخسرو قبادیانی

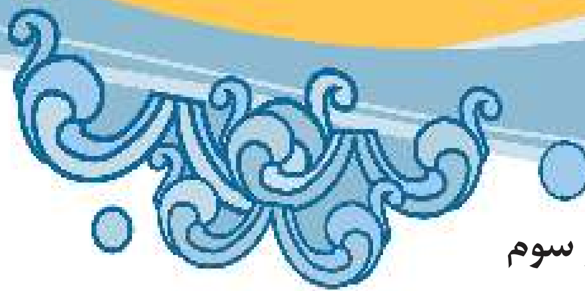
- **جدول زیر را حل کنید:**

۱. عنوان همین درس.۲. یکی از زبان‌های رسمی کشور ما. ۳. قدر، منزلت، احترام. ۴. به علما و بزرگان گفته می‌شود. ۵. آنچه روح را جاوید می‌کند. ۶. راز و نیاز به درگاه خداوند ﷻ. ۷. جمع مُکالَمه، گفتگوها.





پیام درس را خلاصه نمایید و جاهای گذاشتن نقطه را در آن مشخص نموده در کتابچه‌های تان بنویسید.



درس بیست و سوم

دکتور عبدالاحمد جاوید



در این درس شرح مختصری از زنده‌گی، آثار و نمونۀ کلام نثر استاد عبدالاحمد جاوید، نویسندۀ توانای ادبیات فارسی دری را می‌خوانیم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با نویسنده‌گان زبان و ادبیات فارسی دری و قواعد نگارشی از جمله «علامت کامه» در متن درس است.

چه فکر می‌کنید داکتر جاوید شاعر بود یا نویسنده؟

پوهاند دکتور عبدالاحمد جاوید از چهره‌های معروف و سرشناس افغانستان است. در میان نویسنده‌گان و دانشمندان دهه‌های اخیر کشور، او در ثور سال ۱۳۰۴ هـ . ش. در باغ علیمردان کابل زاده شد. پدرش میرزا عبدالصمد به آموزش و پرورش وی سخت علاقه‌مند بود.

جاوید در سال ۱۳۲۴هـ. ش. از لیسهٔ عالی حبیبیه فارغ شد و در سال ۱۳۲۹هـ. ش. از دانشکده (پوهنځی) زبان و ادبیات و حقوق دانشگاه (پوهنتون) تهران به اخذ سند لیسانس موفق گردید؛ سپس دکتورای خویش را نیز در رشتهٔ زبان و ادبیات از دانشگاه (پوهنتون) تهران به د ست آورد.

جاوید مدت طولانی به حیث استاد در پوهنتون کابل و مدتی در دانشگاه تاشکند (ازبکستان) خدمت نمود و بعد از آن به عنوان رئیس انتخابی دانشگاه کابل و عضو اکادمی علوم افغانستان برگزیده شد. او با نشرات رادیو افغانستان و تألیف کتاب‌های درسی وزارت معارف نیز همکاری داشت و به پاس خدمات ارزندهٔ خود به مدال‌های افتخار پوهنه و فداکاری و جوایز متعدد مطبوعاتی دیگر دست یافت.

دکتور جاوید در تعلیم و تربیهٔ هزاران جوان کشور نقش ارزنده‌یی داشت. او به اثر جنگ‌های تحمیلی چند دههٔ اخیر مجبور شد تا مدتی در هندوستان؛ سپس در انگلستان زنده‌گانی کند. وی در شرایط دوری از وطن نیز به تألیف مقالات علمی و کتب تحقیقی پرداخت و نهاد علمی‌یی را به نام«اکادمی افغان» در شهر لندن تأسیس کرد. استاد در طول زنده‌گی پربار علمی و فرهنگی خویش در سیمینارها، کنفرانس‌ها و محافل متعدد ملی و بین‌المللی به طور فعال و هدفمند شرکت کرده بود.

او علاوه بر نگارش مقاله‌های گوناگون علمی و تحقیقی و نشر آن‌ها در مجله‌های علمی کشور و ممالک همسایه وکشورهای اروپایی، به تألیف کتب متعدد علمی و ادبی پرداخته بود که شماری از آن‌ها چون: اوستا، نوروز خوش‌آیین، رایحهٔ صلح در فرهنگ ما و مدارا و مروت در فرهنگ فارسی دری چاپ شده است و بعضی از آن‌ها متأسفانه تا هنوز به چاپ نرسیده اند.

سرانجام پوهاند دکتور عبدالاحمد جاوید در اسد سال ۱۳۸۱ هـ . ش. در شهر لندن

وفات یافت و در شهدای صالحین کابل به خاک سپرده شد.

نمونهٔ نثر جاوید

آیین‌های نوروزی در شهر کابل

در کابل از قدیم، یک ماه پیش‌تر از فرارسیدن نوروز مردم به پیشواز بهار و پذیرایی از سال نو هرجمعه بیرون از شهر می‌روند و با جمع شدن در محل خاص به سیر و گردش و شور و سرور می‌پردازند و با پختن غذاهایی؛ مانند: سبزی، ماهی و جلبی و تهیهٔ انواع سرگرمی‌ها از نوروز خوش‌آیین استقبال می‌کنند.

نام قدیم باغ بابر«باغ نوروزی» بود. از زمانی که بنابر وصیت بابر جنازهٔ او را از «آگرهٔ» هندوستان به کابل آوردند و در این باغ دفن کردند معروف به باغ بابر شد.

از دیگر جاهایی که مردم در روز نوروز جمع می‌شوند، دامنهٔ کوه خواجه صفا است، با درخت‌های خوشرنگ ارغوانش و همچنین باغ معروف چهل‌ستون با شگوفه‌های عطرآگین بادامش.

مردم در ایام بهار دسته دسته در این باغ مخصوصاً موسم شگوفهٔ بادام و گل ارغوان می‌آیند و در سایهٔ فرحبخش درختان می‌نشینند، کباب داشی می‌پزند و قیماق چای را با کلچه‌های نمکین و یا شیرین نوش جان می‌کنند.

از قدیم در شهر کابل به پیشواز بهار کوچه‌ها، خیابان‌ها و جاده‌ها را فراز تا فرود پاک می‌کردند؛ خانواده‌ها خانه‌تکانی می‌کردند؛ مخصوصاً اجاق و دیگدان آشپزخانه را رنگ می‌کردند؛ تا برکت آورد... اهالی شهر پیش از تاریکی، چراغ روشن می‌کردند؛ دکانداران دکان‌های خود را چراغان می‌کردند. خوب به یاد دارم رسته‌های دکان‌های چارچته، شوربازار، چهارسو و یا چهارسوق ارگ را با انواع آیینه‌های بلور، منظره‌ها، تصویرها، قالینچه‌ها، چلچراغ‌ها و حتی کشکول و تبرزین و پوست پلنگ آراسته می‌کردند و قناری‌های خوش‌آواز پشت میله‌های قفس چهچه می‌زدند.

دکانداران با شربت‌های خوشمزه و شیرینی‌های گوناگون و کلچه‌های نوروزی و حتی هفت میوه و ایراد مطایبه‌ها و شوخی‌ها از آشنایان و دوستان پذیرایی می‌کردند.

شب‌ها با شمع و مشعل، فانوس و مهتاب همه‌جا روشن می‌بود. از مدت‌ها پیش شیرینی‌پزها، کلچه‌پزها نخودپزها، حلوای‌مغزی، سوهانک، حلوای پشمک، شیرپیره... درست می‌کردند. سبزی فروش‌ها انواع سبزی و ترکاری مخصوصاً سبزی اسفناج (پالک) را که نشانهٔ سرسبزی و خرمی بود به مشتریان عرضه می‌کردند.

نوروز خوش‌آیین

قواعد نگارشی

◆ کامه یا ویرگول (،)

این نشانه (،) که به نام کامه یا ویرگول یاد می‌شود، جهت توقف خفیف در خواندن جمله، از نظر تغییر صوت یا تصریح مفهوم به کار برده می‌شود؛ هرگاه چند کلمه یا عبارت پهلوی هم بیایند، باید توسط(و) های عطف بهم پیوند یابند.

۱- در همچو موارد(و) ها حذف و به جای آن‌ها نشانهٔ (،) گذاشته می‌شود؛ مانند: نگارش بی‌روح و غیر هنرمندانه بی‌تأثیر، یک‌نواخت، کسالت‌آور، دلگیر و ناپسند است.

۲- پیش از جمله‌ها و عبارت‌هایی که شرح و تفسیر جمله‌ها و عبارت‌های پیشین باشند، گذاشته می‌شود؛ مانند: ابومسلم خراسانی، که مردی دلیر و وطن‌دوست بود، همواره اندیشهٔ آزادی و استقلال خراسان را به سر می‌پرورانید.

۳- هرگاه جمله‌یی با یکی از واژه‌های بلی، نه، نی، خیر، درست و امثال این‌ها آغاز شود؛ پس از آن کلمه کامه و در پی آن بقیهٔ جمله نوشته می‌شود؛ مانند:

- بلی، من اشعار او را خواندم.
- نی، ناسنجیده نباید عمل کرد.

اما اگر این واژه‌ها تنها بیایند؛ پس از آن‌ها نقطه گذاشته می‌شود؛ مانند: داستان

را خواندی؟

بلی.

۴- برای جداکردن کلمه‌های خطاب در جمله استعمال می‌شود؛ مانند:

دوست عزیزم، از دیدنت بسیار خوش شدم.

۵- هرگاه برای یک موصوف صفت‌های متعددی را بیاوریم، بعد از هر صفت یک کامه می‌گذاریم، و قبل از صفت آخرین(و) عطف می‌نویسیم؛ مانند: رابعهٔ بلخی، زنی شاعر، اهل هنر و عارف بود.

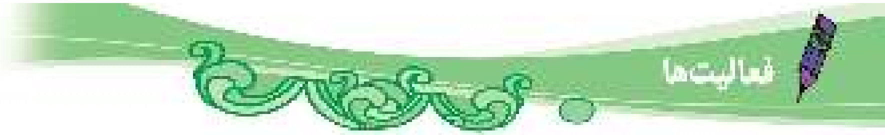


دکتور عبدالاحمد جاوید از نویسنده‌گان و دانشمندان دهه‌های اخیر کشور ماست. او در سال ۱۳۰۴ هـ . ش. در کابل متولد و در سال ۱۳۲۴ هـ . ش. از لیسهٔ عالی حبیبیه فارغ شد. وی در سال ۱۳۲۹هـ.ش. از دانشکده (پوهنځی) زبان و ادبیات و حقوق دانشگاه (پوهنتون) تهران موفق به اخذ سند لیسانس گردید.

جاوید مدت طولانی به حیث استاد و رئیس انتخابی دانشگاه (پوهنتون) کابل و عضو اکادمی علوم افغانستان ایفای وظیفه نموده است و با نشریات رادیو افغانستان و تألیف کتاب‌های درسی وزارت معارف نیز همکاری داشت و مدال‌های ارزنده‌یی را به دست آورده است.

او علاوه بر نگارش مقاله‌های گوناگون علمی و تحقیقی و نشر آن در مجله‌های علمی کشور و ممالک همسایه و کشورهای اروپایی به تألیف کتاب‌های متعدد علمی و ادبی نیز پرداخت که شماری از آن؛ چون: اوستا، نوروز خوش‌آیین، رایحهٔ صلح در فرهنگ ما و مدارا و مروت در فرهنگ فارسی دری چاپ شده است.

سرانجام او در اسد ۱۳۸۱ هـ. ش. در شهر لندن وفات یافت و در شهدای صالحین کابل به خاک سپرده شد.



◆ فعالیت اول

پوهاند جاوید کدام کتاب‌های علمی و ادبی را تألیف نموده است؟ نام ببرید.

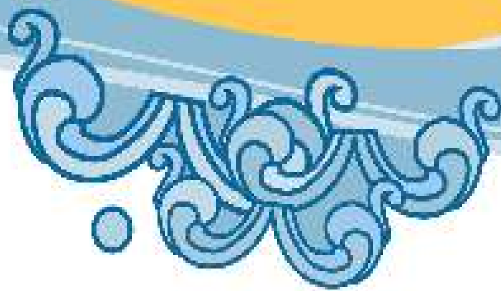
- وظایف عمدهٔ پوهاند جاوید کدام‌ها است و کدام مدال‌ها را به دست آورده است؟
- استاد جاوید به کدام کشورها سفر کرده و آثار علمی وی چه نام‌های دارد؟
- جشن نوروز در قدیم چگونه در کابل برگزار می‌شد؟
- در مورد جاهای کاربرد کامه در گروه‌های خود بحث کنید و نمایندهٔ هر گروه نتیجه را در مقابل صنف بیان کند.

◆ فعالیت دوم

- متن درس را بخوانید و فشردهٔ آن را در چهار سطر بنویسید.
- کدام کلمه در نمونهٔ نثر دکتور جاوید زیاد به‌کار رفته است؟
- پنج جملهٔ زیبا از متن انتخاب و در کتابچه‌های خود بنویسید و نشانهٔ کامه را در آن رعایت کنید.
- قاعدهٔ سوم کامه را در چند مثال خارج از درس به کار برید.
- چطور می‌توان یک نویسنده و دانشمند خوب شد؟
- پیام اصلی درس چیست؟



یک مطلب بنویسید که هر پنج قاعدهٔ نگارش کامه در آن رعایت شده باشد.



درس بیست و چهارم

داستان کوتاه چیست؟



در این درس تاریخچهٔ مختصر، عناصر اساسی و ویژه‌گی‌های داستان کوتاه را می‌خوانیم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی با داستان کوتاه و قواعد نگارشی از جمله «علامت سیمیکولن» است.

داستان کوتاه چیست؟

داستان کوتاه بیان رویداد واقعی و یا تخیلی است که نویسنده با طرح منظم، شخصیت اصلی و محوری را در یک واقعه چنان تصویر می‌کند که تأثیر واحد بر خواننده وارد می‌سازد و یا، داستانی است که کوتاه باشد و در ظرف نیم تا دو ساعت خوانده شود.

داستان کوتاه به مفهوم امروزی آن که معادل short story انگلیسی و Nouvelle فرانسوی است، در اوایل قرن نزدهم میلادی، تقریباً همزمان در امریکا، فرانسه و روسیه پدید آمد. نخستین کسی که به صورت جدی به این نوع ادبی پرداخت و نظریاتی را در این باره ارائه کرد، ادگار آلن پو، شاعر و داستان‌نویس امریکایی (۱۸۰۹ - ۱۸۴۹م.) بود که او را پدر داستان کوتاه می‌نامند؛ همچنین گوگول و چخوف روسی، گی دو ما پاسان فرانسوی و عزیز نسین ترکی از جملهٔ داستان‌نویسان مشهور جهان اند. در افغانستان می‌توان از دکتور محمد اکرم عثمان، جلال نورانی، باباکوهی، رهنور زریاب سپوژمی زریاب و دیگران نام برد که آثاری در این نوع ادبی نگاشته‌اند. طرح داستان کوتاه دارای سه رکن اساسی شرح، گسترش و نتیجه می‌باشد که اغلب با گره‌افگنی با نقطهٔ اوج[۱] شروع می‌شود و با درونمایهٔ[۲] ویژهٔ خود در آخر به گره‌گشایی[۳] می‌انجامد. اصولاً مقدمه‌چینی ندارد و تقریباً از ابهام خالی است و به سرعت به گره‌گشایی منتهی می‌شود.

داستان کوتاه به جای پرداختن به تمام زنده‌گی، به بخشی از آن می‌پردازد؛ یعنی داستان کوتاه برشی از زنده‌گی است. داستان کوتاه باید دارای ویژه‌گی‌های زیر باشد:

- کوتاه باشد.
- پیرنگ[۴] منظم و منسجم داشته باشد.
- فقط به یک موضوع بپردازد.
- یک واقعهٔ بزرگ مرکزی داشته باشد که وقایع دیگر برای تکمیل آن بیایند.
- شخصیت‌هایش معدود باشد؛ ولی یک شخصیت اصلی داشته باشد.
- غالباً شخصیتی با شخصیت دیگر یا خود یا با فکر و اندیشه‌یی درگیر است.
- کامل باشد (از نظر خواننده).
- آغاز، میانه و پایان داشته باشد.

اصولاً ارزش داستان کوتاه در پیام‌رسانی آن نهفته است.



۱. لحظه‌یی است که بحران به نهایت رویارویی و تعارض خود، به گره‌گشایی منجر شود.

۲. فکر حاکم بر داستان.

۳. سرآمدن وضعیت و موقعیت پیچیده یا نتیجهٔ نهایی رشته حوادث است و نتیجهٔ گشودن رازها و معماها و برطرف شدن سوء تفاهمات می‌باشد.

۴. الگوی حادثهٔ داستان است و از حوادث و رویدادهای به هم پیوسته ساخته می‌شود که داستان را از کشمکش به نتیجه می‌رساند.



قواعد نگارشی

◆ **سیمیکولن (؛)**

سیمیکولن (؛) نشانهٔ وقف یا درنگ و مکثی است طولانی‌تر از کامه (،) و کمتر از نقطه(.) که بیشتر در موارد زیر به کار می‌رود:

برای جدا کردن عبارت‌های مختلف یک جملهٔ طولانی که به ظاهر مستقل و در معنا با یکدیگر وابسته و مربوط باشند؛ مانند:

مشک آن است که خود بوید؛ نه آن که عطار گوید.

دوست واقعی آن است که یار شاطر باشد؛ نه بار خاطر.

در جمله‌های توضیحی، پیش از کلمه‌ها و یا عباراتی چون «اما»، «زیرا»، «چرا که»، «یعنی»، «به عبارت دیگر»، «برای مثال» و مانند آن‌ها؛ به شرط آن‌که جمله‌های پیش از آن‌ها کامل و غالباً طولانی باشد؛ برای نمونه:

مال و جاه هیچ‌گاه نمی‌توانند آرامش‌بخش روان انسان باشند؛ چرا که دل‌ها تنها با یاد خداوند (ج) آرامش می‌یابند.

خلاصهٔ درس

داستان کوتاه، داستانی است که نویسنده با خلاقیت و قوهٔ خیال خود آن را می‌سازد و در مدت کوتاهی خوانده می‌شود. داستان کوتاه دارای آغاز، میانه و پایان است؛ همچنین پیرنگ، نقطهٔ اوج و گره‌گشایی دارد. شخصیت‌هایش محدود است و تنها بخشی از زنده‌گی را موضوع قرار می‌دهد و ارزشش در پیام انسانی آن نهفته است.



◆ فعالیت اول

- کدام یک از نویسنده‌گان زیر از آفرینش‌گران داستان کوتاه می‌باشد:

الف) ویکتور هوگو　　　　ب) ادگار آلن پو

ج) باباکوهی　　　　د) گزینه ب و ج

- داستان کوتاه به چه نوع داستانی گفته می‌شود؟
- داستان کوتاه دارای کدام ویژه‌گی‌هاست؟ توضیح دهید.
- در جاهای مناسب جمله‌های زیر علامت سیمیکولن را اضافه کنید:

احمق را ستایش خوش آید چون بشنود احمق‌تر شود.

دوست واقعی آن است که یار شاطر باشد نه بار خاطر.

عمر سیب را خیلی خوش دارد زیرا بوی خوش و طعم لذید دارد.

- پیرنگ چیست و در داستان کوتاه چه نقشی دارد؟

◆ فعالیت دوم

- متن درس را بخوانید و کلمه‌های جدید و مشکل آن را در کتابچه‌های تان رونویس کنید.
- به صورت گروهی در مورد مفهوم متن درس با هم بحث کنید.
- نام چند داستان‌نویس را که در متن خواندید بنویسید.
- کدام شخصیت‌ها در افغانستان به نوشتن داستان کوتاه مشهور اند؟
- داستان کوتاه دارای چند رکن است؟

الف) پنج رکن　　　　ب) دو رکن

ج) سه رکن　　　　د) هیچکدام

- چرا اکثر داستان‌ها هیجان‌انگیز می‌باشند؟

کارخانه‌گی

یک داستان کوتاه را با کمک پدر و مادر و یا با استفاده از کتاب و مجله در کتابچه‌های تان بنویسید و آن را بخوانید.

....

....

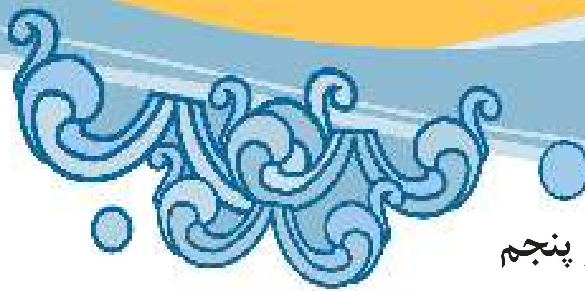
....

....

....

....





درس بیست و پنجم

ورزش و فواید آن



در این درس اهمیت و فواید ورزش را در سلامتی، طراوت و شادابی جسم و روان می‌خوانیم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی به ورزش و قواعد نگارشی از جمله «علامت شارحه» در متن درس است.

ورزش در سلامتی انسان چه نقش دارد؟

تنِ زنـــده والا به ورزنـده‌گی است　　کــه ورزنده‌گــی مایـۀ زنده‌گی اســت
به ورزش گـرای [1]و ســـرافـراز باش　　که فرجام ســـتی سرافگنده‌گی است
ز ورزش میاسای[2] و کوشـــنده باش　　که بنیاد گیتی به کوشـــنده‌گی اســت

(از محمد تقی بهار)

در دوره‌های پیشین و اعصار گذشته بیشتر کارها با نیروی دست و پا صورت می‌گرفت؛ از این‌رو انجام این کارها و فعالیت‌ها برای مردم ورزش طبیعی محسوب می‌شد. بیشتر پیشه‌ها؛ مانند: آهنگری، نجاری، قلبه کردن زمین و غیره با جنب و جوش و کوشش دست‌ها و تن همراه بود. سفرهای بین شهرها به شکل پیاده یا سواره صورت می‌گرفت که به ذات خود نوعی ورزش بود؛ ولی امروز همه کارهای سنگین با ماشین انجام می‌گیرد و این ماشین‌ها جای نیروی بازوان کارگران و پیشه‌وران را گرفته است و می‌بینیم کمتر کسی است که کارش با حرکات بدن و ورزش طبیعی همراه باشد؛ بنابراین باید با تمرین‌های پی‌درپی ورزشی جسم خود را نیرو دهیم، تا در برابر سختی‌های زنده‌گی پایداری نموده و بر آن‌ها چیره شویم.

ورزش تن را سالم و نیرومند می‌سازد، به جان طراوت و شادابی می‌بخشد، مراحل لخته شدن خون را به تأخیر می‌اندازد، خطر ابتلا به دیابت را کاهش می‌دهد، قدرت حافظه را زیاد می‌کند و باعث رفع خسته‌گی و کسالت می‌شود. با ورزش خون سریع‌تر در بدن دوران می‌کند؛ از سوی دیگر با ورزش مسلسل، بدن بیشتر عرق می‌کند و چیزهای مضر را از بدن بیرون می‌ریزد، تنفس تندتر می‌شود و اکسیجن بیشتر به شش‌ها می‌رسد.

فایدۀ ورزش تنها نیرو بخشیدن به تن، تفریح و سرگرمی نیست؛ بلکه ورزش‌های گروهی راه و رسم زنده‌گی و سازگاری با مردم و تعاون را به ورزش‌کاران می‌آموزد. مسابقه‌های ورزشی بهترین راه برای دوستی میان ملت‌ها است.

پس از دانستن این همه فواید ورزش بیایید که آن را جزء برنامه‌های زنده‌گی خویش قرار دهیم، تا زنده‌گی با سعادت و سرشار از سلامتی و تندرستی داشته باشیم؛ ساده‌ترین

ورزش‌هایی که همه می‌توانیم آن‌ها را اجرا نماییم عبارت اند از: فوتبال، والیبال، باسکتبال، دوش، پیاده‌روی و....

پیاده‌روی تند با سرعت ۳ تا ۴ کیلومتر در ساعت، فرد را شاداب و پرانرژی ساخته و نقش حیاتی را در ایجاد زنده‌گی بدون بیماری ایفا می‌کند.



۱. گراییدن

۲. آسودن

۳. محمد تقی بهار(ملک‌الشعرا) شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار و استاد دانشگاه (پوهنتون) (۱۳۳۰-۱۲۶۶) هـ. ش. از شاعران بزرگ معاصر ایران است. وی مسایل سیاسی و موضوعات مربوط به زمان خویش را نیز در بعضی شعرهای خود آورده است. مهم‌ترین اثر او کتاب سبک‌شناسی‌است.





قواعد نگارشی

◆ شارحه یا دو نقطهٔ سر به سر(:)

این نشانه در موارد زیر به کار می‌رود:

در مورد نقل قول مستقیم دیگران پیش از قوس کوچک استعمال می‌شود؛ مانند:

او گفت: «ما هم غنیمتیم و شما هم غنیمتید.»

برای شرح و تفصیل یک مطلب در جمله نوشته می‌شود؛ مانند:

درس‌هایی را که تا حال خوانده‌ایم عبارت اند از: حمد، دعای مادر، بشردوستی، اسراف، کمپیوتر و...

پس از کلمه‌هایی مانند: چون، به حیث مثال، به گونهٔ نمونه و... که به دنبال آن‌ها مثال ذکر شود، گذاشته می‌شود؛ مانند:

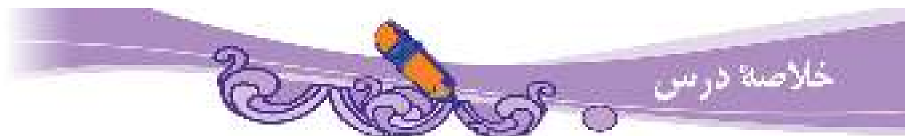
بیشتر پیشه‌ها؛ مانند: آهنگری، نجاری، قلبهٔ زمین و غیره با جنب و جوش و کوشش دست‌ها و تن همراه بود.

پس از عنوان‌های کوچک کنار صفحه که سطر به ادامهٔ آن نوشته شود، به کار می‌رود؛ مانند: انواع(هـ) در زبان دری: (هـ) در زبان دری دو نوع است:

۱. (هـ) ملفوظ

۲. (هـ) غیر ملفوظ





در گذشته بیشتر مشاغل با فعالیت‌های بدنی همراه بود؛ بنابراین افراد نیاز نداشتند که برای فعالیت و تحرک، زمانی را برای ورزش کردن اختصاص دهند؛ اما امروز با پیشرفت تکنولوژی کارها راحت‌تر شده و نیاز به فعالیت جسمی ندارد؛ پس باید با تمرین‌های پی‌درپی ورزشی، جسم خود را نیرو دهیم تا بتوانیم در برابر سختی‌های زنده‌گی ایستاده‌گی کنیم. ورزش فواید زیادی را برای سلامتی جسم ما به بار می‌آورد. علاوه بر نیرو بخشیدن به بدن باعث سازگاری و دوستی میان ملت‌ها نیز می‌شود.



فعالیت اول

- پیام متن درس چیست؟
- ورزش کردن در زنده‌گی روزانهٔ ما چه اهمیت دارد؟
- در مورد این جمله گفتگو کنید: «عقل سلیم در بدن سالم است.»
- از میان جمله‌های زیر، جملهٔ درست را انتخاب و مقابل آن علامت (√) بگذارید:

ورزش تن و روح را نیرومند نمی‌سازد.

ورزش باعث خسته‌گی و کسالت انسان می‌شود.

ورزش به جان طراوت و شادابی می‌بخشد.

- در مورد کاربرد شارحه در گروه‌ها با هم بحث کنید.
- در مورد مفهوم بیت زیر از محمد تقی بهار با هم مباحثه کنید.

ز ورزش میاسای و کوشنده باش   که بنیاد گیتی به کوشنده‌گی است

◆ فعالیت دوم

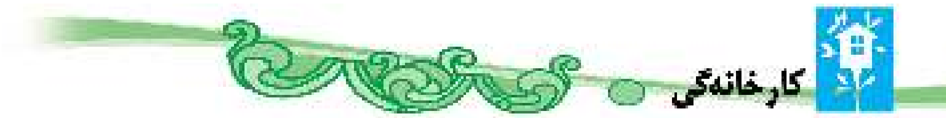
- به صورت گروهی در مورد فواید ورزش صحبت نمایید.
- در زمانه‌های قدیم مردم چطور ورزش می‌کردند؟ در دو سطر بنویسید.
- جملهٔ صحیح را از میان جمله‌های زیر مشخص نموده و در مقابل آن علامت(√) بگذارید:

شارحه برای جداکردن کلمه‌های مترادف به کار می‌رود.

شارحه چند جملهٔ معترضه را با هم ربط می‌دهد.

شارحه در مورد نقل قول مستقیم دیگران پیش از قوس کوچک استعمال می‌شود.

- آیا ورزش یک تفریح و سرگرمی است؟ در چند سطر بنویسید.
- از درس ورزش چه آموختید؟ بیان کنید.
- آیا ورزش کردن برای همه ضروری است؟ توضیح دهید.



به نظرتان بهترین ورزش کدام است؟ در مورد آن پنج سطر بنویسید که علامت شارحه در آن به‌کار رفته باشد.

....

....

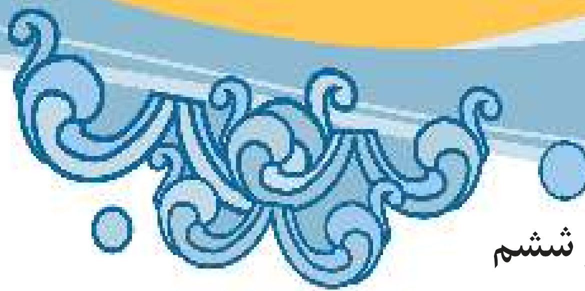
....

....

....

....

....



درس بیست و ششم

مواد مخدر



ای که خودت را می‌سوزی و می‌خواهی زنده‌گی خود، خانواده و کشور خود را به آتش بکشی، آیا هیچ می‌دانی زنده‌گی چه زیباست؟ پس چطور روا می‌داری این همه زیبایی‌ها را به آتش بکشی؟

مواد مخدر خطرناک‌ترین دشمن روح و روان و صحت و سلامت انسان است. در این درس علاوه بر شناخت زیان‌های خطرناک و مرگ بار آن، در مورد صدها مشکل صحی، اجتماعی و اقتصادی آن مطالب مفیدی را می‌آموزیم. هدف ما آشنایی با اضرار مواد مخدر و قواعد نگارشی از جمله علامت سؤالیه در متن درس است. فرق میان یک فرد ورزشکار و یک فرد معتاد چیست؟

مواد مخدر عبارت از مواد نشئه‌آوری است که مصرف آن فعالیت‌های سیستم اعصاب مرکزی را تغییر می‌دهد. در صورت استعمال مکرر، سبب اعتیاد روانی و بدنی می گردد. مواد مخدر هم به صورت طبیعی وجود دارد؛ مانند: تریاک که از بوتهٔ خشخاش به دست می آید و هم به طور مصنوعی و کیمیاوی در لابراتوارها ساخته می‌شود؛ مانند: هیرویین، مورفین، کوکایین، کودین و غیره. برخی از این مواد ارزش استفادهٔ طبی دارند و در ساختن دواها فیصدی کمی از آن‌ها استفاده می‌گردد که مصرف بیش از ضرورت آن‌ها و یا بدون تجویز داکتر، خطرات جدی و زیان‌آوری را به دنبال دارد.

استعمال مواد مخدر مخصوصاً از طریق پیچکاری به صحت انسان بسیار مضر است. علاوه بر زیان‌های جدی و خطرناک صحی؛ چون: ابتلا به امراض مزمن و کشنده از جمله انواع مختلف سرطان، سکته‌های قلبی و زردی، مشکلات بی‌شمار اجتماعی و اقتصادی از قبیل: سرقت، فقر، گدایی و تباهی سرمایه‌های بزرگ مادی و بشری را نیز به دنبال دارد.

آیا می‌دانید که دین مقدس اسلام در این مورد چه فرموده است؟

دین مقدس اسلام استعمال مواد مخدر را به دلیل این‌که به صحت و سلامت انسان ضرر می‌رساند و جامعه را به طرف انحطاط اخلاقی می کشاند، منع قرار داده است.

اشخاصی که مواد مخدر مصرف می‌نمایند و استعمال آن به عادت همیشه‌گی و وابسته‌گی جسمی و روانی آن‌ها مبدل شده است، معتاد نامیده می‌شوند.

بدبختانه یک تعداد اشخاص معتاد که بیشتر آنان را جوانان بین سنین ۱۵-۳۵ سال تشکیل می‌دهد، در وطن عزیز ما افغانستان وجود دارند که مردم آن‌ها را به نام هیروئینی(پودری) می‌خوانند. اشخاص پودری، از جامعه منزوی شده و خیلی منفور و بی‌قدر اند. مردم با آن‌ها به حیث یک مجرم برخورد می‌نمایند؛ زیرا آن‌ها را دشمنان جسم و جان خود و بار دوش جامعه می‌دانند؛ اما در حقیقت معتادان مواد مخدر افرادی اند که بنابر مشکلات روانی، عدم آگاهی از اضرار مواد مخدر، هم‌نشینی با اشخاص بی‌بند و بار و محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی، ناخواسته به دام این هیولا افتاده اند.

این مسؤولیت همهٔ افراد جامعه، دولت و مؤسسات غیر دولتی است تا در رفع این مشکل

دست به دست هم داده و در نجات معتادان در حد امکان همکاری کرده و آن‌ها را رهنمایی نمایند.

چگونه می‌توان یک شخص معتاد را تداوی کرد؟

نکتهٔ اساسی و مهم در تداوی فرد معتاد این است که با وی به حیث یک شخص مریض و یک عضو جامعه که محتاج کمک است، رفتار شود؛ نه به حیث یک مجرم، خاطی و گنهکاری که مستوجب مجازات باشد. اگر فرد معتاد به خاطر آماده شدن به تداوی و ترک مواد مخدر تشویق نشود و با او روش خصمانه و یا عدم همکاری صورت بگیرد، بدون شک که موصوف هیچگاه حاضر به ترک اعتیاد نخواهد شد.



قواعد نگارشی

◆ **نشانهٔ سؤالیه، پرسش یا استفهام(؟)**

پس از جمله‌هایی که شکل پرسش مستقیم را داشته باشد، نوشته می‌شود؛ مانند جمله‌های زیر:

چگونه می‌توان یک شخص معتاد را تداوی کرد؟

معتاد به چه کسی گفته می‌شود؟

مصرف مواد مخدر انسان را به کدام امراض مبتلا می‌سازد؟

آیا می‌دانید که دین مقدس اسلام در این مورد چه فرموده است؟

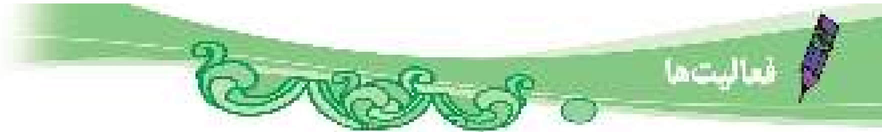
شما امروز کجا بودید؟

چرا به وقت معین به مکتب نیامدی؟

خلاصهٔ درس

مواد مخدر عبارت از مواد نشئه‌آوری است که مصرف آن سبب کندی فعالیت‌های سیستم اعصاب مرکزی می گردد. استفاده از مواد مخدر باعث امراض مزمن و کشنده‌یی؛ چون: انواع مختلف سرطان، سکته‌های قلبی، زردی و مشکلات بی‌شمار اقتصادی از قبیل: سرقت، فقر، گدایی، تباهی و غیره می‌شود. نکتهٔ اساسی و مهم در تداوی فرد معتاد این است که با وی به حیث یک شخص مریض و یک عضو جامعه که محتاج کمک است رفتار شود؛ نه به حیث یک مجرم، خاطی و گنهکاری که مستوجب مجازات باشد.





◆ فعالیت اول

- استعمال مواد مخدر چه زیان‌هایی را در پی دارد؟
- یک تن از هر گروه، ضررهای مواد مخدر را با زبان ساده بیان کند.
- دو تن از هر گروه علامت سؤالیه را با مثال واضح سازند.
- فکر کنید و بگویید که پیام اساسی این درس چیست.

◆ فعالیت دوم

- کلمه‌های جدید متن درس را یادداشت کنید.
- از هر گروه یک شاگرد متن درس را با صدای بلند بخواند.
- دو جمله بنویسید که در آن‌ها علامت سؤالیه به کار رفته باشد.
- برای کلمه‌های زیر جمله بسازید:

مواد مخدر

ضرر

معتاد

صحت

- جاهای خالی زیر را تکمیل نمایید:

نکتهٔ اساسی و.................... در تداوی فرد.......... این است که با وی به حیث یک شخص...................... و یک عضو...................... که محتاج...................... است رفتار شود؛ نه به حیث یک......................... خاطی و گنهگاری که........................ مجازات باشد.



برداشت‌تان را از مفهوم درس در شش سطر بنویسید.

....

....

....

....

....

....



درس بیست و هفتم

ماین چیست و چند نوع دارد؟



جنگ، این پدیدهٔ شوم و ویرانگر، به جز از تباهی، بربادی و بدبختی چیزی دیگری را در پی ندارد. متأسفانه کشور ما در اثر جنگ‌های تحمیلی کشتزار ماین‌ها گردیده و این پدیده سالانه جان صدها تن از مردمان بی‌گناه ما را می‌گیرد و خانواده‌ها را داغدار می‌سازد، این درس را اختصاص داده‌ایم به معرفی ماین و انواع آن هدف ما آشنایی با ماین‌ها و خطرات آن‌ها و قواعد نگارشی از جمله علامت نداییه می‌باشد.

گشت و گذار بی‌جا و بی‌مورد در جاهای ناامن باعث چه می‌شود؟

ماین‌ها اشیای مخصوصی اند که از پلاستیک، چوب و آهن ساخته شده و در بین آن‌ها مواد منفجره جا داده شده است. این سلاح به اثر فشار دست، پا و یا چیز دیگری منفجر می‌گردد؛ هرگاه انسان، حیوان و یا هر چیز دیگری از بالای آن بگذرد یا از بین می‌رود و یا زخمی و معلول می‌شود.

ماین‌ها دارای اشکال، اندازه‌ها و رنگ‌های مختلف می‌باشند؛ مثلا: گرد و هموار، مانند: توتهٔ نل بخاری، رادیوی کوچک که دارای پایه‌های آهنی باشد، توپ، صندوقچه یا بکس چرمی و...

ماین‌ها به هدف مرگ یا معلول ساختن انسان‌ها و از بین بردن وسایط نقلیه ساخته شده اند. این سلاح ویرانگر از جنگ جهانی اول به این طرف در جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مهمات منفجر ناشدهٔ دیگر؛ مانند: راکت‌ها و بمب‌های دستی، مرمی‌های تانک، مرمی‌های مختلف تفنگ‌ها و بمب‌هایی که از طیاره پرتاب می‌شوند، نیز بلای جان انسان اند که باید از نزدیکی به آن‌ها خودداری شود.

افغانستان از جملهٔ کشورهایی است که بیشترین ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده در آن جابه‌جا گردیده است. طبق یک احصائیه در حال حاضر قربانیان ماین‌ها بیشتر از پنجاه نفر در ماه می‌باشد.

شاگردان عزیز،

پس بر ما لازم است، تا از گشت و گذار بی‌جا و بیهوده در هر گوشه و کنار خودداری کنیم. در صورت مقابل شدن با ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده، باید به افراد مسؤول خبر دهیم تا برای از بین بردن آن‌ها اقدام کنند. با این کار اسلامی و بشردوستانه می‌توانیم زنده‌گی خود، خانواده و بالاخره مردم زجر دیدهٔ کشور خود را از بلا و مصیبت نجات دهیم.



قواعد نگارشی

◆ نشانهٔ ندابیه، اعجابیه یا خطاب(!)

الف: پس از کلمه‌هایی که در محل ندا باشند، نوشته می‌شود؛ مانند:

خداوندا! مرا در انجام کارهای نیک یاری ده.

شاگردان عزیز! گشت و گذار بیجا و بی‌مورد باعث ندامت و پشیمانی می‌گردد!

ب: پس ازکلمه‌هایی که بیانگر احساسات، عواطف و تأثرات باشد؛ به کار می‌رود؛ مثلاً:

واحسرتا!

دریغا!

واه!

آفرین!

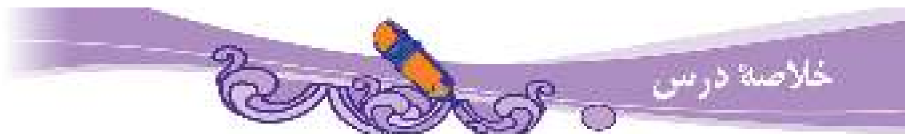
اگر پس از واژه‌های ندا جمله‌یی بیاید؛ مانند جمله‌های زیر، نشانهٔ ندابیه در پایان جمله گذاشته می‌شود؛ چون:

واحسرتا، که عمرم به پایان رسید!

دریغا، که او را نادیده رفتم!

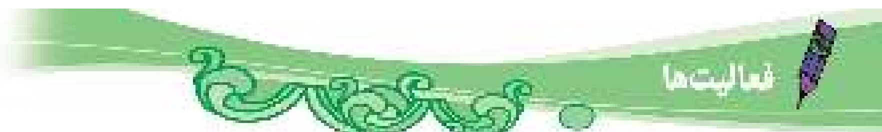
واه، چه درخت عجیبی!

آفرین، پسر خوبم!



ماین‌ها اشیای مخصوصی اند که از پلاستیک، چوب و آهن ساخته شده اند و در بین آن‌ها مواد منفجره قرار داده شده است. ماین انواع گوناگون دارد و به منظور مرگ یا معلول ساختن انسان‌ها و از بین بردن وسایط نقلیه ساخته شده اند، مهمات منفجر ناشده؛ مانند: راکت‌ها، بمب‌های دستی، مرمی‌های تانک، مرمی‌های مختلف تفنگ و بمب‌هایی که از طیاره پرتاب می‌شوند، نیز بلای جان انسان‌ها اند.

افغانستان از جملهٔ کشورهایی است که بیشترین ماین‌ها و مهمات منفجر ناشده در آن جابه‌جا گردیده است؛ پس بر ما لازم است تا از گشت و گذار بیجا خودداری کنیم و برای محو و نابودی آن‌ها در صورت اطلاع داشتن به حوزه‌های امنیتی خبر دهیم.



فعالیت اول

- ماین‌ها از کدام مواد زیر ساخته می‌شوند؟

الف) آهن

ب) پلاستیک

ج) چوب

د) هر سه

- اگر به مهمات منفجر ناشده نزدیک شویم و یا به آن‌ها دست بزنیم، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟
- یک تن از هر گروه برداشت خود را از مفهوم درس به دیگران بیان کند.

◆ فعالیت دوم

- سه تن از هر گروه متن درس را با صدای بلند بخوانید و کلمه‌ها را درست تلفظ کنید.
- یک تن از هر گروه جای گذاشتن نشانۀ ندابیه را روی تخته واضح سازد.
- گروه‌ها از متن درس سه پرسش تهیه نمایند؛ سپس یک گروه از گروه دیگر پرسش‌های تهیه شدۀ خود را بپرسند؛ بعد مورد تشویق قرار گیرند.
- کلمه‌های زیر را در جمله به کار ببرید:

۱. منفجر

۲. ماین

۳. معلول

۴. احصائیه

۵. جنگ

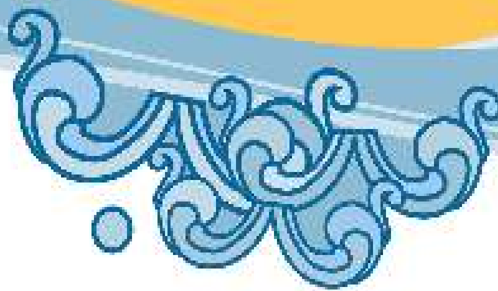




تصویرهای زیر را با دقت ببینید و در مورد جنگ و صلح در شش سطر یک مقاله بنویسید.







درس بیست و هشتم

صلح و امنیت



صلح و امنیت یگانه آرزوی ملت غیور و شهیدپرور سرزمین شجاعت‌پرور ما است که مردم ما برای تأمین و برقراری آن لحظه‌شماری می‌کنند.

این درس به صورت محاوره تهیه گردیده که از مفهوم و محتوای آن مطالب خوبی را می‌آموزیم. هدف ما ایجاد علاقه و آشنایی به زنده‌گی صلح‌آمیز و قواعد نگارشی از جمله «علامت فاصله» در متن درس است.

صلح و امنیت در پیش‌برد درس و تحصیل ما چه نقش دارد؟

فرزانه همراه با خانواده‌اش در یکی از قریه‌های دوردست زنده‌گی می‌کند. وی در صنف هفتم مکتب درس می‌خواند و از جملهٔ شاگردان ممتاز مکتب نیز است.

در یکی از روزها فرزانه از پدرش می‌پرسد:

پدرجان! صلح چیست؟

پدرش گفت: دخترم، صلح حالتی است که بر اثر آن ناآرامی و جنگ به صورت دایم یا موقت در یک منطقه یا سرزمین پایان یافته و آرامش و امنیت پدید می‌آید. از جانب دیگر، صلح یعنی دوستی، آشتی و صفا.

- فرق میان جنگ و صلح چیست؟

- جنگ یک پدیدهٔ شوم است که حاصل آن بدبختی، ویرانگری، تباهی و کشت و خون می‌باشد؛ ولی صلح یک پدیدهٔ سبز و خرم است که عشق و زیبایی، مهر و محبت، صفا و صمیمیت، آبادی و عمران، رفاه و آسایش و شرایط مناسب برای درس و تحصیل را به بار می‌آورد.

- چطور می‌توانیم جنگ و نفاق را از بین ببریم؟

- ما زمانی می‌توانیم از جنگ و نفاق رهایی یابیم که اصلاح را از خود شروع کنیم؛ به این معنا که تا انسان خود را اصلاح نکند، هیچ گاه نمی‌تواند دیگری را رهنمایی کند. ما باید در خانه، مکتب، کوچه و محلهٔ خویش همه با هم دوست و رفیق و برادر و خواهر باشیم؛ از تعصبات قومی، نژادی و زبانی دوری کنیم و نگذاریم که دوستی و صمیمیت ما قربانی خواسته‌های غیر انسانی و غیر اسلامی انسان‌های فرصت‌طلب و جنگ‌انداز گردد.

بر ما لازم است، تا برای آرامش و آسایش خود، خانواده و مردم خویش و جلوگیری از تباهی و بربادی وطن خود، در برقراری صلح و امنیت، بسیار توجه داشته باشیم و اهمیت آن را برجسته سازیم؛ بهترین راه تبلیغ برای برقراری صلح و امنیت رادیوها، تلویزیون‌ها، جراید و همچنین مساجد است که برای آگاهی اذهان مردم بسیار مؤثر استند. این یگانه راه رسیدن به زنده‌گی آرام، درس و تحصیل بهتر و ترقی و پیشرفت جامعه می‌باشد. صلح و امنیت فقط با برادری و برابری و گذشت و بردباری امکان‌پذیر است.

پدرجان! از این‌که مرا در روشنی کامل قرار دادید و معلومات بسیار مفید و سودمند در زمینهٔ صلح و امنیت ارائه کردید، از احساسات انسان‌دوستانهٔ تان قدردانی کرده تشکر می‌کنم. از بارگاه پروردگار عالمیان برای ملت رنج‌دیده‌ام آرزوی آرامش، سرفرازی و برادری دارم.





قواعد نگارشی

◆ **خط دش یا فاصله [-] Dash**

الف: به منظور توضیح یک عبارت نوشته می‌شود؛ مانند: ناصر خسرو شاعر مبارز و دانشمند زبان دری - در سال ۴۸۱ هـ. ق. زنده‌گی را پدرود گفت.

ب: به منظور جلوگیری از تکرار اسم در یک دیالوگ (محاوره) نوشته می‌شود؛ مانند:

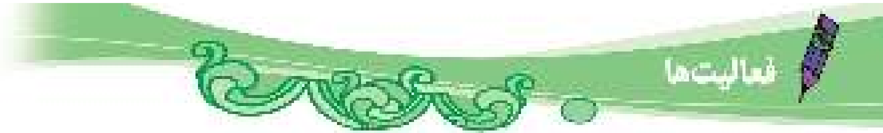
فرزانه - فرق میان جنگ و صلح چیست؟

پدر - جنگ یک پدیدهٔ شوم است که حاصل آن بدبختی و... است؛ ولی صلح یک پدیدهٔ سبز و خرم است، که عشق و زیبایی، مهر و محبت و... را به بار می‌آورد.

- چطور می‌توانیم که جنگ و نفاق را از بین ببریم؟

خلاصهٔ درس

در هر منطقه یا سرزمینی که جنگ به صورت موقت و یا دایم پایان یابد، صلح برقرار می‌گردد. به عبارت دیگر صلح، یعنی دوستی، آشتی و صفا. جنگ یک پدیدهٔ شوم است که ویرانگری و تباهی را در قبال دارد و کشور ما که مدت طولانی دست‌خوش جنگ‌های تحمیلی ویرانگر بود، امروز سخت تشنهٔ صلح است. برقراری صلح نیاز شدید به همبسته‌گی و اتحاد ما دارد، تا دست به دست هم داده، کشور و ملت خود را آباد و سرافراز سازیم.



◆ فعالیت اول

- فرزانه از پدرش چه پرسید؟
- حاصل زنده‌گی صلح‌آمیز چه چیزهایی است؟
- بهترین راه تبلیغ برای روشن شدن اذهان مردم در زمینهٔ صلح و امنیت کدام است؟
- یک شاگرد در مورد بدبختی‌های جنگ صحبت کند.
- علامت دش یا فاصله را در متن درس مشخص کنید.

◆ فعالیت دوم

- گروه‌ها متن درس را با یکدیگر محاوره نمایند؛ طوری که یک گروه نقش شاگرد و گروه دیگر نقش معلم را تمثیل کنند.
- کلمه‌های جدید درس را روی تخته معنا کنید.

با کلمه‌های زیر جمله بسازید:

۱. صلح ....

۲. جنگ ....

۳. آسایش ....

۴. بدبختی ....



تصویر زیر را به دقت ببینید و در مورد زیبایی‌های صلح و امنیت پنج جملهٔ زیبا بنویسید:





واژه‌نامه

درس اول
مونس: انس گرفته، همدم
کارگشا: آسان‌کنندۀ کار
کوته: کوتاه
کفایت: کافی بودن، بس بودن
جستن: جستجو کردن

درس دوم
طفیل: مهمان ناخوانده، وابسته
مهین: بزرگترین، بزرگ
معطر: عطرآگین، خوشبو
عرش: تخت، مقام بالا
کرسی: فلک هشتم
فتوح: جمع فتح، پیروزی‌ها

درس سوم
طبق: ظرف بزرگ
طعم: مزه
زاهد: پرهیزگار
موجب: سبب
ره: راه
رستن: آزاد شدن، رها شدن، نجات یافتن

درس چهارم
تبارز: ظاهر شدن، آشکار شدن
رونما: چیز تازه و نو را به دیگران نشان دادن
توسعه: وسعت دادن، گسترش دادن
متساوی: برابری، برابر بودن
حقه: راست، درست
پیکر: تن، اندام، هیکل
گوهر: خصوصیت و ویژه‌گی ذاتی چیزی یا کسی
محنت: رنج

درس پنجم
گوهرزا: سنگ قیمتی
چیره: غالب، پیروز
ستادم: ایستاد شدم
فیض: برکت
مقصود: هدف، قصد
فرط: بسیار زیاد
سپید: سفید
مرید: ارادتمند، کسی‌که پیرو پیری شود و از او آداب طریقت بیاموزد

درس ششم
وارسته: آزاده
تعلیم: آموختن علم
تعلم: آموختاندن علم
طبع: سرشت، خوی

درس هفتم
ابعاد: جمع بُعد، دوره
مروج: رواج‌دهنده
زُهد: پرهیزگاری، پارسا شدن
مداح: ستایشگر
شیوا: سخن روشن و آشکار
عرفان: خداشناسی

درس هشتم
متنفر: منزجر، بیزارشونده
مدال: نشانی که از طرف دولت یا مؤسسه‌یی به پاداش کار علمی، ادبی، صنعتی و یا خدمات دیگر به کسی یا گروهی داده می‌شود
ار: مخفف اگر
آزمون: امتحان

درس نهم
اثاثه خانه: اسباب و لوازم خانه

مبنا: پایه، بنیان
متحمل: تحمل‌کننده، بردبار، بردارندهٔ بار
پویا: کوشا
متمدن: دارای تمدن و فرهنگ
کاین: مخفف که این

درس دهم

وابسته: مربوط، متعلق
اقدس: پاکیزه‌تر، پاکتر
تأمین: ایمن کردن، امنیت دادن، آرام دادن
آلوده: ملوث شدن، نجاست
کلورین: محلول مکروب‌کُش

درس یازدهم

اسراف: زیاده‌روی در چیزی
تلف: از بین بردن، بیهوده صرف کردن
بهره‌مند: مستفید و سود برنده

درس دوازدهم و سیزدهم

رقعه: نامهٔ کوچک
منطق: سخن گفتن، یا علمی است که ذهن را از خطا و لغزش باز می‌دارد
عروض: فن شناختن بحرهای اشعار
ارشاد: راهنمایی
خضر: پیامبری که نمی‌میرد و گویند در بیابان‌ها به راهنمایی گم‌شده‌گان می‌آید سبزپوش و هر جا می‌رود سبز می‌شود
ماسوا: ماسوی الله، همهٔ موجودات غیر از خدا
جیفه: لاشه، مردار
مخلد: جاودان، همیشه‌گی
کیان: هستی، وجود
دغدغه: ترس، بیم، تشویش خاطر
انکسار: شکست
وزن: سنجیدن و سرودن شعر مطابق میزان
قافیه: آخرین کلمهٔ بیت‌ها است به شرط آن‌که کلمه عیناً در آخر ابیات دیگر تکرار نشود
مصرع: نیمهٔ یک بیت

درس چهاردهم

رسوم: مجموعهٔ آداب و سنن
اساطیر: جمع اسطوره، افسانه، قصه
خرافات: باورهایی که پایه و اساس درستی ندارند
توده: انبوه مردم، عامهٔ خلق
مُعَما: کلامی که با رمز و اشاره بر مطلبی دلالت کند
لُغَز: شمردن اوصاف چیزی بدون آنکه نام آن را ببرند، چیستان
جرم: تن و جثه که بیشتر بر اجسام فلکی اطلاق می‌شود
مزعفر: زعفرانی شده، به رنگ زعفران

درس پانزدهم

عذوبت: شیرینی، گوارا بودن
شیوا: رسا و روان
قلمرو: مملکتی که تحت ادارهٔ واحد باشد

درس شانزدهم

محضر: حضور، محل حضور
مدیحه‌سرا: شاعری که در مدح و ستایش کسی شعر می‌گوید
تمایل: گرایش، میل و رغبت
گرایش: تمایل، میل و رغبت
بصر: دیده

درس هفدهم

گسترده: وسیع
مثابه: مانند، مشابه

درس هجدهم

صاحب راز: صاحب اسرار، آنکه از اسرار باخبر است
بنوشتمی: می‌نوشتم
هنگامه: شور و غوغا

درس نزدهم

متفکر: کسی که فکر و دقت می‌کند
سریعتر: زودتر

درس بیستم

مطایبات: جمع مطایبه شوخی‌ها
تملق: چاپلوسی
اطلس: پرنیان، دیبا، پارچهٔ ابریشمی
دیبا: نوعی پارچهٔ ابریشمین رنگین
سایل: سؤال‌کننده، گدا
مروت: جوانمردی
افلاس: بیچاره‌گی، فقر
جهلا: نادانان

درس بیست و یکم

افسونگر: جادوگر، ساحر
طرفه: چیز تازه و شگفت
شنفت: شنید
عاطفه: احساس
تخیل: خیال‌انگیزی
موزون: دارای وزن
مقفی: دارای قافیه
سفت: سوراخ کردن

درس بیست و دوم

تمسخر: مسخره کردن
تعجب: حیرت کردن
آخرالامر: در آخر، در پایان
سلیم: ساده و گول، سالم، درست
علیم: دانا، عالم
صورت: ظاهر، روی، رخسار، پیکر، نقش
سحاب: ابر
کیش: دین و آیین

درس بیست و سوم

متعدد: مختلف، گوناگون
وصیت: سفارش، توصیه
فرح‌بخش: شادی‌آور، طرب‌زا
قناری: پرنده‌یی به اندازه گنجشک و زردرنگ با آوازی دلنشین

درس بیست و چهارم

رویداد: واقعه، حادثه
محور: مرکز
ابهام: مبهم، پیچیده، آنچه زیاد روشن و آشکار نیست
منتهی: انتها، آخر، پایان

درس بیست و پنجم

اعصار: جمع عصر، زمان‌ها
لخته: بسته، منعقد، دلمه
افزایش: زیاد شدن
دیابت: بیماری که در آن قند خون بالا می‌رود

درس بیست و ششم

اعتیاد: عادت کردن به چیزی
تجویز: جواز(اجازه) دادن
ابتلا: دچار شدن، گرفتار شدن
مزمن: دیرینه، مرض دوا مدار
منزوی: گوشه‌گیر، در انزوا بودن
منفور: بد، مورد نفرت قرار گرفته
هیولا: دیو، چیز بد و پلید
خاطی: خطاکار، گنهکار
مستوجب: شایسته، درخور، مستحق
انحطاط: سقوط، پایین آمدن

درس بیست و هفتم

معیوب: عیب‌دار، ناقص
معلول: علیل، بیمار، ناقص

درس بیست وهشتم

پدیده: رخداد، حادثه، چیز
خرم: شاد، خندان
عمران: آبادی

فهرست منابع

۱. کاظمی، محمد کاظم، دیوان خلیل الله خلیلی، چاپ اول، انتشارات محمد ابراهیم، تهران، ایران، ۱۳۸۵.
۲. یوسفی، دکتور غلام حسین، چشمهٔ روشن، چاپ اول، تهران، ایران، ۱۳۸۵.
۳. کرمی، احمد، دیوان مخفی، گزیدهٔ بهارستان جامی، چاپ اول، مؤسسهٔ کتاب همراه، تهران، ایران، ۱۳۷۵.
۵. سبحانی، دکتور توفیق، مثنوی معنوی، چاپ چهارم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ایران ۱۳۷۹.
۶. گیوی، دکتور حسن احمدی، زبان و نگارش فارسی، چاپ بیست و ششم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ایران، ۱۳۸۶.
۷. خانلری، دکتور پرویز ناتل، دستور زبان فارسی، چاپ بیست و یکم، انتشارات توس، تهران، ایران، ۱۳۸۶.
۸. حصاریان، دکتور سید اکرام الدین، غیاث الدین غیاثی، شاعر وارسته، چاپ اول، انتشارات اکادمی علوم تاجیکستان، ۱۳۸۴.
۹. صادقی، جمال مسیر، قصه، داستان کوتاه، رومان، چاپ اول، انتشارات کمیتهٔ دولتی، کابل، افغانستان، ۱۳۶۵.
۱۰. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید ۳ جلدی، چاپ دوم، انتشارات سپهر، تهران، ایران، ۱۳۶۵.
۱۱. معین، دکتور محمد، فرهنگ فارسی شش جلدی، چاپ پانزدهم، انتشارات سپهر، تهران، ایران، ۱۳۷۹.
۱۲. انوری، دکتور حسن، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ سوم، انتشارات سخن، تهران، ایران، ۱۳۸۶.
۱۳. آریانفر، دکتور شمس الحق، آشنایی با شخصیت‌های کلان افغانستان.
۱۴. اخگر، مطهر شاه، آگاهی از خطرات ماین‌ها، مهمات منفجر ناشده و معلولیت، کابل، افغانستان، ۱۳۸۷.
۱۵. انوشه، حسن(به سرپرستی)، دانشنامهٔ ادب فارسی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، تهران، ایران، ۱۳۸۷.
۱۶. شریعت، دکتور محمد جواد، دستور زبان فارسی، انتشارات اساطیر، چاپ هفتم، تهران، ایران، ۱۳۷۵.
۱۷. صفا، دکتور ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ سوم، انتشارات فردوس، تهران، ایران، ۱۳۶۶.
۱۸. غزالی، امام محمد، کیمیای سعادت، ج/ا، تهران، ایران، انتشارات طهوری.
۱۹. هاشمی، حمید، زنده‌گینامهٔ شاعران ایران، چاپ اول، انتشارات فرهنگ و قلم، تهران، ایران، ۱۳۸۲.
۲۰. خانلری، دکتور زهرا، فرهنگ ادبیات فارسی، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران، ایران، ۱۳۸۴.
۲۱. حاکمی، دکتور اسماعیل، بهارستان جامی، چاپ پنجم، تهران، ایران، ۱۳۸۵.
۲۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه ۵۲ جلدی، چاپ سیروس، انتشارات دانشگاه تهران، ایران، ۱۳۳۷.
۲۳. ویب سایت: http//oldarchive.payamemojahed.com.